

نظم بدیع

جلد اول

تالیف حبیب اللہ حسامی

در سراپرده یکرنگی این نظم بدیع
عشق و دلدادگی و صلح و سلام
است مدام

در اهمیت نظم بدیع

حضرت ولی امرالله می فرمایند :

طنین وحدت عالم انسانی و اتحاد عالم می تواند
شالوده نظم بدیع جهانی را که حضرت بهاءالله
ذکر فرموده اند پی ریزی نماید چنان نظمی که
در حد استعداد عالم خاک این بسیط غبرا را
آئینه تابناک ملکوت الهی خواهد کرد .

نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاءالله
یگانه حصن حصین جهانیان در این ایام
پر دهشت و انقلاب است .

(توفیق شهر الکلمات ۱۰۴ بدیع)

فرخنده باد نظم بدیعش که در جهان

محکم بنای خانه عدل و وفا نهاد

دوازده تعلیم از تعالیم حضرت بهاءالله

تحریر حقیقت

وحدت عالم انسانی

تعلیم و تربیت عمومی و اجباری

دین باید مطابق علم و عقل باشد .

دین باید سبب الفت و محبت باشد .

وحدت لسان و خط

تساوی حقوق رجال و نساء

تعدیل معیشت عمومی

ترک تعصبات

وحدت اساس ادیان

صلح عمومی و محکمه کبری بین المللی

عالم محتاج به نفثات روح القدس است .

مقدمه

اکنون که قریب ۳۰ سال از تعطیلی تشکیلات امری می گذرد و اطفال و نوجوانان قدیم اغلب از مرز میان سالی هم گذشته اند و به علت نبودن تشکیلات و شرکت در آنها از رمز و رموز نظم اداری که به فرموده معهد اعلی نمونه و الگویی برای جامعه آینده می باشد بی اطلاعند و از اهمیت و لزوم آن چندان مطلع نیستند تصمیم گرفتیم برای آگاهی بیشتر آنان مطالب مختلفه درباره این مهم را با استفاده از نصوص مبارکه و پیامهای معهد اعلی و مقالات مطلعین در مجموعه ای جمع آوری و تقدیم حضور احبای عزیز بنماییم . نامه تشویق آمیز و سراپا محبت سرور ارجمند دکتر ایرج ایمن که به من لطفی خاص دارند زینت بخش این مقدمه می نمایم که اگر تشویق و تأیید ایشان نبود هرگز جرات به انجام چنین عملی نداشتم . نظرات صائب صاحب نظران و مطلعین در تکمیل این کتاب و جبران کاستی ها بسیار موثر و مفید خواهد بود که قبلا از الطافشان سپاسگذارم .

با تشکر از خانم آرزو لطفی در تایپ این مطالب

حبیب الله حسامی

تابستان ۱۹۳۴-کرمان

محبوب مکرم ، پژوهشگر پر اثر خستگی ناپذیر
جناب حبیب الله حسامی دامت توفیقاته

نیت مبارک و مقصد ضروری و مفیدی را در نظر
گرفته اید . از آنچه مرقوم داشته اید چنین مستفاد
می شود که تالیفی که در نظر دارید نظم اداری بهائی
و موسسات آن است نه نظم بدیع حضرت بهاءالله .
همانطور که مسبوقید حضرت ولی امرالله در توفیقات
موسوم به نظم جهانی می فرمایند " دقائق و عظمت
این نظم بدیع حضرت بهاءالله را امروز احدی ادراک
نمی تواند و وسعت امکانات و تصرفاتش را کسی حتی
در این عصر مترقی عالم انسانی عارف نشود و
فوائد و نتایج آتیه اش را در نیابد و عظمت و جلالش
را تصور ننماید . آنچه را که امروز از آن نظم بدیع
دریافت توان کرد به منزله لمحہ بصری بر اولین
پرتو فجر موعود است که در میقات مقرر ظلمات
عالم انسانی را محو و زائل سازد و در زمان حاضر
آنچه از ما بر می آید آن است که به ذکر کلیاتی از
مبادی اساسی نظم بدیع حضرت بهاءالله مبادرت

ورزیم که مبین منصوص و مرکز میثاقش توضیح و تبیین فرموده است " بنابراین این نظم بدیع اشاره به تحقق تمدن روحانی نوینی است که نتیجه و اثر غائی امر الهی و شامل اجرای جمیع تعالیم و احکام نازله در آثار قلم اعلی است . آنچه در آثار مرکز میثاق و ولایت امر تبیین و تشریح شده تصویر کلی و اصول راهنمایی کننده نظم جهانی اداری امر بهائی است که موجودی ارگانیک و حیاتی و حال در مرحله جنین است و به تدریج اعضا و اجزا و شکل نهائی آن آشکار و متحقق می گردد . حتی می فرمایند این محافل روحانی و متفرعات آنها به این شکل باقی خواهند ماند و تحول و تکامل و تغییرات کلی خواهند یافت . بنا بر مرقومات حضرت ولی امرالله موسسات مشرق الاذکار و ضیافات نوزده روزه و مدارس تابستانه بهائی از متفرعات نظم اداری بهائی محسوب می شوند و هر یک به مرور زمان تحول و تکامل خواهند یافت . مثلاً می فرمایند مدارس تابستانه بهائی تبدیل به دانشگاه های بهائی خواهند شد . همچنین تاسیسات وابسته به موسسه مشرق الاذکار تنوع و

تعدد و تکامل تدریجی خواهند داشت . نحوه تشکیل و وظائف ضیافات نوزده روزه نیز تغییر خواهند یافت .

تالیفات مفیدی که در نظر گرفته اید در واقع بیان ساده و روشنی خواهد بود از آنچه در توقیعات حضرت ولی امرالله و پیامهای بیت العدل اعظم درباره نظم اداری بهائی ارائه شده است و در طول یک قرن موسسات جدیدی در آن ظاهر شده مانند گلها و میوه های درخت که در جریان رشد از درون درخت ظاهر می شوند نه آن که ما آنها را به درخت بیاویزیم. کتاب مستطاب اقدس و الواح وصایای حضرت عبدالبهاء و توقیع دور بهائی از آثار حضرت ولی امرالله سه منشوری محسوب می شوند که بانیان این نظم جهان آرا هستند . توفیق روز افزون در اقدامات مفیدی که به آن اشتغال داشته و دارید برایتان مسئلت دارم .

با ارادت و تحیت صمیمانه ایرج ایمن

پیشگفتار

بسیاری از متفکران امروز لزوم برقراری یک نظم جهانی و رهائی از قیود و مراسم پوسیده و اغلب دست و پاگیر مقررات کنونی را تصدیق می کنند و معتقدند که با گسترش روابط سیاسی و اجتماعی بین دول و کثرت وسائل ارتباط جمعی که دنیای به آن عظمت را به دهکده جهانی کوچکی تبدیل نموده دیگر نمی توان به تغییرات و یا سلطه جویی ابر قدرتها به بهانه عدم مداخله در امور داخلی ممالک ساکت ماند باید مدیریتی جهانی تحت سازمانی مقتدر با اختیارات وسیع که مورد قبول همه دولتها باشد بر جهان حکمفرما شود. از جمله گیلان راجمن (Rachman) نویسنده تایمز مالی سخن از حرکت به سوی یک اتحاد سراسری در کره زمین می راند و می گوید مدیریت یا حکومت بین المللی پیشنهادی او یک دولت واحد سازمان متکی بر قانون خواهد بود که اتحاد بین ممالک اروپا و یکی شدن واحد پول به نام یورو و یا برداشتن ویزا را طلیعه ظهور آن می داند.

قبل از راجمن پیردوبوای فرانسوی و ژرژ دوپودی
براد پادشاه بوهم و یک کشیش فرانسوی به نام
امریک کروچه و جرمی بنتام و کانت دو فیلسوف
مشهور نیز هر کدام طرحهایی برای ایجاد حکومتی
واحد و نظمی جدید ارائه دادند .

ژان ژاک روسو و ویکتور هوگو نویسندگان معروف
هم در کتب خود از لزوم تغییرات بنیادی در روابط
بین المللی مطالبی نگاشتند و مجامع و سازمانهایی هم
به وجود آمد از جمله مجمع بین المللی صلح خواهان
سال ۱۸۴۳ میلادی و کنفرانسی در بروکسل سال
۱۸۴۸ تحت ریاست ویکتور هوگوی معروف که معتقد
بود روزی رای عمومی ملتها و ایجاد یک حاکمیت
می تواند جای اسلحه و تانک و توپ را بگیرد .

تشکیل مجمع اتفاق ملل که بعدها همین سازمان
ملل متحد کنونی گردید و دیوان بین المللی داوری
لااه تاسیس گردید که لوح معروف لاهه صادره از
یراعه مبارک حضرت عبدالبهاء خطاب به آن است و
تشکیل دیوان دائمی عدالت بین المللی سال ۱۹۲۰ و
تشکیل کنگره وین که منجر به تشکیل مجمع اتفاق

ملل بعد از جنگ جهانی اول گردید اما چون این طرحها جنبه بشری داشت و فاقد نفوذ و ضمانت اجرایی بود چندان جدی گرفته نشد و دوامی نیافت .

اما نظم جهان آرای حضرت بهاءالله که بنیادش الهی است و کافل سعادت بشری است پابرجا و نافذ بوده و چون رایحه دل آویز عطرها و یا شعاع درخشان انوار نمی توان از گسترش آن جلوگیری نمود و جایگزین نظام پوسیده کهن خواهد گردید بیت العدل اعظم الهی در پیام منیع رضوان ۱۹۹۰ می فرمایند : این بسی واضح است که کسانی که زبان به نکوهش و ذکر عیوب نظم قدیم می گشایند و حتی حاضرند که نظم کهن را منسوخ و معدوم سازند خود از ارائه نظم و ترتیبی که بتواند جایگزین نظم قدیم شود عاجز و قاصرند .

از آنجا که مقدر است نظم اداری بهائی نمونه و الگویی برای جامعه آینده باشد قابل رویت شدن این نمونه و الگو سبب امیدواری و دلگرمی افراد مایوس و نا امید خواهد گردید .

دامنه وسیع نظم اداری شرح جزئیات و رموز آن

اقتضا می کند برای اینکه حق مطالب ادا شود این مطالب در چند جلد تنظیم و تدوین گردد

جلد اول این سلسله مطالب به کلیات نظم بدیع ، تعریف و اهمیت آن و تفاوت آن با نظم اداری و توضیح درباره اصطلاحات کور و دور و عصر و عهد و شرح مختصر هر یک از آن و مراحل هفتگانه مجهولیت و مظلومیت و انفصال و استقلال و رسمیت و حکومت بهائی و سلطنت الهیه و سیر تکاملی مراحل دهگانه آن و معرفی مختصری از عصر ذهبی اختصاص یافته است

جلد دوم این کتاب به معرفی موسسه ولایت و تشکیلات زیر بنای آن از قبیل موسسه ایادی و شرح و معرفی وظایف حضرات ایادی و همچنین هیات مشاورین که جانشین آن موسسه گردید و هیات معاونت و مساعدین می پردازد .

جلد سوم مربوط به رکن مهم دیگر این نظم بیت العدل اعظم و اهمیت آن و نظامنامه و مطالب گوناگون از متون کتب امری درباره آن است و

مؤسسات زیر بنای آن از جمله هیات مشاورین ،
محافل روحانی ملی و محلی و نحوه کار و برنامه
آنان اختصاص دارد . جلد چهارم این مجموعه به
متفرعات نظم بدیع که عبارت از مدارس تابستانه و
مشارق الاذکار و ضیافت نوزده روزه است
اختصاص می یابد .

تاسیسیس را طلعت میثاق (حضرت عبدالبها) در
کتاب وصایا تبیین و تشریح فرموده است
تعریف نظم بدیع

نظم بدیع عبارت از سلسله قوانین و مقرراتی است که
خداوند متعال به حکمت بالغه اش توسط مظهر
ظهورش برای رفاه و راحتی بندگانش به عالم بشریت
هدیه نموده است. نظم بدیع را بواسطه وسعت عظمتش
و پر باری نتایجش و ابتکاری بودن طرحش نمی توان
در چند کلمه یا جمله معنی نمود همین قدر باید دانست
که نظم بدیع شالوده و زیر بنای حکومت جهانی بهائی
در مستقبل ایام است.

و به عبارت دیگر بشارتش را حضرت رب اعلی سالها
قبل از ظهور من یظهره الله داده و در باب سوم از
کتاب بیان فارسی می فرمایند: طوبی لمن ینظر الی
نظم بهالله و یشکر ربه یعنی خوشا بحال کسیکه نظم
بهالله را ببیند و خدای خود را شکر کند. و حضرت
بهالله در کتاب اقدس فرموده اند: قد اضطرب النظم
من هذا النظم الاعظم و اختلف الترتیب هذا البدیع الذی

ما شهدت عين الابداع شبهه که ترجمه ان چنین است :
بدرستی که کلمه نظم از این نظم بزرگ به اضطراب
آمد و در هم ریخت و ترتیب بواسطه این امر بدیع از
هم پاشید نظمی که تاکنون هیچ چشمی نظیر ان را
ندیده است با توجه به بیانات متعالیه فوق نظم بدیع
همان مدنیت الهیه ایست که باید بواسطه اجرای تعالیم
مبارکه و ازدیاد مومنین به امر مبارک در بسیط غربا
یعنی کره ارض مستقر گردد و جهان جهان دیگر شود.
صلح عمومی ایجاد گردد وحدت عالم انسانی تحقق یابد
زبان و خط واحد برای تسهیل ارتباط بیشتر بین بنی
نوع بشر ایجاد شود و مدینه فاضله وعده داده شده
تحقق یافته و عصر ذهبی حلول یابد.

بفرموده حضرت ولی امرالله این نظم که حضرت رب
اعلی به آن بشارت داده و حضرت بهالله اصول و
احکامش را نازل فرموده اند و بوسیله حضرت
عبدالباها نقشه و طرق اجرای ان ترسیم گشته نظمی
است که بالمآل به صلح اعظم و مدینه فاضله ای که
منتها آرزوی امم است منتهی می گردد. این نظم بدیع
که شبیه و نظیرش در هیچکدام از شرایع قبل از آدم

تا خاتم دیده نشده از اصول و مقررات دست و پاگیر
و جنجال برانگیز احزاب سیاسی و گروه ها و جمعیت
های حامی دموکراسی بر کنار است و در ضمن از
مزایای بعضی از آن احزاب برخوردار گردیده است.
این نظم بدیع که با تولدش تحولی عظیم در جامعه دینی
و مدنی دنیا ایجاد نموده و باعث شده که احزاب و دول
با آن سر ناسازگاری در پیش گیرند و به مبارزه با آن
برخیزند از جهت دیگر مبشر مدنیت پیشرفته ای است
که در خور جامعه انسانی است زیرا اساسش الهی
است و چون تائیدات قدسیه الهیه پشتیبان و نگهبان آن
است هیچ قدرتی هر چند قوی باشد نمی تواند از
پیشرفت آن جلوگیری نماید که نمونه آن را در تاریخ
دیده ایم که خلافت عثمانی با آن قدرت و دوران
سلطنت استبدادی قاجاری با آن همه کشت و کشتار
نتوانست ضربه ای به این نظم بدیع جهان آرای الهی
وارد آورد

حضرت ولی امرالله در معرفی و اهمیت آن می فرمایند:

این نظم بدیع که شبیه آن را چشم عالم ندیده و در هیچ یک از ادوار سابقه و ادیان عتیقه مثیل و نظیر نداشته بشارت آنرا حضرت اعلی فرمود. اصول و احکامش را جمال اقدس ابهی نازل کرده و ...

حضرت ولی امرالله با کمال خضوع و خشوع از نقش اساسی هیکل اقدسش در اجرا و گسترش این نظم عظیم صرف نظر فرموده و احبای الهی و تشکیلات امری را در ایجاد ستونهای این طرح بزرگ الهی سهیم و موثر دانسته و محافل روحانی را اس اساس نظم بدیع خطاب می فرمایند.

در توقیع ۱۰۵ بدیع نیز به اهمیت نظم بدیع اشاره فرموده و جزئیات آنرا تشریح می فرمایند و چون در این مسئله بعلت ابتکاری بودن و عظمت آن آسان نبوده و برای همگان امکان نداشت. دانشمند فقید ارجمند جناب اشراق خاوری اعلی الله مقامه قاموسی براین توقیع مبارک منیع تالیف نموده و بنام اسرار ربانی یا قاموس توقیع ۱۰۵ در دو جلد توسط محفل مقدس

روحانی ملی به سال ۱۱۸ بدیع طبع و نشر گردید و هم زمان با صدور توقیع مزبور حضرت ایادی امرالله جناب علی اکبر فروتن مامور تشکیل کلاسهای برای توضیح و تبیین شدند. بعد از کتاب مستطاب اقدس در دو اثر مهم دیگر به اهمیت نحوه اجرای نظم بدیع اشاره شده. یکی کتاب عهدی که لوحی مفصل و در حقیقت وصیت نامه حضرت بهالله است و دیگری الواح وصایای حضرت عبدالبها که در آن راه و روش تحقق نظم بدیع جهان ارای الهی را مطرح و با الواح فرامین تبلیغی به احبای غرب ان را تکمیل فرمودند.

در توقیع نوروز ۱۱۰ بدیع حضرت ولی امرالله حضرت عبدالبها را مهندس نظم بدیع مینامند.

بطور کلی باید دانست که نظم بدیع تاکنون در هیچ یک از نظاماتی که به وجود آمده چه دینی و چه سیاسی و چه اجتماعی سابقه نداشته و ضمن اینکه ممکن است از محسنات و صفات خوب نظم های دیگر برخوردار باشد از عیوب فطریه و نواقص زائیده از افکار بشریه مبرا است.

حضرت ولی امرالله مجددا در توقیع ۲۸ نوامبر

۱۹۳۱ در اهمیت نظم بدیع می فرمایند: نظم بدیع اساسش آسمانی و وسعتش جهانگیر اصولش لایزال و امرش مهمین بر کل است و نجات فقط و فقط در قبول و تبعیت از این نقشه کامله الهیه است... و بعلت عظمت آن و بدیع و ابتکاری بودنش شناخت واقعی اهمیتش بر همگان مجهول و کسی حتی پیروان ثابت قدمش به درک ظرائف و لطائف آن پی نبرده و نمیبرند.

در آثار و الواح الهیه بالاخص توابع حضرت ولی عزیز امرالله اصطلاح نظم بدیع به معنا و مفهوم خاصی دلالت داشته و به کار رفته است. منظور از نظم بدیع مجموعه ای از احکام و مبادی روحانی و اداری است که در کتاب مستطاب اقدس و سایر آثار جمال اقدس ابهی شرف صدور یافته و همچنین تبیینات صادره در خطابات مبارکه و الواح وصایای حضرت عبدالبهاء را نیز به عنوان مکمل و متمم آثار جمال قدم باید در همین زمره محسوب نمود .

حضرت ولی امرالله در این خصوص می فرمایند:
" ... این نظم بدیع که در هویت این دور الهی مندمج

و حقیقت فائضه امر اعز ابهی باحسنها و اکملها در آن تجلی نموده و به مرور ایام کاملا در تاسیسات بدیعه اش مصور و مشخص خواهد گشت وصیت بزرگواریش ولوله در بین عموم دول و ملل و نحل و امم و قبائل ارض خواهد انداخت و قواعد و ارکانش در کل اقطار مرتفع خواهد شد و جهان و جهانیان را احاطه خواهد نمود ، ولید میثاق جمال قدم و اسم اعظم است زیرا از اقتران معنوی بین قوه فاعله فائضه دافعه شریعت الله که از شارع قدیر مندفع و مندفع گشته و لطیفه میثاق که در حقیقت مرکز عهد الله و مبین آیات الله مستور و مخزون و مندمج بوده ظاهر گشته و به وجود آمده ، تار و پود این نظم الهی احکام مقدسه متعالیه مصرحه در کتاب اقدس که از مخزن قلم اعلی صادر و مبادی سامیه روحانی و اداری که در الواح و خطابه‌های مرکز عهد و میثاق و مبین آیات نیر آفاق و کتاب وصایاتش مدون و مسطور ..."

نظم بدیع و دور نمای انجمن عالم انسانی (استقرار
یک حکومت عالیه جهانی ،تشکیل یک هیئت تنفیذیه
جهانی مستظهر به نیروی بین المللی ، تشکیل محکمه
کبرای بین المللی ، تدوین مجموعه واحد از قوانین
بین المللی ، یک مرکز بین المللی به منزله مقر
ارتباطات مدنیت جهانی عمل خواهد کرد ، تعبیه
مکانیسمی برای ارتباطات جهانی ، حل رفع مشاگل و
موانع اقتصادی ، تبدیل تعصبات نژادی به حسن تفاهم
بین نژادها ، تسکین مجادلات مذهبی برای ابد ، ابداع
و یا انتخاب یک لسان بین المللی ، رسم الخطی
جهانی ، تعیین اوزان و مقادیر بین المللی ، ترفیع
سطح صحت عمومی و افزایش طول عمر آدمی و
(...

نظم بدیع الهی بر دو پایه بسیار مهم برپا شده ۱- مبادی ۲- احکام .

احکام سلسله اوامر و احکامی است که از طرف شارع دیانت بهائی حضرت بهاءالله نازل شده و اطاعت و اجرای آن از وظایف حتمیه هر فرد بهائی است و از واجبات دین محسوب است مانند نماز - روزه-حقوق الله - رعایت نظافت و پرهیزگاری - عفت و عصمت دوری از منهیات مانند شرب مسکرات ، زنا -دورغ و غیبت و هزاران حکم دیگر که در کتاب مقدس اقدس کتاب آسمانی اهل بهاء نازل شده و در کتب مطبوعه امری مانند گنجینه حدود و احکام و امر و خلق و حیات بهائی و اخلاق بهائی و غیره شرح و نقل شده است . مبادی اصول و قوانینی است که اصول تشکیلات بهائی و نحوه اجرای آن را شرح و تفسیر و توضیح می دهد و خود بر دو قسم تقسیم گردیده .

۱- مبادی روحانی ۲- مبادی اداری

۱- مبادی روحانی موضوعاتی است که به اعتقادات و اخلاقیات تعلق داشته اصول روحانی دیانت بهائی را معین می نماید از قبیل عرفان به مظاهر مقدسه اعتقاد به دنیای بعد و مجازات و مکافات تخلق به اخلاق و صفات روحانی که مهمترین آنها به نام تعالیم ۱۲ گانه معروف و مشهور است که عبارتند از:

۱- تخری حقیقت ۲- تعلیم و تربیت اجباری و عمومی
۳- وحدت لسان و خط ۴- تعدیل معیشت و حل مسئله
اقتصاد ۵- تساوی حقوق رجال و نساء ۶- دین باید
سبب الفت و محبت باشد ۷- دین باید با علم و عقل
تطابق داشته باشد ۸- عالم انسانی محتاج به نفثات
روح القدس است ۹- محکمه کبری بین المللی و صلح
عمومی ۱۰- ترک تعصبات ۱۱- اساس ادیان الهی یکی
است ۱۲- وحدت عالم انسانی

این تعالیم ۱۲ گانه و شرح و بسط آن به صورت
جزوات مستقل درباره هر موضوعی طبع و نشر
گردیده و مجموعه آنها در کتابی به نام پیام ملکوت از

تالیفات فاضل ارجمند فقید جناب اشراق خاوری توسط
لجنه نشر آثار طبع و نشر گردیده است همچنین
جزوه ای به نام میادی روحانی از تالیفات ناشر
نفحات الله جناب احمد یزدانی و دو کتاب به نام های
حیات بهائی از تالیفات سرهنگ عنایت الله سهراب و
کتاب اخلاق بهائی تألیف محمد علی فیضی منتشر
گشته و موجود است .

چه کسی بهتر از شخصیتی عالی قدر چون جناب
علی نجوانی عضو سابق بیت العدل اعظم می تواند
اهمیت و رموز نظم بدیع را تشریح نمایند شخصیتهایی
که هم محضر مبارک حضرت ولی امرالله را درک
نموده و هم سالهای متمادی عضو بیت العدل اعظم
بوده اند . در ابتدا می خواستم رئوس فرمایشات ایشان
را نقل نمایم ولی ملاحظه شد که شیرینی کلامش آن
طور که شایسته مقامش می باشد ممکن است در مذاق
خوانندگان مشتاقش کم اثر باشد . لذا سخنرانی کامل
ایشان را که در تاریخ ۳۰ می ۲۰۰۳ در جمع احبای
مقیم ارض اقدس بیان فرموده اند و در مجله نفیس پیام

بهای شماره ۲۸۷ صفحه ۱۲ مندرج است عینا نقل می نمایم .

سخنرانی جناب علی نخجوانی تحت عنوان سخنی درباره نظم اعظم الهی در جمع احبای مقیم ارض اقدس

همان طور که دوستان عزیز به خوبی می دانند عنوان بحث ما امشب ماخوذ از آیه کتاب مستطاب اقدس است که آغاز آن از این قرار است : " قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم " که البته مشروحا در عرایض خود این موضوع را در حدود فهم محدود خودم توضیح خواهم داد . در ضمن این توضیحات ملاحظه خواهند فرمود که عبارات " تشکیلات " ، " نظم اداری " ، " نظم بدیع " ، " نظم اعظم " همه در وصف یک حقیقت و یک کیفیت است منتهی چون این وجود دوره نوزادی و طفولیت و نوجوانی و بلوغ و کمال دارد اسامی مختلف بر او اطلاق می شود . چون یکی از القاب نظم بدیع الهی " ولید میثاق " است به نظر حقیر لازم است در بدایت این بحث گفتگوی مختصری درباره عهد و میثاق

الهی داشته باشیم . در لوح عهدی یعنی کتاب وصیت مبارک حضرت بهاءالله در همان جمله و آیه اول ذکر " میراث مرغوب لاعدل له " آمده ، بیان مبارک از این قرار است : " اگر افق اعلی از زخرف دنیا خالی است ولکن در خزائن توکل و تفویض از برای وراث میراث مرغوب لا عدل له گذاشتیم . گنج نگذاشتیم و بررنج نیفزودیم " حضرت ولی امرالله در کتاب God passes By توضیح می دهند که مقصود مبارک حضرت بهاءالله از این " میراث " که ما اهل بهاء وراث آن هستیم عهد و میثاق اصغر مبارک است ، یعنی بر حسب عبارت کتاب عهدی زخرف دنیا و گنج پر رنج برای وراث نگذاشتند ولی به جای آن میراث مرغوب عهد و میثاق الهی را به ما عنایت فرمودند . به علاوه در همین کتاب عهدی به " قوت عظیمه و قدرت کامله " اشاره می فرمایند . در یکی از توقیعات مبارکه خودشان حضرت ولی امرالله شرح داده اند که مقصود از این " قوت " قدرت اتحاد است که نتیجه و ثمره عهد و میثاق الهی است . نص بیان

مبارک در کتاب عهدی چنین است : " در وجود قوت
 عظیمه و قدرت کامله مکنون و مستور. به او و جهت
 اتحاد او ناظر باشید نه به اختلافات ظاهره از او "

ملاحظه بفرمایید که عهد و میثاق الهی به نص صریح
 هم سبب اتحاد است و هم مولد اختلاف ولی این
 اختلاف بر حسب وعده صریح نصوص قاطعه الهیه
 موقتی است و برای امتحان عباد است و هرگز منجر
 به انشقاق و دو دستگی نخواهد شد زیرا قوه میثاق
 رافع و دافع اختلافات خواهد شد . همان طور که به
 خوبی می دانند حضرت عبدالبهاء فرموده اند که عهد
 و میثاق الهی یکی از امتیازات این ظهور اعظم است
 . شمه ای از بیانات حضرت عبدالبهاء در این باره
 چنین : " از اول ابداع تا یومنا هذا در ظهور مظاهر
 مقدسه چنین عهد محکم متینی گرفته نشده " " محور
 وحدت عالم انسانی قوه میثاق است و بس "

" سراج میثاق نور آفاق است " " قوه میثاق مانند
 حرارت آفتاب است که جمیع کائنات ارضیه را تربیت
 نماید و نشو و نما بخشد " " عهد و میثاق " مغناطیس
 تائید " است "

حضرت ولی امرالله در یکی از توفیعات انگلیسی خود که حسب الامر مبارک تحریر شده شرح داده اند که آثار مبارکه بر این حقیقت دلالت دارد که دو نوع عهد و میثاق منظور و مقرر شده . عهد و میثاق اول عهد و پیمان اکبر محسوب و مربوط به ظهور مقدسه الهیه در طی ادوار مختلفه است . عهد و میثاق ثانی عهد و میثاق اصغر است و مقصود از آن تعیین مقام جانشینی پس از صعود مظهر مقدس الهی است . حضرت ولی امرالله توضیح دادند که عهد و میثاقی که حضرت بهاءالله با پیروان خود گذاشتند تا پس از صعودشان از حضرت عبدالبهاء پیروی نمایند از نوع ثانی بود . در این توفیق مبارک به صراحت می فرمایند : " عهد و میثاق حضرت عبدالبهاء از همین نوع ثانی بود که طبق آن از یاران عهد گرفتند تا تشکیلات و نظامی که بعد از صعودشان به وجود آمد بپذیرند و قبول نمایند . " توفیق مبارک مورخ ۲۱ اکتبر ۱۹۳۲ میلادی است . در نسخه مطبوعه اشتباها ۱۹۲۱ آمده است . دو عبارت " میثاق اکبر " و میثاق

اصغر " Lesser Covenant Greater Covenant
در (صفحه ۲۷ متن انگلیسی) God Passes By
آمده است . در ترجمه فارسی این اثر به جای این
عبارات " میثاق کلی الهی " و " عهد و پیمان اخص "
آمده است . بیان مبارک به فارسی درباره مرجعیت و
مرکزیت نظم اداری بهائی و کیفیت حلول قوه قدس
الهی در موسسات آن چنین است : " قوه قدسیه که در
مدینه طیبه شیراز نقطه بیان در سنه ستین به آن
بشارت داده و در سنه تسع در ارض مقدسه در زندان
طهران متولد گشته و تصرفات اولیه اش در مدینه الله
نمودارگشته و در ارض سر در سنه ثمانین به منتهی
درجه قدرت در حقائق کائنات سریان و نفوذ نموده و
در ایام قیادت مرکز میثاق از سجن اعظم به جهان
فرنگ سرایت کرده و اقالیم غربیه را به حرکت
آورده ، پس از افول کوکب میثاق این قوه ساریه دافعه
نافذ در مشروعات و موسسات بهیه پیروان امر
خداوند یگانه حلول نمود و مجسم و مشخص و مصور
گشت . در کتاب بیان که در سجن آذربایجان در بدو

نشاه امر حضرت رحمن نازل این بشارت عظمی از
 قلم مبشر جمال کیریا صادر قوله الاحلی : " طوی
 لمن ينظر الى نظم بهاء الله و يشكر ربه فانه يظهر و لا
 مرد من عند الله فى البيان الى ان يرفع الله ما يشاء و
 ينزل ما يريد انه قوى قدیر" سپس در کتاب اقدس
 شارع قدیر به این نظم بدیع خود اشاره فرموده قوله
 عز بهائه : " قد اضطرب النظم من هذا النظم الاعظم
 و اختلف الترتيب بهذا البديع الذى ما شهدت عين
 الابداع شبهه. اغتمسوا فى بحر بيانى لعل تطلعون بما
 فيه من لآلى الحكمة و الاسرار" و نیز می فرمایند :"
 این نظم بدیع که در هویت این دور الهی مندمج و
 حقیقت فائضه امر اعز ابهی باحسنها و اکملها در آن
 تجلی نموده ... ولید میثاق جمال قدم و اسم اعظم است
 زیرا از اقتران معنوی بین قوه فاعله فائضه دافعه
 شریعت الله که از شارع قدیر مندفع و مندقق گشته و
 لطیفه میثاق که در حقیقت مرکز عهد الله و مبین آیات
 الله مستور و مخزون و مندمج بوده ظاهر گشته و به
 وجود آمده . تارو بود این نظم الهی احکام مقدسه
 متعالیه مصرحه در کتاب اقدس که از مخزن قلم اعلی

صادر و مبادی سامیه روحانی و اداری که در الواح و خطاب های مرکز عهد و میثاق و مبین آیات نیر آفاق و کتاب وصایایش مدون و مسطور ... رفته رفته قوه قدسیه ساریه جاریه دافع الهیه ... در این عصر نورانی در موسسات نظم بدیع الهی حلول نمود و تجسم یافت و در قنوات و مجاری معینه منصوصه از قلم اعلی و کلک مبین آیات جمال ابهی جاری و ساری گشت. " به طوری که همه می دانیم این نظم اداری دو رکن اساسی دارد : رکن ولایت عظمی و رکن بیت العدل اعظم که این دو را حضرت ولی امرالله دو وصی (Successors) حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء نامیده و توصیف فرموده اند . پس از صعود حضرت عبدالبهاء کمتر کسی در عالم بهائی تصور می کرد که تحولات عمده ای در امور امری رخ خواهد داد . همین قدر نظر اکثریت و شاید همه یاران چه در شرق و چه در غرب چنین بود که حال غصن اکبر به " حطب اکبر " مبدل شده مقتضیات امر مبارک مستلزم آن است که قیادت و

ریاست جامعه در کف کفایت غصنی جوان قرار گیرد که بتواند بهائیان را هدایت کند و امر مبارک را از حملات ناقضین حفاظت کند و دامنه آئین الهی را توسعه دهد تا میقات تشکیل بیت العدل اعظم فرا رسد هر چند این عقاید غلط نبود ولی در مقابل دید حضرت ولی امرالله ناقض بود یعنی قطره بود در مقابل دریا و ذره ای بود در مقابل آفتاب . حتی بعد از زمان کوتاهی بعضی از ارکان امر مبارک مانند احمد سهراب در غرب و آواره در شرق بر علیه طرز اداره امرالله به دست حضرت ولی امرالله مخالفت ورزیدند و خلاصه استدلالشان این بود که سازماندهی طبق دستورات حضرت ولی عزیز امرالله بدعت است زیرا اصول تعالیم حضرت عبدالبهاء صرفا محبت و الفت بین نژادها و ادیان و طبقات و ملل بود و این نیز جوهر الجواهر تعالیم حضرت بهاءالله بود . اما حضرت ولی امرالله با کمال صبر و حوصله به اهل بها تفهیم فرمودند که الواح وصایا حکم متعدده دارد ، معانی کلیه مکنونه دارد ، رموز و حقائق ملکوتیه دارد که درک آنها برای نسل حاضر غیر ممکن است

وقت لازم دارد تا این رموز و حقایق به تدریج ظاهر شود . حضرت عبدالبهاء تا حدی که حکمت اقتضای کرد کیفیت تحولی را که در پیش بود برای احبا تذکر می دادند . مثلاً می فرمودند که دوره ایشان زمان فضل است ولی بعد از ایشان زمان عدل خواهد بود . همچنین می فرمودند : " امروز ظلمات عالم طبیعت آفاق را احاطه نموده ، جز به تعالیم آسمانی حضرت بهاءالله بشر از این ظلمات نجات نیابد و نورانی نگردد ... حال را ملاحظه منما . بعد جمیع امور منتظم می گردد . حضرت مسیح می فرماید ایام عروسی است . در ایام عروسی بی انتظامی است ولی بعد انتظام خواهد یافت " حضرت ولی امرالله در آثار انگلیسی مبارکشان الواح وصایای حضرت عبدالبهاء را به نام منشور تاسیس نظم بدیع الهی ملقب فرمودند . ولی همان طور که قبلاً عرض شد یاران چه در شرق و چه در غرب این الواح وصایا را صرفاً سندی می دانستند که طبق آن جانشین حضرت عبدالبهاء معین شده است . به حدی که عبارت " نظم بهاءالله را در کتاب بیان و نظم اعظم بدیع الهی را که

در کتاب اقدس نازل شده به سبک و شیوه و ترتیب نزول آیات و نظم ملکوتی مندرجات کتاب مستطاب اقدس تفسیر و تعبیر می کردند . متأسفانه در بعضی از کتب معروف امری این اشتباه هنوز تصحیح نشده مثلا در کتاب اسرار الآثار این اشتباه موجود است . در سال ۱۹۵۷ که در حضور مبارک حضرت ولی امرالله مشرف بودم چون درباره نظم بدیع بیاناتی می فرمودند این عبد برای تسریر خاطر مبارک عرض کردم که سابقا در طهران فضلالی احبا در کلاس های معارف امری آیه کتاب مستطاب اقدس درباره نظم اعظم را این طور تعبیر می کردند که می گفتند بیان مبارک اشاره به سبک کتاب مستطاب اقدس است که به خلاف قرآن مندرجاتش به سوره های مختلف تقسیم نشده و نظم بدیعی در آن رعایت شده است و بعد عرض کردم که اگر هیکل مبارک این آیات را تبیین فرموده بودند ما احبا هرگز به معانی و حقایق این آیات پی نمی بردیم . هیکل مبارک تبسمی نموده و فرمودند : " نیکلا (Nicolas) (منظور از نیکلا ، مسیو نیکلا منشی اول سفارت فرانسه در ایران است که کتاب

مذاهب ملل متمدنه را در رابط با دیانت بایی نوشت این کتاب به سال ۱۳۲۲ شمسی تنسط شخصی به نام علی محمد فره وشی ترجمه و در اصفهان طبع و نشر گردید . این شخص ۲۷ مارس ۱۸۶۴ متولد و به سال ۱۹۲۹ در سن ۷۵ سالگی درگذشت . کتابش در ۵ جلد به زبان فرانسه منتشر گردید و مترجم بعضی از آثار باییه بود) فهمید و احبا نفهمیدند " منظور مبارک عبارت " نظم بهاءالله " در کتاب بیان فارسی بود که نیکلا در ترجمه فرانسوی آن کلمه " نظم" را به طرز صحیحی که مفهوم نظام اجتماعی را می رساند ترجمه کرده است .

حضرت ولی امرالله در توفیق مبارک قرن خطاب به احبای شرق توضیح دادند که بر وجه نظم بدیع الهی نقابی قرار داشت و در پی حکم محکمه در مصر در سال ۱۹۲۵ که آئین الهی را دینی مستقل توصیف کرد این نقاب از رخ نظم بدیع الهی برداشته شد . بیان هیکل مبارک چنین است : " دشمنان دیرینش از اهل سنت و جماعت در اقلیم مصر به حکم روسای شرع حجاب ستر را به دست خویش بدریدند ... و به انفصال و اصالت و استقلال. شرع مبین خود بنفسه

شهادت دادند و حکم صارم قاطع صادر نمودند .
متعاقب این قضیه نظم بدیع جهان آرایش نقاب از رخ
برانداخت و دعائم قصر مشیدش به ید حامیان دلیرش
در نهایت استحکام بر حسب وصایای محکمه متقنه
مرکز عهد اقومش مرتفع و منصوب گردید.(توقیعات
مبارکه ، صفحات ۹۵-۹۶)

در آثار فارسی حضرت ولی امرالله در اوائل دوره
ولایتشان به جای عبارت نظم بدیع الهی کلمه "
تشکیلات بهائی" و "یا" نظم شریعت الله" به کار رفته
است . اولین دفعه ای که ترجمه آیه کتاب مستطاب
اقدس از قلم مبارک صادر شد در سال ۱۹۳۴ بود
یعنی سال صدور رساله The Dispensation of
Baha u Ilah چون نظم بدیع الهی نوزاد بود در
توصیف این بنیان الهی القاب مختلفه ای را در
انگلیسی استعمال فرمودند . اول Baha I
Administrative و بعد Administration و یا
Embryonic World Order که مآلاً به
World Order تبدیل خواهد شد . ما در وقت

حاضر در مرحله دوم هستیم . در الواح جمال اقدس ابهی کلمه " نظم " و " نظم عالم " به کرات ذکر شده مثلا " خیمه نظم عالم به دو ستون قائم و برپا ، مجازات و مکافات " همچنین : " ... هذا النظم الذى به انتظم العالم بعد الذى كان فى تشتت و انقلاب عظیم " حضرت ولی امرالله در آثار خود توضیح دادند که تشکیلات کنونی بهائی که در آثار انگلیسی مبارک به نظم اداری تسمیه شده شالوده نظم اعظم جهان آرای الهی است که اساس مدنیت آتیه بهائی را به وجود خواهد آورد . این مطالب به این تفصیل در آثار فارسی حضرت ولی امرالله نیامده . از جمله نظم اعظم الهی در جمیع مراحلش به " نظم بدیع جهان آرای الهی " توصیف شده است . در توفیق DISPENSATION می فرمایند : نظم اداری هسته مرکزی و الگوی نظم اعظم است یعنی ردای سلطنتی نظم اعظم آینده بر طبق الگوی این نظم متواضع کنونی بهائی دوخته خواهد شد . هر چند اصول نظم اعظم و بدیع الهی با اصول حکومت عرفی جهان ابد

قابل مقایسه نبوده و نیست ولی حضرت ولی امرالله در این باره بحثی مطرح فرموده اند تا امتیاز نظم بدیع جهان آرای الهی را در مقایسه با این حکومت ناسوتی ثابت و مبرهن سازند . یعنی همان طور که مظهر ظهور امر مبارک بدیع است تعالیمش نیز بدیع است ، حدایقش بدیع است ، هندسه اش بدیع است ، نظمش نیز بدیع است . در اثبات منحصر به فرد بودن و بدیع بودن این نظم اعظم مفاد بیانات مبارک را که در دو اثر مهم خود *God Passes Bay* و *Dispensation* درج فرموده اند به طور خلاصه حضور شما عرض می کنم هیکل مبارک اشاره فرمودند که ارسطو در آثار خود سه نوع حکومت را ذکر کرده است. این سه حکومت از این قرار هستند :

اول - نظام تک سالاری (Autocracy) یعنی حکومت مطلقه به وسیله شخص واحد .

دوم- نظام اشرافی (Artistocracy) یعنی حکومت به وسیله عده ای معدود از زعمای قوم با اختیارات مختصه .

سوم-نظام مردم سالاری

یعنی حکومت مردم بر مردم برای مردم .

یعنی در نوع اول حکومت ، اختیارات در دست یک نفر است . در نوع ثانی ، اختیارات در دست چند نفر است و در نوع ثالث ، اختیارات در دست عامه ملت است . سپس می فرمایند که هر یک از این حکومت ها حاوی عناصری سودمند هستند ولی در عین حال متاسفانه عناصری ناسالم نیز دارند . امتیاز خاص نظم بدیع الهی در این است که این نظم اعظم عناصر سلیمه را از عناصر غیر سلیمه جدا کرده و این عناصر مستخرجه سلیمه را با یکدیگر التیام تام داده و با اصول و مبادی الهیه مختصه خود در هم آمیخته و همه را به صورت یک نظام و سیستم واحد و منسجمی درآورده است . ۸۲ سال از صعود هیکل مبارک حضرت عبدالبهاء گذشته . اگر نیم قرن اول این عصر تکوین را مورد مطالعه قرار دهیم می بینیم که در این مدت ۵۰ سال هر سه کیفیت مورد بحث ارسطو در حالات نظم اداری ظاهر شده است . دوره

ولایت عظمی نمونه حکومت سطوت فردی (Autocracy) بود . دوره فترت پس از صعود حضرت ولی امرالله که دوره تصدی و زعامت حضرات ایادی امرالله و منجر به طرد ریمی و پیروان او شد نمونه ای از حکومت اشرافی (Artistocracy) بود .

دوره پس از سال ۱۹۶۳ که دوره مرکزیت و مرجعیت هیات انتخابی یعنی بیت العدل اعظم بود که نمونه عنصر دموکراسی و مردمی (Democracy) نظم اداری بهائی است . هر چند این مراحل تاریخی عصر تکوین قابل توجه است ولی بیان مبارک در کتاب Dispensation درباره حکومت سه گانه مذکور در آثار ارسطو دال بر این حقیقت است که عناصر سلیمه صحیحه این سه نوع حکومت در اساس و هیکل نظم بدیع الهی به طور دائم تشکل و تجسم یافته و با اصول ذاتی و روحانی و ملکوتی آن نظم که از خصائص این ظهور اعظم است به طرز انفکاک ناپذیری سرشته و ممزوج شده است . همان

طور که قبلا عرض کردم حضرت ولی امرالله ذکر و شرح این عناصر سلیمه صحیحه حکومت سابق را در دو کتاب خود یکی Dispensation که به زائرین می فرمودند به منزله وصیت من است و دیگری God Passes By به کمال صراحت بیان فرموده اند همچنین برای زائرین غربی که با این مسائل آشنایی بیشتر داشتند مطالب لازمه را توضیح می دادند که خلاصه آن از این قرار است : عنصر سلیم حکومت Autocracy یعنی حصر قدرت مطلقه در شخص واحد نمونه اش در نظم بدیع الهی یک جلوه مقدس و مبارکی دارد و آن در قاطعیت و تغییر ناپذیری نصوص صریحه شارع مقدس و تبیینات دو مبین منصوص این امر مبارک یعنی حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله دیده می شود . عنصر سلیم (ARISTOCRACY) یعنی حکومت اشرافی در این است که اعضای منتخبه محافل روحانیه چه محلی و چه ملی و همچنین اعضای بیت العدل اعظم در تصمیمات خود مستقلند و مسئول توده مردم نیستند

یعنی رفراندوم (REFEREDUM) و مراجعه به آراء عمومی در اصول نظم اعظم الهی محلی و نقشی ندارد. عنصر سلیم (Democracy) که در نظم بدیع الهی منظور شده در این است که اعضای منتخبه بیوت عدل محلی و ملی یعنی محافل روحانی و همچنین اعضای بیت العدل عمومی از طریق رای گیری افراد و آحاد هیات ملت انتخاب و تعیین می شوند. چون ذکر قدرت کامله مطلقه و سطوت نافذه کلمه الله و دو مبین شریعت الله به میان آمد لازم است توضیح مختصری درباره " وحی " و " الهام " داده شود: وحی مختص به مظاهر مقدسه یعنی انبیای اولوالعزم است. الهام از شوون اوصیای مظاهر ظهور است مانند اوصیای حضرت موسی و حواریون حضرت مسیح و ائمه اطهار در اسلام. همان طور که مثلا در اسلام عدم توجه به ائمه اطهار نقض عهد بود در این ظهور نیز عدم اطاعت از مراجع منصوص و مخصوص نقض عهد محسوب می شود. در امر مبارک، جمال اقدس ابهی و

حضرت اعلی مظاهر وحی هستند ولی در مقام متفاوتند ، و حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله و بیت العدل اعظم مهابط الهامند ، آنان نیز در مقام با هم متفاوتند . مظهر ظهور مستقل مانند آفتاب است و اوصیای مستظل مانند قمر و ماهواره هستند . حضرت ولی امرالله در یکی از بیانات شفاهی خود این مقامات و روابط فیما بین آنها را این طور توضیح داده اند :

شمس شریعت الله : حضرت بهاءالله

و قمر آن : حضرت عبدالبهاء

دو ماهواره قمر : ولایت امرالله و بیت العدل اعظم . ولی اضافه فرمودند که این دو ماهواره (Satellite) هر چند طائف حول قمرند ولی الهام آنها مستقیما منبعث از حضرت بهاءالله و حضرت اعلی است چنانچه در الواح وصایا تصریح شده است . در این مقام لازم است درباره حملات اعداء بر ضد امرالله مطلبی چند عرض شود . به کرات در الواح جمال اقدس ابهی تصریح شده که بلایا و رزایا ممد و مساعد

پیشرفت امرالله است ، چنانکه می فرمایند : " بلائی
عنایتی ظاهر نار و نغمه و باطنه نور و رحمه". و نیز
می فرمایند : " بالبلاء علا امره و سنا ذکره" و " قل
البلايا دهن لهذا المصباح و بها يزداد نوره ان كنتم من
العارفين" حضرت عبدالجباء می فرمایند جنود مادی و
ادبی و سیاسی جهان از هر جهت مهاجم چه که امر
عظیم است عظیم ... " و نیز می فرمایند : " امر عظیم
است عظیم و مقاومت و مهاجمه جمیع ملل و امم
شدید است شدید . عنقریب نعره قبائل افریک و
امریک و فریاد فرنگ و تاجیک و ناله هند و امت
چین از دور و نزدیک بلند شود و کل به جمیع قوی
به مقاومت برخیزند و فارسان میدان الهی به تاییدی
از ملکوت ابهی به قوت ایقان و جند عرفان و سپاه
پیمان جند هنا لک مهزوم من الاحزاب را ثابت و
آشکار کنند . "

در آخر بیان مبارک مخصوصا تصریح شده که علاوه
بر تاییدات الهیه دو عامل مهم ضامن نصرت امر
مبارک خواهد شد یکی قوه ایقان و عرفان افراد و
آحاد احباء و دیگری حمایت و تقویت سپاه پیمان .

کلمه " پیمان " در این مقام اشاره به قوه عهد و میثاق الهی است که محور و مرکز آن در این ایام و تا پایان دور مقدس و بی نظیر حضرت بهاءالله ساحت منیع بیت العدل اعظم است . در سال ۱۹۵۷ که حضور مبارک حضرت ولی امرالله مشرف بودم این فقره از لوح مبارک را از بر تلاوت فرمودند و تاکید فرمودند که بر طبق بیان صریح حضرت عبدالبهاء کل بر علیه امرالله قیام خواهند کرد . بعد اضافه کردند : " استثنا ندارد ، استثناء ندارد " در آثار انگلیسی هیکل مبارک دو مطلب مهم تصریح شده :

اول- این مبارزه و مقابله و هجوم و حمله صرفا از طرف روسای ادیان نخواهد بود بلکه مراجع رسمی کشوری یعنی حکومتات مختلفه جهان نیز در این حملات شرکت خواهند کرد .

دوم - این هجوم و حمله فقط متوجه تعالیم و احکام و شریعت امر مبارک نخواهد بود بلکه بر موسسات نظم اداری بهائی نیز حمله خواهد شد زیرا این نظم تجسم آن قوه ملکوتی و روح قدسی الهی است و هر قدر قدرت و اتحاد و استحکام جامعه بهائی بیشتر شود

هجوم و حملات شدیدتر خواهد شد . همه می دانید که در این دهه و مخصوصا پنج سال اخیر دشمنان امرالله در غرب چه بهتان ها و تهمت ها به بیت العدل اعظم زده اند و چه مفتریاتی بر ضد معهد اعلى که امروز مرکز و مرجع مشهود و آشکار امرالله است مکررا گفته و می گویند . در پایان این گفتگوی ما بی مناسبت نیست که اوصاف و القابی که در توقیعات مبارک درباره این نظم به کار برده اند در این مقام ذکر شود :

- ولید شریعت سمحاء
- ولید میثاق
- نظم اداری
- نظم بدیع الهی
- نظم بدیع جهان آرای الهی
- نظم اعظم
- نظم اکمل امتن اتم
- نظم عدیم النظیر قوی الارکان جهان آرای الهی

● نظم جدید التاسیس قوی الارکان سریع الاتساع

عديم المثل جهان آرای الهی

ان شاءالله به فضل و عنایت حق در ظل این نظم
اعظم به خدمات خود قائم باشیم و به کسب
رضای خالق و سلطان و مالک این نظم موفق
شویم .

(پایان مطالب سخنرانی جناب نخجوانی)

تقسیمات نظم بدیع

حضرت ولی امرالله مراحل ترقی و پیشرفت تدریجی
نظم بدیع را در تقسیمات متعددی تشریح و به عالم
بهائی عرضه داشته اند. حضرتش مراحل مختلفه
ظهورات الهیه را از ابتدای خلقت تا زمانی طولانی
کور نامیده اند.

معنی کور

کور مدت زمانی است طولانی که مظاهر مقدسه متعددی برای راهنمایی و ارشاد بشر به امر حضرت پروردگار ظاهر شده و با احکام و تعالیم خود دین جدیدی را بعالم امکان عرضه می دارند. مثلاً کور حضرت ادم از ابتدای خلقت تا زمان حضرت محمد ادامه داشته که در این مدت پیغمبران بسیاری ظهور کرده اند که می گویند تعداد آنها بالغ بر ۱۲۴۰۰۰ نفر بوده که البته کسی از نام و نشان آنها جز تعدادی معدود خبر ندارند و مشهورترینشان نوح - ابراهیم - موسی - زرتشت - عیسی و محمد بوده و فقط نام ۲۸ نفرشان در قرآن مجید آمده است.

کور ادم با ظهور حضرت اعلیٰ پایان یافت و کور دیانت بهائی که امتدادش طبق نصوص مبارکه حداقل پانصد هزار سال است شروع گردید کور بهائی خود به تقسیمات کوچکتر تقسیم شده که به آن دور می گویند. اولین دور از کور جدید دینت بهائی است که مدت آن حداقل هزار سال است و بعد از آن هر پیغمبری که

ظاهر می شود در ظل کور دیانت بهائی است.
از آنجایی که اصطلاحات کور و دور و عصر و تقسیمات جدید امری که در توفیق ۱۰۵ از یراعه مقدس حضرت ولی امرالله نازل شده کاملاً بدیع و جدید و ابتکاری بود حتی فضلالی امر هم در فهم نکات مهمه ان دچار اشتباه میشدند.

مثلاً نویسنده فاضل کتاب نظر اجمالی در دیانت بهائی در چاپ اول ان کتاب ضمن شرح کور و دور و عصر و عهد می نویسد با تشکیل بیت العدل اعظم وارد عصر ذهبی می شویم در حالیکه می دانیم اشتباه است . و بیت العدل اعظم با شروع عهد سوم عصر تکوین تشکیل شد.و یا نویسنده دانشمند کتاب اسرار ربانی که قاموسی بر توفیق ۱۰۵ بدیع می باشد. می نویسد هر عصری به سه عهد تقسیم می شود و عصر ذهبی را که هنوز نیامده دارای سه عهد می داند در حالیکه ما هم اکنون در هنگام تالیف این کتاب در عهد پنجم از عصر تکوین می باشیم به همین دلیل است که حضرت ولی امرالله می فرمایند:....((...ادعای فهم جمیع عواملی و قسمتهای داخلی این نقشه عظیم الهی

که حضرت به‌الله برای نجات من فی الملک انشا
فرموده و نیز ادعای به اینکه به عمق اهمیت و
عظمت ان کسی نائل گشته حتی از طرف پیروان
ثابت قدمش جسارتی است عظیم و وهم و خیالی است
بس جسیم . سعی در اینکه تکنونات و تمکنات انرا
تصور نمایند و یا منافع و مزایای اتیه انرا بها و
ارزشی نهند و یا ابهت و عظمت ان را در خاطر
تصور کنند بالکل بیهوده و بی اثر است و حتی در این
عصر مترقی و دوره علو مسیر تکامل انسانی محال
است نفسی به حکم بالغه ان پی ببرد فقط قادریم طلایع
نصر و علائم ظهور فجر سلطنت موعوده الهیه را
مشاهده کنیم و تنها می توانیم اصول اساسیه این نظم
بدیع را بعالمیان نمایانده و بنماییم که چگونه حضرت
به‌الله انرا تمهید فرمود و حضرت عبدالبها مبین کتاب
انرا بسط و نشر نموده است. (نقل از صفحه ۸ کتاب
ارکان بدیع)

دور

دور که جمع آن ادوار و به معنی دوره های متفاوت می باشد طول دوران شریعت مخصوص هر یک از مظاهر مقدسه الهیه بوده و تعالیم و احکام نازل در کتاب اسمانی همان دوران رایج و مجری بوده است. مثلا دوران شریعت یهود دور حضرت موسی بوده و زمان شریعت حضرت مسیح دور آن حضرت بوده دور دیانت بهائی که اولین دور از کور دیانت بهائی است با ظهور حضرت رب اعلی در ۲۳ می ۱۸۴۴ میلادی شروع شده و طول مدت آن به نص کتاب مستطاب اقدس حداقل یک هزار سال است.

زیرا در کتاب اقدس می فرمایند : من یدعی امرا قبل اتمام الف سنه کامله انه کذاب مفتر الله یعنی هر کس تا قبل از یک هزار سال آینده ادعای پیغمبری بکند دروغگو است.

و حضرت ولی امر الله می فرمایند : بدایتش سنه ستین که بفرموده مظهر ظهور مبدا تاریخ بدیع است امتدادش به نص آن کتاب مقدس اقلا هزار سال است.

و هر دوری خود به چند عصر تقسیم می شود. منظور
از سنه ستین سال ۱۲۶۰ اظهار امر حضرت اعلی
است

عصر

یکی دیگر از تقسیمات تقویم بدیع عصر می باشد کلمه عصر به معنی دوره و زمان معینی در یک محدوده بی نهایت می باشد طول مدت عصر از دور کمتر و از عهد بیشتر است به همین جهت است که هر دوری خود به چند عصر تقسیم می شود و هر عصر نیز به عهد مختلفه تقسیم میگردد. دیانت بهائی که طول مدت دور آن حداقل هزار سال است خود به سه عصر رسولی- عصر تکوین و عصر ذهبی تقسیم شده است.

عهد

حضرت ولی امر الله درباره معنی عهد در توفیق مورخ ۱۸ ژانویه ۱۹۵۳ می فرمایند: کلمه عهد در تفسیر و بیان دوره های مختلفه عصر تکوین و مراحل جلوه و بروز نقشه ملکوتی و فرامین تبلیغی حضرت عبدالبها استعمال می شود.

در قرن بدیع مذکور است : عهد مذکوره که در حقیقت مراحل مختلفه تاریخ بهائی را نشان می دهد شاهد یک رشته از وقایع عظیمه روحانیه از قیام مبشر امر بدیع و ظهور شارع عظیم و تاسیس میثاق حی قدیر و استقرار نظم اداری می باشد که کل متابعا و مترادفا طی قرن اول بهائی تحقق یافته و چون حلقات یک سلسله به یکدیگر متصل و مرتبطند.

توجه فرمودید که هر کوری به چند دور تقسیم می شود و هر دوری به چند عصر و هر عصری به چند عهد که شرح داده خواهد شد.

اولین دور از کور دیانت بهائی دور بهائی است. دور بهائی که با ظهور حضرت باب شروع می شود

دوران آن حداقل هزار سال است یعنی از هزار سال کمتر نیست ولی ممکن است بیشتر هم باشد که مدت آن در علم الهی مکتوم و مکنون است. بعد از دور بهائی ادوار دیگر بنام مظهر ظهورش نامیده خواهد شد.

دور بهائی به سه عصر به نامهای عصر رسولی یا بطولی - عصر تکوین یا عصر انتقال و عصر ذهبی یا دوران طلایی نامیده شده است. عصر رسولی به ۳ عهد اعلی و عهد ابهی و عهد میثاق تقسیم شده که شرح هر یک در صفحات آتی گفته خواهد شد. عصر تکوین نیز خود به عهدهای متعددی تقسیم شده و از عهدهای عصر ذهبی فعال بی اطلاعیم.

کور دیانت بهائی

بطوریکه گفته شد با ظهور حضرت اعلی کور ادم خاتمه پذیرفت و کور دیانت بهائی آغاز گردید. حضرت ولی امرالله در تلگراف ۱۸ اکتبر ۱۹۵۲ که در کتاب توقیعات مبارکه صفحه ۳ درج شده می فرمایند با ظهور حضرت باب که کور حضرت ادم را با کور دیانت بهائی متصل نمود کور نبوت تمام و کور تحقق و اکمال آغاز گردید.

کور دیانت بهائی که دوران ان حداقل پانصد هزار سال است از ادوار مختلف تشکیل خواهد شد. حضرت ولی امرالله در کتاب قرن بدیع جلد ۱ صفحه ۱۲۸ که ترجمه نه چندان جالب گادپاسزبای می باشد می فرمایند : حضرت باب ظهور مقدسش ملتقای دو کور عظیم الهی محسوب یعنی با قیام مبارک کور ادم مطلع تاریخ مدون ادیان با کور افخم اقدس بهائی که امتدادش بی نهایت طویل و اقل از پانصد هزار سال نخواهد بود مرتبط و متصل گردید.

در مورد تعیین مدت فوق بطوریکه در کتاب انوار

هدایت صفحه ۵۹۴ نوشته شده حضرت ولی امرالله دو نامه ای که به یکی از احبا بتاریخ ۱۰ جولای ۱۹۲۹ مرقوم داشته اند می فرمایند حضرت عبدالبها هیچگونه توضیحی راجع به پانصد هزار سال زمان کور بهائی نداده اند افراد احبا ازادند که برای خود هر برداشتی خواهند داشته باشند بشرط اینکه در صدد بر نیابند عقاید خود را بر دیگران تحمیل کنند.

جناب اشراق خاوری فاضل ارجمند در کتاب اسرار ربانی که قاموسی بر توفیق ۱۰۵ حضرت ولی امرالله می باشد در صفحه ۳۷۱ جلد اول می نویسند مقصود از کور زمانی ممتد و بسیار طولانی است که لااقل پانصد هزار سال است و در این زمان طولانی مظاهر مقدسه الهیه در ظل جمال قدم و اسم اعظم ظاهر خواهند شد که من حیث الاستفاضه در ظل جمال مبارکند و من حیث الافاضه یفعل مایشاء هستند و زمان مخصوص به شریعت هر یک عبارت از دور مخصوص به هر یک از ان ظاهر مقدسه است. همچنین در جلد دوم کتاب مزبور صفحه ۱۴۳ می نویسند: امتداد سلسله ظهور مظاهر مقدسه الهیه را از آغاز

ظهور قیوم الارض و السما تا مدتی که خدا به ان آگاه
است کور مشعشع الهی خوانند و این کور دارای
حلقات متتابعه است که هر حلقه عبارت از دور
شریعت هر یک از مظاهر مقدسه است.

پس متوجه شدیم که با ظهور حضرت اعلی کور
دیانت بهائی شروع شده که خود به سه عصر و چندین
عهد تقسیم می شود که در صفحات اتی شرح داده
خواهد شد.

عظمت و اهمیت کور بهائی

در اهمیت کور دیانت بهائی حضرت عبدالبهاء می فرمایند : این کور عظیم و دور کریم برهانش ساطع ، دلایلش لامع ، حجتش قاطع ، سطوتش قاهر ، عظمتش واضح است . قوتش شرق و غرب را متحرک نموده و پرتوش جنوب و شمال را منجذب کرده ، در هر کشوری به برهانی ظاهر و در هر اقلیمی به حجتی غالب زیرا در خاور اسرار کلمات خواهند و در باختر آثار بینات جویند ملاحظه فرما که مطلع ظهور ، مجلی طور در سجن مطمور تحت سلاسل و قیود ، امر عظیم بلند نمود و یاران قدیم ارجمند کرد و علم نور مبین برافراخت و در شرق و غرب ولوله انداخت . آیا این قدرت و قوت شبه و نظیر دارد و در قرون قدیم و مثلث دارد ؟ لا و الله .

همچنین می فرمایند : کور عظیم است و صاحب کور جمال مبین سمایش شریعت تقدیس است و فائض بر مزرعه هر عزیز و خسیس و شمسش حقیقت ذات الوهیت است که جمیع مظاهرش در سائر اکوار به

مقام عبودیت بودند . ارضش ارض حقائق کلیه
مستفیضه از اشعه ساطعه از نیر اعظم است و بحرش
محیط اکبر است حدائقش جنان فردوس است و
شقائش معطر به نفحات قدس ...

احبای الهی کور عظیم است و اشراق شدید و عصر
خداوند مجید ، امکان در حرکت است و اکوان در
وجد و بشارت ، حقایق کائنات در شوق و شورند و
ذرات موجودات در طرب و سرور ، ارواح در فوز
و فالحند و احباب در علو و نجاح ، انوار در سطوع
است و آثار روشنی بخش اقالیم و ربوع ، صیت
بزرگواری جمال قدم جهانگیر گشته و نیر عظمت
حضرت احدیتش مشرق و منیر ، جمیع محافل عالم به
ذکر اسم اعظم مزین و کل مجامع امم به خبر ظهور
نیر اکرم مستخبر ، شرق از انوارش منور است و
غرب از نفحاتش معطر ...

...در این کور عظیم و نعیم مقیم که فیوضات الهیه و
تجلیات رحمانیه شرق و غرب عوالم غیبیه و آفاق
شهودیه را احاطه نموده است به قسمی که هر شراره
ای شهاب ثاقب شده و هر ذره ای جبل باذخ گردیده ،

سرج حکم مشاعل یافته و نجوم سطوع شمس نموده ، قطرات موج بحور یافته ، مستضعفین ائمه و وارثین گشته ، היאکل ساده قمیص دانایی پوشیده و رئوس باکلاه علم علم برافراخته ، مستمندان به گنج بی پایان پی برده ، باید احبای الهی چون دریا به جوش آیند و چون ابر در خروش ، چون عندلیب در حدائق تقدیس به لحن حبیب بسرایند و چون نجوم هدی از مطلع صفات و اسماء حسنی بدرخشند . اشجار بارور گردند و ازهار لطیف معطر . دراری صدف عرفان شوند و مجاری ماء حیوان ایقان ، از سلسبیل عنایت بنوشند و بنوشانند و از صهبای موهبت بچشند و بچشانند و این مقام اعز اکرم اعلی میسر نگردد مگر به شوق و شغف و انجذاب و ذوق و شغف و اشتعال و اشتغال و ثبوت و رسوخ بر عهد و پیمان رب الارباب...

همچنین حضرت ولی امرالله در توفیق ۱۰۵ بدیع که در توفیعات مبارکه ۱۰۲-۱۰۹ صفحه ۱۱۱ درج شده می فرمایند: این کور اعظم و افخم بشارتش در متون صحف و زبر و کتب و اسفار و الواح از ادم تا خاتم

مدون و در تاریخ شرایع و ادیان از اول النبیین الی
خاتم النبیین بی نظیر و مثیل و سابقه است و به شانی
بزرگوار است که امتدادش پانصد هزار سال است.
همچنین در همان توفیق مبارک می فرمایند: این کور
مقدس به شانی منیع و رفیع است که نسبتش به حق
داده شده و انبیای اولوالعزم و مرسلین مستظلمین در
ظل ان شارعین قدیر متعاقبا متزایدا به مقتضای نشر
و ارتقای اهل ارض و استعداد روحانی عباد به ان
بشارت داده ولی بر کیفیت ان تماما" آگاه نگشته و بر
حسب ادراکات خلق شمه ای از عظمت ان را بیان
فرموده اند.

معرفی الواح وصایا

از آنجا که حضرت ولی امرالله الواح مبارکه وصایا را منشور تاسیس نظم بدیع الهی نامیده اند و آن را محور وحدت عالم انسانی معرفی فرموده اند لذا معرفی بیشتر این اثر مبارک را لازم و ضروری دیدم لذا بخشی از این کتاب را به معرفی این الواح مبارکه اختصاص دادم . در اهمیت الواح وصایا حضرت ولی امرالله می فرماید :

" تار و پود این نظم الهی احکام مقدسه متعالیه مصرحه در کتاب اقدس که از مخزن قلم اعلی صادر و مبادی سامیه روحانی و اداری که در الواح و خطابه‌های مرکز عهد و میثاق و مبین آیات نیر آفاق و کتاب وصایایش مدون و مسطور "

جناب هوشمند فتح اعظم در کتاب نفیس بحرپرگهر در اهمیت الواح وصایا می نویسند :

اگر الواح وصایای حضرت عبدالبهاء چون سپیده ی سحری بر افق تاریک آن ایام نمی تابید و طلوعه عصر نوین تکوین را بشارت نمی داد حال قیاس

فرمائید ، جامعه نوباوه ی بهائی در شرق و غرب عالم چه سرنوشتی می یافت . این است که در خطبه افتتاحیه ی الواح وصایا ، حضرت عبدالبهاء در نهایت رقت و فصاحت به حمد و ثنای جمال کبریا می پردازند که هیکل امرش را با جوشن میثاق از تیر سنان شبهات صیانت فرمود و با سپاه عهد و پیماناش آئین نازنینش را در مقابل حملات گروه سست بنیان عهد شکنان ، مدد و حمایت نمود . چون به تاریخ بنگریم ، این بیان حضرت ولی امرالله برای ما بهتر و روشن تر می شود که عهد و میثاق را ما به الامتیاز دور بهائی توصیف فرمود ، زیرا بدون آن ، هرگز مقصد از این امر اعظم در انجمن بنی آدم تحقق نمی یافت و وحدت عالم انسانی که مقدمه مدنیت ملکوتی الهی در بسیط زمین است ، هرگز مستقر نمی گردید . حتی حضرت شوقی افندی در توصیف الواح وصایا فرمودند که : " منشور مبارک مقدس مرکز عهد جمال ابهی " و " کاشف کیفیت تاسیس نظم بدیع در بسیط غربا " و " متمم کتاب اقدس مهیمن بر کتب و صحف اولی " است . از این بیان مبارک پیداست

که اگر الواح وصایا که متمم کتاب اقدس است ، از قلم میثاق صادر نمی شد ، کتاب اقدس بدون آن متمم کامل نمی شد و پایه ی مدنیت آینده ی جهانی استوار و " نظم بدیع که ... از اقتران معنوی ... از شارع قدیر ... و لطیفه میثاق ... ظاهر گشته " ، مرتفع نمی گشت . اعلان الواح وصایا و تعیین مرکز امرالله عالم بهائی را از بلا تکلیفی نجات بخشید و افکار و اعمال اهل بهاء را متوجه حضرت شوقی افندی نمود . اما شوقی افندی را جز بهائینی که در ارض اقدس و ممالک مجاورش ساکن بودند و جمع محدود زائران روضه ی مبارکه نمی شناختند و آنان که می شناختند ، ایشان را یکی از نوادگان حضرت عبدالبهاء می شناختند . اما به زودی دریافتند که مرکز میثاق ،سکان سفینه ی امر الهی را به دست ناخدای جوانی واگذار فرموده که از عمر مبارکش بیش از ۲۴ سال نگذشته بود . اگر ضوابط و معیارهای رایج در جامعه ی بشری ملاک تشخیص قرار می گرفت ، عجیب نبود ، اگر انتقال رهبری و قیادت جامعه بهائی از شخصیت بی نظیر عبدالبهاء به جوانی ناشناخته

سبب شک و تردید و خلجان روحانی در بعضی از مومنین می شد . اما در میان قاطبه ی احباء ، آن افکار ناهنجار با اطمینان به قلم ملهم عبدالبهاء و ملاحظه متن الواح وصایا زایل شد و " سطوت میثاق" چون " بانک فریادرسی " غوغای هولناک اهل ارتیاب را در وادی خاموشی مدفون ساخت .

(پایان بیانات جناب فتح اعظم)

جناب صالح مولوی نژاد طی مقاله مستدل و مبسوطی تحت عنوان مصدر وحدت عالم انسانی مطالبی خواندنی درباره این الواح مبارکه نوشته اند که قسمتهایی از آن را زیب این مقال می نمایم .

ایشان می نویسند :

روز سوم ژانویه ، ۱۹۲۲ ، الواح مبارک وصایای حضرت عبدالبهاء در جمع اعضا خانواده مبارک تلاوت شد . در آن روز تاریخی ، شاید آنچه در انظار جلوه ای خاص داشت و در اندیشه ها اهمیتی ممتاز ، این بود که به موجب الواح وصایا ، حضرت شوقی ربانی ولی امر و مرجع اهل بهاء تعیین شده بودند .

در روز شانزدهم همان ماه ، حضرت ورقه علیا که الواح وصایا نزد ایشان به امانت سپرده بود ، به عالم بهائی اعلان فرمودند که " طبق الواح وصایا، حضرت شوقی افندی ولی امرالله و رئیس بیت العدل اعظم اند ... " الواح وصایا چون صدف پرگوهری بود که در طی دوره ولایت ، حضرت ولی امرالله با توضیح و تبیین آن ، به تدریج حقایق بی نظیر مندرج و مکنون در آن را آشکار فرمودند ، و معلوم گشت که این ودیعه الهی نه تنها مرجع اهل بهاء را تعیین و تسمیه می کند ، بلکه " مصدر و منشا وحدت عالم انسانی " و " دستور نظم بدیع " نیز هست . الواح وصایا شامل سه لوح است . تاریخ دقیق نزول آن هم را نمی دانیم ، اما از خلال مضامین آن می توانیم دوره تاریخی نگارش آنها را استنتاج کنیم . از این سه لوح ، اولین آنها از مجموع دو لوح دیگر مفصل تر است و لوح سوم از همه کوتاه تر .

این الواح ، گرچه در تاریخ های متفاوت نوشته شده ، اما در هر سه آن ، وحدت موضوع نمایان است . هر یک مضامین لوح قبل را توسعه داده و تکمیل می کند

به طوری که مجموعاً سند واحدی را به وجود می آورند . لوح اول وصایا به احتمال زیاد ، در سال ۱۹۰۴ نازل شده است . آنچه این استنباط را به ذهن القا می کند این است که در این لوح ، هم آمدن هیئت اعزامی از دربار عثمانی را شرح می دهند و هم در چند قسمت آن ، به احتمال غیبت وجود مبارک از ارض اقدس اشاره می فرمایند . لوح دوم ، باز به احتمال ، در اواخر سال ۱۹۰۷ یا اوائل ۱۹۰۸ نازل شده است زیرا در این لوح نیز به آمدن هیئت دوم اعزامی که در زمستان ۱۹۰۷ وارد عکا شد اشاره فرموده و خطراتی که وجود مبارک را تهدید می کرده یادآوری فرموده اند . لوح سوم ، شاید در فواصل ۱۹۰۸ و ۱۹۰۹ نازل شده باشد . درک جایگاه رفیع الواح وصایا و اهمیت آن فقط به مرور زمان و طی عصرهای آینده مقدور خواهد بود . آنچه اکنون میسر است ملاحظه و مطالعه تاثیراتی که این سند مقدس در برپاگشتن نظم اداری بهائی از آغاز عصر تکوین تا کنون بر جای نهاده است . هر چه نظم اداری بهائی به سوی کمال سیر کند ، عظمت و

اهمیت الواح وصایا پر جلوه تر شده ، رموز مکنون در آن آشکارتر خواهد شد .

الواح وصایا سند میثاق حضرت عبدالبهاءست که این میثاق ، چه از لحاظ منطق و چه از نظر هدف ، با عهد جمال قدم که در کتاب عهد جلوه نموده مرتبط است . کتاب عهدی به نوبه خود علاوه بر نصایح و وصایای دیگر تصریح و تایید آیاتی است که در موضوع عهد و میثاق در کتاب مستطاب اقدس نازل شده است . لهذا این سه اثر یعنی کتاب اقدس ، کتاب عهدی و الواح وصایا سند واحدی را تشکیل می دهند که اساس عهد و میثاق الهی در این دور مقدس است . چنین عهدی در هیچ دوری از ادوار گذشته سابقه نداشته است زیرا در این دور مبارک است که در پی استقرار نظم اداری حضرت بهاءالله باید به مشیت الهی وحدت عالم انسانی و متعاقب آن مدنیت الهی بر روی زمین تحقق یابد . میثاق الهی در این ظهور حامل و رساننده فیض فائض از مظهر کلی الهی به عالم انسان از طریق موسسات اداری بهائی است . حضرت ولی امرالله در بیانی زیبا مشروعات و

تاسیسات بهائی را به مجاری و قنواتی که قوه قدسیه فیض الهی را به جامعه بشری می رسانند تشبیه فرموده اند . این مجاری و قنوات که در آیات متعدد از کتاب اقدس و در الواح دیگر حضرت بهاءالله ، به نحوی کلی و گاه به تلویح ، مشخص و منصوص بوده ، در الواح وصایا تشریح و تبیین شده است . تاسیس محفل روحانی در کتاب مستطاب اقدس ، با نام " بیت عدل " تاسیسی است الهی ، اما تعیین جنبه های اداری آن مرهون الواح وصایاست . و نیز ، در کتاب مستطاب اقدس و دیگر الواح جمال قدم ، با تعمق در وظایف و مسئولیت هائی که به بیوت عدل محول شده استنباط می شود که بیت عدل یا محلی است یا جهانی . الواح وصایا حلقه ارتباطی بین این دو نوع بیت عدل تاسیس می کند تا اجرای وظایف و اعمال مسئولیتهای این موسسات را تسهیل سازد . این حلقه ارتباطی عبارت از محفل روحانی ملی است .

چگونگی تاسیس بیت عدل اعظم ، مرجع مصون از خطای تشریح احکام و قوانین غیر منصوص در دور بهائی ، و تفصیل اختیارات وسیعی که از جانب شارع

اعظم به آن عطا شده ، در الواح وصایا تشریح و تبیین گردیده است.

اگر در آغاز دوره ولایت ، میزان آگاهی بهائیان از مفاهیم عظیم الواح وصایا اندک بود به تدریج بر اثر تبیینات حضرت ولی امرالله جل مقامه ، قوای مستور در این الواح و دیگر آثار الهی هر روز بیش از پیش آشکارتر شد و بر اطلاع و بصیرت اهل بهاء افزوده گشت . شجر نظم اداری بهائی به شکوفه نشست و شکوفه ها بدل به گل های معطر شد . با تشکیل و توسعه محافل روحانی محلی و ملی و نشر و تعلیم وظایف آنها ، تکمیل و توسعه موسسه ایادی امرالله حارسان مدنیت الهیه در مرحله جنینی تشکیل شورای بین المللی بهائی ، هسته و مقدمه تاسیس بیت العدل اعظم و نهایتا انتخاب معهد اعلی ، تاج وهاج تشکیلات و مشروعات شریعت الهی ، و نیز تشریح مقام و اختیار و مسئولیت های هر یک از این عناصر سازنده نظم اداری بهائی به مرور مکنونات نهفته در الواح وصایا بر اهل بهاء روشن تر شد .

در عالم طبع نیز قاعده چنین است . ظهور استعداد

نهفته در بذر تدریجی است و در هر مرحله از سیر تکاملی بذر تا میوه اگر به آن نگاه کنیم فقط قاد خواهیم بود که آنچه را تا آن زمان از بطن دانه سر زده و از قوه به فعل درآمده مشاهده کنیم . تنها مرور زمان است که مراحل باقیمانده را به منصفه شهود می آورد . با عطف توجه به ثمراتی که تاکنون از حقیقت الواح وصایا در عرصه جامعه بهائی و تشکیلات اداری آن ظاهر شده به یقین توان گفت که وسعت اطلاع اهل بهاء از الواح وصایا در نسل های آینده بیشتر و عمیق تر از آگاهی نسل حاضر خواهد بود . همچنانکه اطلاع نسل کنونی بی تردید بیشتر از آن مقداری است که گذشتگان از این الواح مقدس داشتند .

تکوین تدریجی نظم اداری بهائی از بطن الواح وصایا ، فقط یک جنبه از قوای مکنونه این سند مقدس است ، جنبه مهم تر آن حفظ اتحاد و وحدت جامعه اسم اعظم است . بذری که به اراده الهی باید شجر وحدت عالم انسانی را بارور سازد اگر خود از درون خلل پذیرد و وحدت خود را از دست دهد از اكمال ماموریت نهائی خویش محروم خواهد شد . الواح

وصایا شجر الهی را در مقابل طوفان نقض حراست کرد و رشد طبیعی آن را تضمین نمود . قدرت الواح وصایا را در محافظه امرالله فقط با ملاحظه شدت طوفان نقض می توان درک نمود . طوفانی که حدت و شدت آن ، حتی از طوفان نقض در عهد ابهی مهیب تر و شدیدتر بود . به بیان مبارک حضرت عبدالبهاء " امتحانات هر امری به قدر عظمت آن امر است . چون تا به حال چنین میثاقی صریح به قلم اعلی وقوع نیافته لهذا امتحانات نیز عظیم است (پایان گفتار جناب صالح مولوی نژاد)

جناب هوشمند فتح اعظم در کتاب نظم جهانی بهائی درباره اهمیت الواح وصایا می نویسند :

ما هنوز از لحاظ زمانی به این سند عظیم یعنی الواح وصایا بسیار نزدیکیم و از ادراک کامل مضامینش و از اطلاع بر اسرار مکنونه اش عاجز و ناتوان . فقط نسلهای آینده می توانند بر قدر و منزلت این شاهکار الهی که دست قدرت مهندس اعظم عالم برای وحدت و نصرت امر جهانگیرش آفریده است فی الجمله وقوف یابند . فقط آیندگانند که قادرند ارزش تاکیدات

شگفت انگیزی را که در این سند عظیم بر دو موسسه بیت العدل اعظم و موسسه ولایت امرالله نهاده شده دریابند و از اهمیت کلمات شدید حضرت عبدالبهاء که در مورد ناقضین بر عهد و میثاق در الواح وصایا بیان فرموده است باخبر شوند . فقط آیندگانند که می توانند ادراک نمایند که موسساتی را که حضرت عبدالبهاء ایجاد فرموده چقدر با وضع اجتماع آینده که مقدر است از میان آشوب و هرج و مرج عصر حاضر برخیزد مناسبت و موافقت خواهد داشت ...

تعریف نظم اداری

از نظم اداری نمی توان تعریف کامل و جامعی نمود چون نظم اداری که مقدمه نظم بدیع است و هسته مرکزی آن می باشد وسیله ایست برای تحقق آمال نظم بدیع و حافظ و نگهدارنده حکومت آینده بهائی می باشد . اگر بخواهیم بهتر و بیشتر به اهمیت نقش نظم اداری در پیشبرد اهداف عالیه دیانت بهائی پی ببریم شاید با ذکر مثالی بتوان آنرا بیشتر درک کنیم اگر امر الهی را به مثابه هیکل انسانی بدانیم و آن را به شکل هیات انسان تشبیه نماییم می توان گفت همان نقشی که استخوان بندی در شکل گیری اندام انسانی دارد و بدون آن قادر به ادامه حیات نیست زیرا اگر یک انسان دارای تمام اعضای سالم بدن باشد ، ولی استخوان بندی نداشته باشد هرگز نمی تواند یک انسان کامل باشد و هرگز اعضای سالم بدنش نمی توانند وظایف خود را انجام دهند . مثلا اگر مغز در کاسه سر محفوظ و مصون از لرزش و ضربه نباشد نمی تواند وظایفش را انجام دهد همین طور قلب و ریه

اگر در پناه استخوانهای سینه و پشت نباشد چگونه به کار خود ادامه می دهد در حالیکه استخوان بندی عمل حیاتی انجام نمی دهد ، ولی بدون استخوان بندی هیچ یک از اعضای بدن قادر به انجام اعمال حیاتی نیست ، پس همچنانکه استخوان بندی بدن و هیكل انسان وسیله ایست برای آنکه اعضای بدن مانند مغز ، قلب ، ریه، کلیه و کبد و معده و غیره وظایف خود را انجام دهند نظم اداری در هیكل امرالله وسیله ایست تا سایر اعضای هیكل امرالله بتوانند وظایف خود را انجام دهند پس نظم اداری فقط وسیله است و هدف ، سلامت هیكل امرالله است .

نکته دیگر که درباره نظم اداری باید دانست این است که چون این نظم فعلا در مرحله جنین و طفولیت است و ضمنا بدیع و ابتکاری است نمی توان با قاطعیت درباره مراحل مختلفه و چگونگی استقرارش اظهار نظر نمود زیرا نظم اداری بهائی مراحل اولیه خود را می گذراند و هنوز به مرحله بلوغ و کمال نرسیده است و این حقیقت در آثار حضرت ولی

امران الله كاملا مشهود است ، بنابراین یاران الهی نباید در مورد آینده این نظم پیش بینی نمایند که چنین و چنان خواهد شد ، زیرا امر الهی موجود زنده ایست که حال در مرحله طفولیت است و ما نمی توانیم تجسم بلوغ این موجود زنده را بنمائیم بنابراین آنچه که به عنوان تاسیسات نظم اداری بیان می گردد گر چه اساسش مستحکم و براساس نصوص مبارکه و غیر قابل تغییر است ، ولی شکل و فروعانش را نمی توان در آینده پیش بینی کرد .

هیكل مبارك حضرت ولی امرالله در توفیق دور بهائی که اصلش به انگلیسی است می فرماید :

(ترجمه)

"... مادام که این نظم هنوز در مرحله طفولیت است ، زنده که نفسی در ادراک کیفیتش به خطا رود و یا از اهمیتش بکاهد و یا مقصدش را دگرگون جلوده دهد..."

نکته مهم دیگری که درباره اهمیت نظم اداری باید بدانیم این است که در دیانت بهائی تمام اختیارات

اجرائی و راهنمائیها و دستور العملها در دست جناح
اختیاری است نه انتصابی و در این امر مبارک هیچ
فردی که دارای امتیاز خاصی باشد مانند کشیشان و
حاکم ها و مراجع تقلید وجود ندارد .

حضرت ولی امرالله در توفیق مورخ ۱۴ مارچ
۱۹۲۷ می فرمایند :

یکی از اصول تعالیم الهیه که مایه وحدت و و داد
است و اساس الفت و اتحاد این است که در این امر
بدیع مسائل غیر منصوصه حل و عقد مشکلات ملیه
جمیع راجع به نفوس منتخبه ملت است نه فردی از
افراد جمعیت .. اما فردی از افراد محفل هر قدر
عظیم الشان باشد و کامل و هر چه آگاه باشد و فاضل
باز رای فرد مصاب نبوده و نخواهد بود زیرا
اگر در امم ماضیه اشخاصی خود را اعلم و اجل نمی
دانستند عوام بیچاره مرید آنان نمی شدند و مایه
تفرقه نمی گردیدند پس همیشه نفوسی که خود را
افضل از کل می دانستند سبب اختلاف گشتند ولی
الحمدالله قلم اعلی این استبداد رای افراد علماء و
عقلا را از میان برد و قول افراد را ولو اعلم علما و

افضل فضلا باشند میزان نفرموده اند با توجه به بیان
مبارک فوق یکی دیگر از امتیازات نظم اداری واضح
و آشکار می گردد .

در اینکه نظم اداری وسیله است نه هدف حضرت
ولی عزیز امرالله می فرمایند :

"تشکیلات امریه الهیه آلتی است در دست ما و هرگز
جانشین ایمان و ایقان نفوس نمی گردد . تشکیلات
امریه مجازی صافیه ای می باشند که روح الهی از
آنان جریان یافته به سوی جهان و جهانیان ساری می
گردد و قوای نازله شریعه الله آن قدر سریع و کثیر
است که بایستی همیشه این مجاری را صاف و پاک و
هموار نگاه داشت تا نوع انسان بدین نعم سابغه دائما
مرزوق و متنعم بماند . اگر متوجه تحدید و و تقیید
گردند البته این مجاری صافیه مسدود و افراد از
برکات سماویه ممنوع می مانند . "

جناب نخجوانی در معرفی نظم اداری می فرمایند :

اصطلاح نظم اداری که در آثار انگلیسی هیکل مبارک به عنوان :

The Administrative Order

آمده مرحله اولای این نظم اعظم است . می فرمایند این نظم اداری مثل طفلی می ماند در موقعی که میقاتش می رسد در عصر ذهبی به مرحله بلوغ خودش خواهد رسید وقتی که نظم اداری به مرحله بلوغ رسید ما این لقب را به او می دهیم و می گوئیم The New World Order ولی عجالتا اسمش را گذاشته ایم The Administrative Order اما در فارسی نویسندگان این تفاوت را قائل نشده اند و بدون امتیاز خاص فقط اسم نظم بدیع ذکر شده البته کلمه تشکیلات بهائی هم هست که به انگلیسی Bahai Administration می گویند اما این اصطلاح نظم اداری اختصاص به آثار انگلیسی مبارک دارد .

جناب علی نخجوانی عضو سابق بیت العدل اعظم الهی در ادامه بیانات خود فرموده اند: حضرت ولی امرالله مقام حضرت اعلی را یکی از موسسات عمده و مقدس نظم بدیع الهی محسوب فرموده اند. برای چه؟ برای اینکه جمال مبارک در لوح کرمل پیش بینی فرمودند که در این کوه باید هم مرکز روحانی باشد و هم مرکز اداری، حضرت ولی امرالله این مطلب را برای زائرین شرح می دادند که مرکز روحانی همین مقام حضرت اعلی است. پیش بینی فرمودند که این کعبه الهی باید در این کوه باشد و دستور دادند که عرش مبارک به اینجا منتقل شود. دانشمند فقید ارجمند جناب هوشمند فتح اعظم که مستغنی از تعریف هستند در کتاب بحر پرگهر بیان مبارک حضرت ولی امرالله را نقل می نمایند که می فرمایند: "مقام اعلی هم چنانکه در عوالم غیبیه به فرموده حضرت رب البریه مطاف ارواح مرسلین است در عالم کون نیز مرکزیت مقام اعلایش ثابت و محقق و رمس مطهرش به ظاهر ظاهر مرکز دوائر تسعه ناسوتیه واقع"

و ایشان بعد دایره های نه گانه در توقیع مبارک را
معرفی می نمایند

در این دایره های نه گانه به ترتیب

۱-دایره اول کره ارض

۲-دایره دوم اراضی مقدسه

۳-دایره سوم کوه کرمل

۴-دایره چهارم حرم اقدس

۵- دایره پنجم حدائق وسیعه حول مقام

۶-دایره ششم مقام اعلی

۷-دایره هفتم ضریح مطهر

۸-دایره هشتم تابوت مقدس

۹-دایره نهم رمس مطهر

قرار دارند .

جناب نخجوانی درباره مرکز اداری بیان مبارک
حضرت ولی امرالله که می فرمایند " سوف تجری
سفینه الله " را چنین توضیح می فرمایند :
مقصود مرکز اداری امر مبارک است . آن کعبه الله

مرکز روحانی است و سفینه الله مرکز اداریست . پس
مقام حضرت اعلی را جز موسسات رئیسه عمده نظم
بدیع الهی حساب فرمودند و می فرمایند این شروعش
و خلقتش در دوره جمال مبارک بوده و ساختمانش در
دوره حضرت عبدالبهاء واقع شده ، اما در طی عهود
متوالیه عصر تکوین یعنی بعد از ۱۹۲۱ چه واقع
شد؟ اولاً می فرمایند کیفیت تاسیس نظم بدیع در
الواح وصایای حضرت عبدالبهاء رسماً اعلان گشت .
مثل این است که این نظم در عالم جنین بود و در سنه
۱۹۲۱ این جنین متولد شد ما اکنون نیز با این جنین
سر و کار داریم تا اینکه این طفل به مرحله رشد
برسد و در عصر ذهبی به مرحله بلوغ خود نائل
گردد . حضرت ولی امرالله می فرمایند این تشکیلات
کنونی به منزله مقدمه و نمونه و هسته مرکزی نظم
اعظم محسوب خواهد شد هم مقدمه نظم اعظم است
که بعداً ظاهر می شود و هم نمونه اوست . جناب
نخجوانی در خاتمه فرمایشاتشان فرموده اند : تشکیلات
نظم اداری بهائی مطابق آثار مبارکه به منزله مجاری
و قنواتی هستند که روح نباض امر الهی را به جامعه

انسان منتقل می نمایند با این تشکیلات مقدر است
جانی نو در کالبد افسرده عالم دمیده شود و دنیای
امروز را تبدیل به جهانی تازه گرداند . در این
صورت هر فرد مومن و بصیر بهائی با شناخت و
قبول این واقعیت کوشش می نماید که هر چه بیشتر
با این روح نباض در تماس باشد و نه تنها از اثرات
حیات بخشش مستفیض گردد بلکه خود جزئی از اجزا
این قنوات شود و در پرورش و تقویت و رشد آن
بکوشد . توجه به این حقیقت که این نظم نوین حتی
در مرحله جنینی انظار بسیاری را به خود جلب کرده
و طرز کار و چگونگی تاسیس و هدف والای
مؤسسات نظم اداریش حتی در این مرحله مورد
اعتنای بسیار واقع شده و اینکه براساس آثار مبارکه
می بایستی که نظام کهنه عالم جای خود را به این
نظم نوین بدهد مسئولیت کارکنان و خادمین این
مؤسسات را بسی بیشتر می کند . این مسئولیت هم
فردی و هم جمعی است مسئولیت های فردی بر مبنای
روح تعالیم مبارکه است .

ایادی عزیز امرالله جناب هوراس هولی در معرفی نظم اداری مقاله ای مرقوم داشته که در نشریه محفل روحانی طهران که هر ماه بیانی منتشر می شد در نشریه شماره ۵ مورخ مهر ماه ۱۳۲۳ شمسی می نویسد : نباید تصور نمود که اصول نظم اداری بهائی تنها عبارت از یک عده نظامات و دستورات صوری ظاهری است بلکه باید معتقد بود که این نظم بدیع عبارت است از ثمره و نتیجه روح وحدت و یگانگی در این عصر نورانی . نظم اداری بهائی یعنی یک سلسله از مبادی اخلاقی دنیائی که خاصیت مخصوصه و مشخصات ممتازه آن نقل و تحویل عقاید روحانیه معنویه افراد است بحیز حس و شهود و تبدیل آن به اصل همکاری و معاضدت روحانی افراد در جامعه این نظم اداری بهائی به وسیله ایجاد وحدت یگانگی روحانی بین افراد بهائی آنان را مانند برادران معنوی به یکدیگر پیوسته و متصل می سازد پایه و ینیان این نظم عظیم که در غایت اتقان و متین و رزین است اصل مشورت می باشد که طبق بیان

حضرت عبدالبهاء عبارت است از ظهور و بروز و تحقق عواطف وجدانیه افراد در این عصر جدید .

حضرت ولی امرالله در اهمیت و نقش نظم اداری در تحقق آمال و اندیشه های دیانت بهائی در کتاب دور بهائی چنین می فرماید :

نظم اداری امرالله که از حین صعود حضرت عبدالبهاء تاکنون همواره در نشو و نما بوده و در مقابل انظار اهل بهاء لاقلاً در چهل اقلیم از اقالیم جهان مجسم و مصور گشته به منزله قالب الواح و صایای مبارکه است که این طفل نوزاد در آن حصن حصین پرورش یافته و رشد و نما می نماید این نظم اداری چون توسعه یابد و اساسش تحکیم گردد قطعا قوای مکنونه و آنچه را که در هویت این سند خطیر که مرآت مجلای نوایای یکی از اعظم طلعات دور حضرت بهاءالله است ظاهر و آشکار خواهد نمود و همین که اجزای مرکبه و تاسیسات اصلیه اش با کمال اتقان و جدیت شروع به فعالیت نمود دعوی خود را میرهن داشته ثابت خواهد کرد که نه تنها

قابلیت آنرا داراست که بمنزله هسته نظم بدیع الهی محسوب گردد بلکه نمونه کامل آن است و باید در میقات خود عالم انسانی را فراگیرد .

همچنین در همان توفیق مبارک دور بهائی در معرفی و اهمیت نظم اداری می فرمایند :

این نظم اداری اساسا با آنچه انبیای سلف وضع فرموده اند متفاوت است زیرا حضرت بهاءالله به نفسه اصولش را بیان و تاسیساتش را استوار و مبین کلمه اش را معین فرموده اند و به هینتی که مامور تکمیل و تنفیذ احکام شرعیه اش بوده اختیارات لازم عنایت کرده اند و این جمله خود رمز قوت امرالله و ما به الامتیازش از سایر ادیان و ضامن حفظ و وقایتش از انشقاق و تجزی است . در هیچ یک از کتب مقدسه ادیان عالم حتی در آثار حضرت اعلی نمی توان راجع به عهد و میثاق و تدارک نظم اداری نصوصی یافت که از حیث درجه و اعتبار با آنچه در این مورد در اساس آئین بهائی است قابل قیاس باشد . آیا فی المثل در مسیحیت و یا

اسلام که دو نمونه بارز از ادیان کثیر الانتشار معظم
عالمند می توان چیزی یافت که با کتاب عهدی یا
الواح وصایا قیاس گردد و یا معادله نماید ؟ آیا
نصوص انجیل و یا قرآن هیچیک به روسا و مجامعی
که مدعی مقام تبیین و حق تفسیر مندرجات کتب
مقدس و اداره امور جامعه خود بوده اند اختیارات
کافی اعطا می نماید ؟ آیا پطرس قائد مسلم حواریون
و امیر المومنین علی پسر عم و وصی شرعی
حضرت رسول دارای شواهد و نصوص صریحی از
حضرت مسیح و حضرت محمد بوده اند که موید بر
ولایت ایشان باشد و بتواند منکرین آنان را چه در
زمان حیات و چه در ادوار بعد با مخالفت خود سبب
انشقاقی که تا امروز باقی است گشته اند ملزم به
سکوت نماید ؟ آیا در کدامیک از آثار مضبوطه
حضرت مسیح درباره خلایقیت و نزول احکام
مخصوصه و دستورات صریحه اداری که کاملاً از
مبادی روحانی متمایز باشد چیزی می توان یافت که
قابل قیاس با اوامر مشروحه و قوانین و حدود عدیده
ای باشد که در نصوص آثار حضرت بهاءالله و

حضرت عبدالبهاء نازل گردیده است؟ آیا هیچیک از آیات قرآنی که از حیث قوانین شرعی و دستورات اداری و فرائض دینی بر ادیان منحلّه سالفه تقدّم بارزی دارد اختیار مسلمی را که حضرت محمد شفاه در موارد عدیده بوصی خود اعطا کرده بود بر اساس متینی استوار می سازد؟ شارع آئین بابی نیز هر چند تا حدی به وسیله کتاب بیان فارسی از بلای انشقاقی که دامنگیر مسیحیت و اسلام گردید کاست ولیکن آیا می توان گفت برای صیانت امرش اساس صریح و موثری گذاشته است که با آنچه الی الابد باید ضامن وحدت در میان پیروان حضرت بهاءالله باشد برابری کند؟

تنها این آئین در میان ادیان سالفه بر اثر دستورات صریحه و اندازات مکرره و نصوصی که کافل صون و وقایت امرالله است بنیانی نهاده است که پیروان گمگشته مذاهب متشتت و درمانده عالم باید به آن نزدیک شده در آن تلاش و تمعن نمایند و تا وقت باقی است در کھف صلح و سلام خلل ناپذیر عالمگیرش ملجا و مقر جویند .

و همچنین در همان توقیع منیع می فرمایند :

اینک کلمه ای چند در خصوص اساسی که این نظم اداری مبتنی بر آنست و اصلی که برای تمشیت امور موسسات مهمه آن لازم است باید بیان گردد . قیاس این نظم فرید الهی با نظامات متنوعه ای که عقول بشری در ادوار مختلفه تاریخچه برای اداره موسسات خویش ایجاد کرده است کاملاً خطاست .

نفس این قیاس به خودی خود می رساند که به شان و منزلت صنع بدیع موسس عظیم الشانش پی نبرده ایم و چون در نظر آریم که این نظم بدیع عیناً همان مدنیت الهیه است که شریعت غرای حضرت بهاءالله باید در ارض مستقر سازد . البته چنین مقایسه ای را جائز نشماریم . هیچیک از انظمه مختلفه و دائم التغییر بشری چه در گذشته و چه در حال چه شرقی و چه غربی علائم مشخصه ای که به وسیله آن بتوان استحکام اساس و قدرت فضائل مکنونه در آنها را سنجید ارائه نمی دهند . حکومت متحده آینده بهائی که این نظم وسیع اداری یگانه حافظ آنست نظراً و عملاً در تاریخ نظامات سیاسی بشری فرید و

وحد است و در تشکیلات ادیان معتبره عالم نیز بی نظیر و مثیل. هیچ نوع از انواع حکومت دیمقراطی یا حکومت مطلقه و استبدادی چه سلطنتی و چه جمهوری و یا انظمه اشرافی که حد متوسط بین آن دو محسوب است و حتی اقسام حکومت دنییه چه حکومت عبرانی و چه تشکیلات مختلفه کلیسای مسیحی و یا امامت و خلافت در اسلام هیچ یک نمی تواند مماثل مطابق نظم اداری بدیعی به شمار آید که به ید اقتدار مهندس کاملش ترسیم و تنظیم گشته است هر چند این نظم اداری نوظهور دارای مزایا و عناصریست که در سه حکومت عرفی مذکور نیز موجود و لیکن به هیچ وجه مطابق هیچ یک از آن حکومت نبوده از عیوب اصلیه و فطریه آنان عاری و مبراست. این نظم اداری بهائی حقایق سلیمه ای را که بدون شک در هر یک از انظمه مذکور موجود است به یکدیگر التیام و ارتباط می دهد بدون آنکه حقایق خدادادی را که آن نظم جهان آراء مبتنی بر آنست ضایع و مهمل سازد و این امریست که هرگز

انظمه فانیه بشری به اجرای آن موفق نگشته است .
نباید به هیچ وجه تصور رود که نظم اداری آئین
حضرت بهاءالله مبتنی بر اساس دیمقراطی صرف
است زیرا شرط اصلی این نوع حکومت آنست که
مسئول ملت باشد و اختیاراتش نیز متکی بر اراده
ملت و این شرط در این امر اعظم موجود نیست .
باید به خاطر داشت که الواح حضرت بهاءالله
بالصراحه حاکی از آن است که اعضای بیت عدل
اعظم در تمشیت امور اداری امرالله و وضع قوانین
لازمه مکلمه کتاب اقدس مسئول منتخبین خود نمی
باشند و نباید تحت تاثیر احساسات و آراء عمومی و
حتی عقاید جمهور مومنین و مومنات و یا نفوسی که
مستقیما ایشان را انتخاب نموده اند قرار گیرند . و
نیز نمی توان نظم بدیع حضرت بهاءالله را نظیر
حکومت استبدادی مطلق دانست و یا آنرا مقتبس از
یکی از حکومت مطلق العنان دینییه مانند حکومت
پاپ و یا امامت و نظائر آن فرض نمود و برهان
قاطع بر این امر آنکه حق مسلم تشریح احکام غیر
منصوصه بهائی فقط مختص به بیت العدل اعظم

است که اعضای آن نمایندگان منتخب پیروان حضرت بهاءالله اند و این حق مقدس را ولی امر و موسسات دیگر نمی توانند غصب نمایند و یا در آن دخل و تصرف کنند . الغا حرفه قسیسی و شعائر آن از قبیل غسل تعمید و عشاء ربانی و اقرار به معاصی عدم سلطه طبقه علما و روحانیون و فقدان امتیازات و مفساد و تمایلات بیوروکراسی این طبقه دستور طرز انتخابات بیوت عدل محلی و ملی و بین المللی به تصویب عمومی شواهد دیگری بر کیفیت غیر مستبده نظم بدیع بهائی و مشابهت آن بترتیبات دیمقراطی در اداره امور است .

واضح و مشهود است که اهداف عالییه امر بهائی را فقط می توان به وسیله نظم جهانی که حضرت بهاءالله بدین منظور تاسیس فرموده اند تحقق بخشید .

مقاصد عالییه امر الهی یعنی تقلیب روحانی عالم انسانی ، رهائی اقوام متباینه عالم از مصائب مستولیه حصول و ایفا صلح حقیقی در جهان و تولد تمدن جهانی هیچیک تحقق نمی یابد مگر در اثر حصول

تغییر و تحول اساسی در ترکیب و نحوه کار و فعالیت جامعه انسانی که بالضروره با رشد و به ثمر رسیدن نظم الهی حضرت بهاءالله ملازمه دارد. موسسات نظم اداری بهائی که حال در اثر مساعی و مجهودات مومنین و موعمنات در اطراف و اکناف جهان تاسیس می گردد مبشر و محور و نمونه آن نظم جهانی است که به مرور زمان جمیع اهل ارض از تاثیرات ثمر بخش مستفیض خواهند گشت .

حضرت ولی امرالله می فرمایند :

با نزول کتاب مستطاب اقدس ، حضرت بهاءالله

" برای نسلهای بعدی احکام و اوامر اساسی را که پایه و اساس نظم جهانی حضرتش در آینده ایام خواهد بود به ودیعه گذاشته اند ." و نیز اشاره می فرمایند که افراد جامعه بهائی که در نتیجه " سه عامل ، یکی نزول لوح کرمل از یراعه مقدس حضرت بهاءالله و دیگری صدور الواح مبارکه وصایا و سومی فرمان تبلیغی صادره از کلک مطهر مرکز عهد و میثاق الهی حیات و نشئه جدید یافته اند ، در

اثر این سه رق منشور که سه قوه عظیم را به حرکت شدید آورده است روز به روز قوی تر گردیده و آن به آن مظفرتر گردند . این سه قوه عظیمه یکی علت ظهور و تکامل موسسات امریه در ارض اقدس ، مرکز اداری امرالله و دوتای دیگر وسیله تبلیغ و استقرار نظم اداری امرالله در سایر نقاط عالم می باشد . " این سه جریان اگر چه از یکدیگر متمایزند ولیکن اجزا و ارکان یک امر محسوب می گردند . پیشرفتها و اقداماتی که در مرکز جهانی امرالله یعنی قلب و مرکز اعصاب نظم اداری بهائی صورت می گیرد هم در حیات هیكل جامعه جهانی بهائی تاثیر شدید دارد و هم متاثر از نبضان حیاتی جامعه مزبور است . بهترین تعبیر آن است که نظم اداری بهائی وسیله اصلی برای اجرای فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء یعنی نقشه الهی بوده و نقشه مزبور نیز واسطه پرقدرتی برای توسعه و پیشرفت سازمان اداری امر بهائی است . بنابراین برای رشد و توسعه متین و متعادل امر الهی و تحقق سریع نظم جهانی

باید به این هر سه جریان توجه مخصوص مبذول گردد.

در اهمیت نظم اداری در پیامهای معهد اعلی چنین مرقوم رفته :

شناخت نظم اداری بهائی و ارکان اصلیه آن و نظامات حاکم بر آن از جانب ما ، پیروان این آئین نازنین که حاملان دریاق اعظم ، برای جهان ستمدیده می باشیم حائز اهمیت فراوان است زیرا نظم اداری از جهتی به "مثابه صدفی برای حفظ و صیانت گوهر گرانبهای امرالله است و به مرور زمان واضح و مبرهن خواهد شد که این نظم عامل اصلیه ایست که این شرع انور را به مرحله نهائی وارد خواهد کرد " و از سوی دیگر مقدر است نظم اداری بهائی نمونه و الگویی برای جامعه آینده باشد . چه که انظمه حالیه تکافوی اداره امور آشفته جهان کنونی را نمی نمایند و در این مرحله بحرانی از تاریخ عالم انسانی که حیات فردی و اجتماعی انسان دچار آشفتگی و آشوب همه جانبه گردیده است این نظم الهی تنها راه نجات عالم

بشری از آلام و اسقام مستولیه برآن است زیرا این
بسی واضح است که کسانی که زبان به نکوهش و
ذکر عیوب نظم قدیم می‌گشایند و حتی حاضرند که
نظم کهن را منسوخ و معدوم سازند خود از ارائه نظم
و ترتیبی که بتواند جایگزین نظم قدیم شود عاجز و
قاصرند .

سیر تکاملی دیانت بهائی

حضرت ولی امرالله در این باره می فرماید :

" ... ای یاران جان نثار به یقین مبین بدانید که در نتیجه وقایع خطیره جسمیه که در پیش است و انتصارات باهره که آثار اولیه اش در جامعه بهائی حال نمایان گشته و در اثر تاییدات لاریبیه الهیه و انقلابات جهان که متتابعاً متزایدا از پس پرده قضا ظاهر و پدیدار می گردد امر عزیز الهی در عهد آتیه عصر تکوین که عصر ثانی دور بهائی است و در عصر ذهبی که عصر ثالث و اخیر نخستین دور کور مقدس است مراحل باقیه را در کافه ممالک و دیار که به انوار ساطعه اش در این قرن پرانوار منور گشته طی نماید و وعود الهیه که در خزائن صحف قیمه مخزون است کل تحقق یابد دوره مجهولیت که اولین مرحله در نشو و نمای جامعه اهل بهاست و مرحله ثانیه مظلومیت و مقهوریت که در وقت حاضر در کشور مقدس ایران امر مبارک جمال ابهی آن را طی می نماید هر دو منقضی گردد و دوره

ثالث که مرحله انفصال شریعت الله از ادیان منسوخه عتیقه است چهره بگشاید و این انفصال بنفسه مقدمه ارتفاع علم استقلال دین الله و اقرار و اعتراف به حقوق مسلوبه اهل بها و مساوات پیروان امر جمال ابهی با تابعان ادیان معتبره در انظار روسای جهان و این استقلال معهد سبیل از برای رسمیت آئین الهی و ظهور نصرتی عظیم شبیه و نظیر فتح و فیروزی که در قرن رابع از میلاد حضرت روح در عهد قسطنطین کبیر نصیب امت مسیحیه گشت و این رسمیت به مرور ایام مبدل و منجر به تاسیس سلطنت الهیه و ظهور سلطه زمنیه شارع این امر عظیم گردد و این سلطنت الهیه مآلا به تاسیس و استقرار سلطنت جهانی و جلوه سیطره محیطه ظاهری و روحانی موسس آئین بهائی و تشکیل محکمه کبری و اعلان صلح عمومی که مرحله سابع و اخیر است منتهی گردد این است که می فرماید " این ظلمهای وارده عظیمه تدارک عدل اعظم الهی می نماید و این عدل اعظم یگانه اساس صلح اعظم و صلح اعظم کافل و ضامن استقرار وحدت اصلیه ملل و امم و این وحدت

اصلیه کاشف سلطنت اسم اعظم در سراسر عالم
خواهد بود . و این مرحله اخیره بنفسه مقدمه ظهور و
جلوه مدنیت حقیقیه الهیه و بلوغ عالم به رتبه کمال که
اعلی المراتب است و تبدیل ارض به قطعه از فردوس
اعظم " اذا ترى الارض جنه الابهی " " فسبحان ربنا
البهی الابهی و سبحان ربنا العلی الاعلی ... "

تقسیمات نظم بدیع

نظم بدیع حضرت بهاءالله که می توان آنرا مجموعه ای از تعالیم دیانت بهائی دانست و منشا آن در درجه اول کتاب مستطاب اقدس و در درجه دوم الواح وصایای حضرت عبدالبهاست و قرار است که اهداف عالیه دیانت مقدس بهائی را به انجام رسانده و عصر پر انوار ذهنی را به بشریت ارزانی دارد مراحل مختلفی را باید طی می نماید .

حضرت ولی امرالله در توفیق مبارک نوروز ۱۱۰ بدیع در این باره می فرمایند "ای یاران جانثار به یقین مبین بدانید که در نتیجه وقایع خطیره جسمیه که در پیش است و انتصارات باهره که آثار اولیه اش در جامعه بهائی حال نمایان گشته ..."

و هیکل مبارک مراحل مزموره را ۷ مرحله به شرح زیر بیان می فرمایند اول مرحله مجهولیت

دوم مرحله مظلومیت

سوم مرحله انفصال

چهارم مرحله استقلال

پنجم مرحله رسمیت

ششم مرحله تاسیس سلطنت الهیه

هفتم مرحله استقرار سلطنت جهانی و وحدت عالم

انسانی

و بعد درباره هر کدام از این مراحل توضیحاتی و
تبینات کافی و وافی می فرمایند که برای اطلاع بیشتر
باید به اصل توقیع مبارک مراجعه شود فعلا مراحل
اول و دوم طی شده و ما در حال گذراندن مرحله سوم
و آغاز ورود به مرحله چهارم می باشیم .

مراحل هفت گانه سیر تکاملی استقرار شریعت الله بر بسط غیرا

حضرت ولی عزیز امرالله مراحل مختلف نشو و
ارتقای شریعت الله را از ابتدای بعثت حضرت رب
اعلی تا سلطنت الهیه طی هفت مرحله اعلام فرموده
اند .

۱- دوران مجهولیت

۲- مظلومیت یا مقهوریت

۳- انفصال

۴- استقلال

۵- رسمیت

۶- سلطنت الهیه

۷- حکومت جهانی

۱- دوران مجهولیت

اولین دوره از دوران هفت گانه استقرار شریعت الله در بسیط غربا دوران مجهولیت است . این دوران گرچه مظهر هر ظهوری ادعای خود را فاش ساخته و امر الهی را اعلام فرموده ولی ظهور و بروزش تا مدتی از انظار اهل عالم مخفی و پنهان است زیرا طبقه عوام از آن بی اطلاعند و طبقه خواص هم آن را جدی نمی گیرند . دوران مجهولیت که در تمامی ادیان آسمانی جریان دارد در دوران حضرت مسیح حدود ۴ سال طول کشید یعنی ۴ سال بعد از شهادت حضرت مسیح با شهادت استیفان که در سال ۳۷ میلادی روی داد امر مسیح مورد توجه روسای دین یهود و اهالی ساکن در اراضی مقدسه قرار گرفت و به آن اهمیت داده شد و از مرحله مجهولیت درآمد . در دیانت اسلام این دوره حدود سه سال بود که حضرت محمد امر خود را علنی نساخته بود و فقط به اطرافیان نزدیکش از جمله خدیجه حرم مبارکش و حضرت علی پسر عمش و یکی دو تن از اقربا امر

مبارک را اعلام نموده بود و در سال چهارم بود که ظهور خود را علنا اظهار نمود و دیانت اسلام از حالت مجهولیت بدر آمد . اما دوران مجهولیت دیانت بابی بسیار کوتاه مدت و از همان ابتدای ظهور در نتیجه عکس العمل شدید علما که عده ای موافق و عده ای مخالف شدند از مجهولیت درآمد و با واکنش شدید دولت در قلع و قمع اصحاب اولیه در واقعه قلعه طبرسی و زنجان و نیریز به اوج خود رسید . دوران مجهولیت دیانت بهائی بعد از اظهار امر خفی حضرت بهاءالله در سیه چال طهران آشکار و قبل از اظهار امر علنی در بغداد پایان پذیرفت . زیرا عده زیادی از اصحاب حضرت باب که در بغداد ساکن بودند پی به شخصیت والای حضرت بهاءالله برده و با نزول کتاب ایقان که متمم کتاب بیان بود دوران مجهولیت دیانت بهائی به سر آمد . اقدام بی نتیجه دولتیان در به شهادت رساندن حضرت اعلی و شهید نمودن ۲۰ هزار نفر از مومنین اولیه و حبس و تبعید حضرت بهاءالله طی شدن دوران مجهولیت را تسریع نمود و امر مبارکش از مرحله مجهولیت که اولین

دوره از مراحل هفت گانه می باشد با سرعتی غیر قابل تصور عبور نمود .

به طور کلی دوران مجهولیت دوران بسیار کوتاهی است که معمولا تا شناسائی امر جدید در تمامی ادیان سابقه دارد در دیانت حضرت مسیح این دوران ۳ سال بود دوران مجهولیت اسلام حدود ۴ سال بود که با گرویدن عده ای از فامیل و دوستان حضرت محمد دیانت اسلام از مجهولیت در آمد و آشکار گردید و مخالفت معاندین و مخالفین شدت گرفت دوران مجهولیت دیانت بابی که از زمان محمد شاه قاجار شروع شده بود بسیار کوتاه بود و با تیراندازی به ناصرالدین شاه پایان گرفت و از مجهولیت در آمد . دوران مجهولیت دیانت بهائی بعد از اظهار امر خفی حضرت بهاءالله آشکار و در دوران بغداد حتی قبل از اظهار امر علنی پایان یافت زیرا شخصیت حضرت بهاءالله و نزول کتاب ایقان باعث شده بود که عده زیادی پی به شخصیت والای ایشان ببرند . بیت العدل اعظم الهی در پیام مورخ رضوان ۱۹۹۲ در مورد

نتایج و دست آورده های نقشه ۶ ساله که پیروزمندانه خاتمه یافت . می فرمایند : خروج بارزتر امر الهی از مرحله مجهولیت را در بازتابهای شخصی که داشته است می توان مشاهده نمود از جمله در محافل فرهنگی در کتب مرجع و در وسائط خبری به نحو روز افزونی از امر بهائی به عنوان یکی از ادیان عمده یا اصلی یاد می شود . در اثر تشدید مجاهدت احبا در اعلان امرالله بر حجم مطالبی که درباره اقدامات جامعه بهائی به وسیله وسائل ارتباط جمعی منتشر می شود بسیار افزوده شده از این مهمتر آنکه موسسات و منابع خبری راسا نیز علاقه مند به کسب خبر از جامعه بهائی شده اند و در نقاط مختلف جهان به ابتکار خود با جوامع بهائی تماس می گیرند

۲- دوران مظلومیت یا مقهوریت

دوران مظلومیت که به آن دوران مقهوریت نیز می گویند معمولاً دوره ایست که اصحاب و مومنین مورد اذیت و آزار حکومت و علما و متعصبین قرار می گیرند .

دوران مقهوریت دیانت بابی با تیر اندازی به شاه شدت گرفت و باعث شهادت حدود بیست هزار شهید و حبس و اسیر شدن عده زیادی از مومنین گردید که حتی از معاشرت با یکدیگر هم واهمه داشتند که شرح بابی کشی و شهادت آنها در کتب تاریخی امری و غیر امری مسطور است .

دوران مظلومیت یا مقهوریت با واقعه رمی شاه قاجار شدت گرفت و باعث شهادت عده زیادی از اکابر بابیه و هجرت بسیاری به بغداد گردید . در این دوره بابی کشی رواج یافت و اصحاب و افراد بابی حق حیات نداشته جان و مال عیال و اولاد آنان در معرض خطر بود در دوران دیانت بهائی این دوره به صورتی دیگر جلوه نمود گر چه از شدت فشار

کاسته شد ولی باز هم با بروز تضییقات از قبیل اخراج از ادارات یا عدم به رسمیت شناختن ازدواج و مراحل مختلف دیگر ادامه یافت که خوشبختانه دورانش بس کوتاه بود و احبا با استقامت خود در مقابل شدائد ثابت نمودند که حاضرند جان خود را فدا نمایند و کلمه تبری بر زبان جاری نسازند .

دوران مقهوریت متاسفانه به علت بروز تعصبات جاهلیه در دوران مشروطیت کم و بیش ادامه داشت و بازار رديه نویسی و اذیت و ایذا احبا به صور مختلف و ایجاد انجمن حجتیه و تبلیغات اسلامی رواج یافت. و در دوران جمهوریت به اوج خود رسید و باعث حرق و نهب منازل و محل کسب عده زیادی از احبا و اخراج از کار و دانشگاه و دبیرستان و شهادت بیش از ۲۳۰ نفر از نخبه احبا و اعضای محافل ملی و محلی و هیات معاونت گردید و بیش از ۷۰۰ نفر از احبا گرفتار سجن های دراز مدت و کوتاه مدت شدند و متاسفانه این جریان هنوز هم ادامه دارد ولی استقامت احبا طلیعه ظهور دوران انفصال قطعی و

استقلال را در ایران می دهد . البته در بیشتر کشورهای مختلف جهان این دوران وحشتناک یا اصلا اتفاق نیفتاده و یا آن را از سر گذرانده اند و حتی به استقلال و رسمیت هم رسیده اند شدت تابش شمس ظهور سبب شد که امر الهی تقریبا بلافاصله به مرحله ثانی -مظلومیت و مقهوریت وارد شود . طوفان ظلم و اعتساف بر نهال نوپائی که در ارض اراده الهیه غرس شده بود ، با شدت وحدتی عظیم وزیدن گرفت و وقایع مدهشه ای از جهل و جفا ، قتل نفوس و نهب اموال بر پیروان امر بدیع وارد شد . این طوفان مهیب گاه با شدتی عظیم و گاه با حرکتی بطنی ، همچنان جریان داشته و تا زمانی که اراده غالبه الهیه به ندای " اسکنی" تعلق گیرد و امر امر حقیقی آن را با آرامش و سکون امر فرماید ، از حرکت باز نایستد

۳- دوران انفصال

در این دوره مسئله فرقه ای از یکی از ادیان سالفه بودن روشن گشته و بر مدعیان واضح می گردد که دین است و فرقه نیست .

دوران انفصال که هم اکنون در آنیم دوره ایست که دیانت بهائی را باید به عنوان یک دین مستقل شناخت نه یک فرقه زاییده از اسلام در این دوران امر مبارک با داشتن برنامه های جهانی از جمله رادیو پیام دوست و برنامه آئین بهائی که از تلویزیونهای خارج پخش می شود و همچنین با بیانات و پیامها و ابلاغهای معهد اعلی و برنامه ریزی احبا همانند طرح روحی و شرکت در خدمات اجتماعی کم کم مراحل انفصال را طی می نماید و دیگر آن را یک فرقه آن هم ضاله نمی دانند. در این مرحله شریعت الله از ادیان منسوخه عتیقه منفصل شده به عنوان یک آئین الهی که از منبع وحی منبعث شده مورد تأیید و شناسائی قرار می گیرد و جز فرقه ای از ادیان سالفه بودن روشن می گردد.

حضرت ولی امرالله در توفیق مبارک قرن خطاب به احبای شرق توضیح دادند که بر وجه نظم بدیع الهی نقابی قرار داشت در پی حکم محکمه در مصر در سال ۱۹۲۵ که آئین الهی را دینی مستقل توصیف کرد این نقاب از رخ نظم بدیع الهی برداشته شد . (اصل بیان مبارکه در مجموعه توقیعات مبارکه صفحه ۹۵ مندرج است .) در این رای از جمله صریحا اعلام شده است که " و من جمیع ما یتقدم یثبت قطعا ان البهائیه دین جدید قائم بذاته . له عقائد و اصول و احکام خاصه . تغایر و تناقض عقائد اصول و احکام الدین الاسلامی تناقضا تاما و لایقال للبهائی مسلم و لا العکس . کما لایقال بوذی او برهمی او مسیحی مثلا مسلم و لا العکس للتناقض فیما ذکر . "

حضرت ولی امرالله در این باره در یکی از توقیعات می فرمایند : و در جراید مصر رسما این واقعه اعلام گردید که دیانت بهائی دینی مستقل است و ربطی به اسلام ندارد .

درباره اعلامیه جامعه الازهر بزرگترین مرجع دینی
مسلمین در مصر جریده مشهور الاخبار چنین می
نویسد :

ترجمه از جریده مصری " الاخبار " مورخ دوازدهم
جولای ۱۹۵۵

آزادی رای و عقیده در اسلام

در مجله بالغه " آخر ساعته " مقاله فصیحی بقلم استاد
نشاشیبی مطالعه شد که در آن راجع به تضییقات
وارد بر بهائیان مطالبی مرقوم و در خاتمه سئوالی
طرح شده بود که آیا این اضهادات و تضییقات با
تعالیم عالیہ اسلامیہ و روح عدل پرور آن موافقت
دارد یا نه ؟

نگارنده این سطور معتقد است که اسلام بزرگترین
دینی است که کافل آزادی رای و عقیده و عاری از
نقیصه است هر فردی از افراد بشر مادام که در
راحت و امان زندگی می کند و مخل نظم و آسایش
عمومی نیست حر و آزاد است و سلاح اسلام اتیان
دلیل در مقابل دلیل است و همچنین اسلام توصیه
نموده که با غیر مسلم به نیکی و انصاف و انسانیت

بوجه اکمل معامله شود ولو آنکه از عبده اوئان (بت پرست) باشند بر طبق تعالیم پیغمبر اسلام که الهام الهی است این آیات قرآن کریم معرف دین است قوله تبارک و تعالی **لکم دینکم ولی دین "** و **فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر "** یعنی دین شما از برای شما و دین من از برای من هر کس مایل است ایمان بیاورد و هر کس می خواهد کافر بماند " و اما آیات مبارکه **" تقاتلو نهم او بعلمون و اقتلوا لمشرکین حیث و جد تموهم "** را نمی توان با اوضاع حاضر منطبق نمود زیرا این آیات مبارکه مخصوص مشرکین عرب بوده که بر ضد رسول خدا بمحاربه قیام کرده بودند و آن گروه کلا از بین رفته و وجود خارجی ندارند چنانچه علامه شهاب الدین شلبی در این باره تحقیقاتی نموده است و می گوید طبق تحقیقاتی که نموده و مطالعاتی که کرده رسول خدا و خلفا او از همان آتش پرستان نیز حمایت می کردند و آزادی ایشان را محفوظ می داشتند چرا در ایران تحت تضییقات قرار می گیرند و علماء خونشان را مباح می دانند و اموال و معابدشان را متصرف می شوند؟

خداوند تعالی ما را امر فرموده که با غیر مسلم مدام که رفتارشان مسالمت آمیز است به عدالت و جوانمردی رفتار نمائیم چنانچه در سوره ممتحنه وارد است و قبل از آنکه راجع به مساجد توصیه فرماید راجع به معابد غیر مسلمین سفارش فرموده است چنانکه در سوره حج می فرماید : " ولو دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بیع و صلوات و مساجد " یعنی اگر نمی بود دفع خدا مردمان را بعضی از ایشان را به بعضی هر آینه ویران کرده شده بود صومعه ها و معبدها نمازها و مسجدها وقتی یکی از صحابه حسین انصاری از دو پسر خود به نزد رسول شکایت برد که آنها متمایل به دین نصاری هستند حضرت فرمود آنها را در دین خود آزاد بگذارید در این حین این آیه مبارکه نازل شد " لا اکراه فی الدین " اسلام حتی با مرتدین نهایت گذشت را رعایت نموده و کسی از ائمه دین چه در گذشته و چه در زمان حال راضی به قتل آنان نشده و اگر نفوسی معتقدند که باید به قتل برسد آنان نمی توانند یک آیه از قرآن بر صحت اعتقاد خود اتیان نمایند و

اما احادیثی که مورد استدلال علمای ماست یا مجهول است و یا ضعیف و هر حدیث آحادی البته مفید علم و یقین نیست چنانکه غزالی و اسنوی بدان اشارت نموده اند پس ای علما روحانی و ای صاحبان فضل و مقام در ایران و مصر و سائر بلدان اسلامی با تعصب مذموم خود به اسلام ستم نمائید .

غزالی حرب مدرس خدیویه ثانویه

درباره انحلال محاکم شریعه روزنامه آخر ساعته که از روزنامه های معتبر مصر بود در شماره ۱۰۱۲ مورخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۵۵ می نویسد :

(جلسه قضاة شرعی) برای همیشه از بین رفت ۲۱۲ قاضی شرع شصت هزار قصبه شرعیه مصر در این هفته از لغو محاکم شرعی و مجالس ملی حرف می زند . قرار این کار در وقت مناسب و بصور مناسب و به طریق مناسب داده شد . مردم گفتند این قدمی بود که با خلع فاروق در امنیت برابری می کرد و مسئولین اظهار داشتند که این عمل

از جمله امور مهمه برای بر انداختن فساد در مصر بود. در ساعت هشت شب پنجشنبه گذشته خبری شایع شد که محاکم شرعی و عرفی یکی شده بامداد آن شب اثر ناگهانی این خبر که وزیر عدلیه آن را خبر داده بود بالطبع در محاکم شرعیه قاهره ظاهر گردید مثلاً در (حلیمه) اثر یکی شدن محاکم به صورت عجیبی جلوه گر شد. اجتماعاتی در هر یک از کانونهای مدافعین شرعی به وقوع پیوست که آقایان با عمامه های سفید در حالی که سرهای بعضی از آنان به طرف بعضی دیگر خم شده بود تا در قانون تفسیر خاصی بکنند. یکی از وکلای مدافع شرع که روزنامه صبح را در دست داشت بدرستی گفته خویش به چند سطر از مندرجات آن استدلال می کرد قاضیهای شرع به تندی کارهایی را که در دست داشتند ترک نمودند سپس به اطاق مخصوص خود رفته درها را به روی خویش بسته شروع به مناقشه درباره اقدام به کار خود نمودند. و بعد از آن متصدی هم در محضر محکمه عالیّه همه چیز را واگذار به هیات جدید نمود در حالیکه جلو در محکمه نشست و

به دقت به گفتگو‌هایی که در اطرافش جریان داشت و چیزی از آن سردر نمی آورد گوش می داد بالاخره سرش را به حیرت تکان داد گمان کنم بزودی به محکمه جنایات هم احضار شوم .

در اولین روز الغای محاکم شرعی بعضی از مدافعین به جانب شعبه محکمه شرعی محل رفته درباره کلمه (الغای محاکم شرعیه) که با خط درشت نشر شده بود اعتراض کردند . یکی از حضار پرسید آیا تنها همین است که شما را مکدر کرده ؟ همگی به یک بار فریاد بر آوردند که آری واجب بود که به لفظ مناسب دیگری از قبیل (داخل کردن یا ضمیمه ساختن) نوشته می شد تا دشمنان ما را سرزنش نمی کردند . مفتی شرع مصر می گوید:

رای مفتی در الغای محاکم شرعیه چیست؟
شیخ حسن مأمون که زندگی خود را در محاکم شرعی گذرانده است چه می گوید؟

در هفته گذشته مفتی مصر با روزنامه (آخر ساعه) به صراحت گفتگو کرده اظهار داشت بیگانه چیزی که او را ناراحت کرده این است که مردم یکی شدن

محاكم عرفی و محاكم شرعیہ را بحادثہ شیخ شبل مربوط بسازند حتی بعضی معتقدند کہ قاضیہای شرع تماما مانند شیخ شعبی هستند و حال آنکہ حقیقت امر در جریان واقعہ بر خلاف این است و من خود می دانم کہ راہ اصلاح منحصر بہ همین قانون صریح بود کہ محاكم شرعیہ منحل و محاكم عرفی قضائی در آن ادغام و یکی شدند . پایان مقالہ

در کتاب قرن بدیع جلد چهارم فصل ۲۴ ترجمہ فرمایشات حضرت ولی امراللہ را از کتاب گادپاسزبای چنین نقل می نماید :

ہنگامی کہ نظم اداری امر حضرت بہاءاللہ در شرق و غرب عالم استقرار می یافت و اساس و شالودہ آن بہ کمال متانت و اتقان نہادہ می شد آئین الہی در یکی از اقراء دور افتادہ در قطر مصر از جانب مصادر امور و روسای مذہبی آن دیار مورد حملہ شدید قرار گرفت ، حملہ ای کہ از لحاظ تاریخ فصل جدیدی در مسیر ترقی و تکامل امراللہ باز نمود و موقعیت خطیر و بی نظیری در عصر تکوین این دور اعظم بل در

تمام قرن اول بهائی ایجاد کرد . این تحول عظیم که در نتیجه تعرض اعداء حاصل گردید شریعه اله را از مرحله مظلومیت به مرحله انفصال و استقلال سوق داد و راه را برای رسمیت آئین رحمانی و تاسیس سلطنت الهی و استقرار حکومت جهانی بهائی که در مستقبل ایام به کمال عظمت و جلال جلوه گر خواهد گردید هموار نمود .

انفصال امرالله در کشور مصر مرکز عالم عربی و اسلامی که از طرف روسای اهل سنت و جماعت اعظم شعبه اسلام اعلان و در اثر اقدامات و تشبثات جمعی از پیشوایان آن قوم به منظور جلوگیری از فعالیت بعضی از یاران الهی که در بین آنان حائز مشاغل رسمی مذهبی بودند تشدید گردید بر حیثیت و اعتبار نظم اداری دین الله بیفزود و پایه و اساس آن را مستحکم ساخت . بدیهی است چون این حرکت و تطور عجیب به سایر ممالک اسلامی سرایت نماید و اهمیت آن از طرف پیروان دیانت مسیح و اسلام چنانکه باید و شاید احساس شود آنگاه است که دوره انتقال که اکنون امرالهی در مرحله تکوین و تقدم

خویش در آن سائر است به سرغت رو به اختتام خواهد رفت . در کوم الصعایده یکی از قصبات گمنام مصر واقع در ناحیه ببا از ولایت بنی سویف در مصر علیا به علت تاسیس محفل روحانی از طرف جمع قلیلی از دوستان ، کدخدای محل برآشت و نایره حسد در قلبش شعله ورگردید و یاران حضرت رحمان را نزد مقامات انتظامی مملکت و حکمران ولایت به مخالفت با شرع انور متهم ساخت به نحوی که عرق عصیبت جهال به حرکت آمد و ضوضاء شدید برپا شد و رئیس ثبت که سمت حکومت شرع و نمایندگی وزارت عدلیه را دارا بود علیه سه نفر از بهائیان آن سامان اقامه دعوی نمود و از مراجع قضائی انفصال و آزادی زوجات ایشان را به استناد اینکه ازدواجشان طبق مقررات شرعی اسلامی به عمل آمده و حالا که آنها از دیانت اسلام دست کشیده و به آئین بهائی اقبال نموده اند خواستار گردید . در تاریخ دهم می ۱۹۲۵ حکم محکمه شرعی در این باره صادر و از طرف عالی ترین مقامات روحانی مصر در مدینه قاهره تایید گردید و متن آن انتشار یافت . به موجب حکم

مذکور علمای سنت عقد ازدواج بین بهائیان مذکور و زوجاتشان را فسخ و ارتداد و کفر متمسکین به شریعه ربانیه و انفصال و استقلال امر حضرت رب البریه را از سایر شرایع قبلیه اعلام نمودند . با صدور این حکم محکم حجاب اعظم دریده شد و حقایق مکنونه مستوره مکشوف گردید و آنچه را که دشمنان امرالله در شرق و غرب از اقرار و اعتراف به آن طی سنین متمادی خودداری و یا اظهار جهل و عدم اطلاع می نمودند علی ملا الاشهاد اعلان گردید . در حکم مذکور با قید حدود و احکام دیانت اسلام و تشریح اصول و مبادی این امر اعظم و استدلال به بعضی از آیات مقدسه کتاب اقدس و الواح منزله از قلم مرکز میثاق و پاره ای از جمل و عبارات از رسائل جناب ابوالفضل و درج شمه ای از مقررات بهائی اصالت دین مبین اثبات و خروج متهمین از شریعت حضرت سیدالمرسلین اعلام و به صراحت بیان تاکید گردیده که " ان البهائیه دین جدید قائم بذاته له عقاید و اصول و احکام خاصه بتغایر و تناقض عقاید و اصول و احکام الدین الاسمی تناقضا تاما فلا یقال

للبهائی مسلم و لا العکس کما لا یقال بوذی او برهمی او مسیحی مثلا مسلم و لا العکس للتناقض فی ما ذکر . " با الغاء عقد زواج و دستور انفصال ازدواج بهائی از زوجات خود مقرر می دارد " من تاب و آمن منهم و صدق بكل ماجاء به سیدنا محمد رسول الله ... و عاد الی الدین الاسمی الکریم عوده صحیحه فی نظر اسلام و المسلمین حقا ... و سلم بان سیدنا محمد هو خاتم النبیین و المرسلین لا دین بعد دینه و لا شرع ینسخ شرعه و ان القرآن هو آخر کتب الله و وحی لانبیائه و رسله ... قبل منه ذلک و جار تجدید عقد زواجه . " صدور این حکم محکم از طرف اعداء امرالله در کشوری مانند مصر که داعیه قیادت و رهبری اسلام و تجدید مقام خلافت را داشت اولین سند و منشور قاطعی محسوب می گردید که انفصال امر حضرت بهاءالله را از سنن و احکام اسلامیہ ابلاغ و راه رابرای احراز اصالت و رسمیت آئین بهائی هموار می نمود . این شهادت رسمی که بادلہ صریحه متکی و به تائید مقامات روحانی آن اقلیم موکد بود و علمای شیعه در ایران و عراق در

طول یک قرن به کمال سعی و اهتمام از اظهار آن خود داری می نمودند بر دهان منکرین و معاندین این امر اعظم من جمله روسای ملت روح در غرب که امر بهائی را یکی از شعب مذهبی و یا شعبه ای از دیانت بابی و یا فرقه ای از فرق اسلامی و یا ترکیبی از مذاهب مختلفه متنوعه می شمردند مهر سکوت زد و به کمال صراحت و تاکید اثبات نمود که آئین بهائی آنینی است مستقل و دارای اصول و قوانین مخصوص و احکام و سنن معلوم که از سایر ادیان و شرایع عالم متفاوت و متمایز است .

در کتاب نفیس بحر پر گهر جناب هوشمند فتح اعظم درباره انفصال که مرحله سوم از ۷ مرحله تکامل الهی است می نویسند :

در زمان قیادت حضرت ولی امرالله هنوز اکثر نقاط جهان ، آئین بهائی را شعبه ای از اسلام می پنداشتند . چون امر بهائی در بستر کشور اسلامی ایران پیدا شده بود و ناچار اسامی تاریخی بزرگان و پیروان این آئین جدید اسامی اسلامی بود ، این فکر غلط در نزد

بسیاری از مردم ، حتی مورخین ، قوت گرفته بود . معلوم است که این تصور نادرست چقدر سبب تالم حضرت شوقی افندی بوده است و از نخستین سال های عصر تکوین به انحای مختلف سعی ایشان در این بود که استقلال امرالله را تثبیت نمایند و آئین جدید را به عنوان شریعتی مستقل و جهانی بر اهل عالم بشناسانند . در آثار خویش به شرق و غرب این موضوع را مکررا ذکر می فرمودند ، زیرا در آن زمان اهل بهاء چه در شرق و چه در غرب هنوز بعضی از سنن و عادات و تقالیدی که میراث اجدادشان بود ، با خود داشتند ، حتی مثلا بهائیان اروپا به عضویت خود در کلیسائی که قبلا عضو آن بودند ، ادامه می دادند ، یا در ایران هنوز بودند بهائینی که در ایام عاشورا روضه خوانی در منزل خود برپا می داشتند . این بود که حضرت ولی امرالله به تدریج و با حکمت ، ولیکن در نهایت قدرت ما را از استقلال آئین حضرت بهاءالله آگاه ساختند . مثلا اصرار فرمودند که ایام محرمه بهائی را مراعات کنند، حتی به خاطر لزوم رعایت ایام محرمه بهائی ،

مدارس بهائی را فرمودند تعطیل شود ، ولی در تمکین به حکم دولت در بازنگاه داشتن مدرسه در ایام مخصوصه امتناع ورزیدند تا مردم ایران بدانند که امر بهائی خود دارای احکام و مناسکی مستقل از اسلام است . تا آن که فرصت مغتنمی به دست آمد و در مصر در قضیه ی ازدواج بهائی بین دو جوان مصری ، علمای اسلام در آن سامان غوغائی برپا کردند و هیاهویی به راه انداختند ، تا این که این قضیه به محکمه شرعیه مصر ارجاع شد . محکمه برای آن که امر بهائی را بی اعتبار سازد و پیروان این آئین را مرتد شمارد ، حکم صریح و مفصلی داد و بر انفصال امر بهائی از اسلام تاکید کرد .

حضرت ولی امرالله در توقیع شباط ۹ فوریه ۱۹۲۷ این کوشش علمای اسلام را در مصر که اعلی محکمه شرعیه در اکثر ممالک مسلمان است ، به عنوان بشارتی به بهائیان شرق و غرب ابلاغ فرمودند و اکثر متن آن را نیز به نقل حکم دادگاه عالی شرع در آن توقیع گنجانند می فرمایند :

" از جمله بشارت اولیه و علائم فرح بخش غلبه و

اعلان امرالله و استعلاء و استقلال دین الله و استخلاص و انفصال شریعه الله از سنن و شرایع متنوعه سابقه ، قرار نهائی و اعلام صریح رسمی محکمه شرعیه قطر مصر است که بعد از تفحص تام و تحری و تجسس کامل و مباحثات و مناقشات و تدقیقات متینه به اطلاع و تصویب حکام و روسای شرع انور صادر گشته و رسماً ابلاغ گردیده و طبع و انتشار یافته . هرچند این حکم محکمه شرعیه ، پیروان شریعت حضرت بهاءالله را از ملحدین و مرتدین شمرده و از کفار انگاشته و خارج از ظل شریعت محمدیه دانسته و حکم فسخ عقد زواج بین طرفین از بهائی و غیر بهائی صادر نموده ولی به صریح عبارت و مستند بر استشادات و استدلالات منصوصه قاطعه ی مقتبسه از کتاب اقدس و کتاب عهد و کتاب ایقان و سوره هیکل و هفت وادی و الواح شتی که در نصوص آن حکم مسطور و مندرج است ، شهادت داده و اقرار و اعتراف نموده که آنین بهائی دینی است جدید و مستقل و دارای احکام و سنن و قواعد و اصول مخصوصه ..."

درباره انفصال امرالله در پاکستان مجله عندلیب در اولین شماره خود که به سال ۱۳۶۰ در کانادا توسط لجنه ایران کانادا و تحت اشراف محفل مقدس روحانی ملی کانادا هر سه ماه یکبار به زبان فارسی منتشر می شود نوشته است :

یک فرمان در مورد متمم قانون اساسی که برای این کشور پیش بینی شده از جانب ریاست جمهوری پاکستان در تاریخ هشتم آپریل ۱۹۸۱ در راولپندی صادر گردیده امر بهائی به عنوان امری مجزا از اسلام اعلام شده است . این قدم قابل توجه رسماً امر بهائی را به عنوان یک اقلیت مذهبی در یک کشور مسلمان شناخته و در روزنامه کراچی پرس به زبانهای انگلیسی وارد و گزارش شده است . متن فرمان به شرح ذیل است :

غیر مسلمان کسی است که مسلمان نیست که شامل شخصی می شود که منتسب به مسیحیت ، هند و سیک ، بودائی یا جامعه پارسی یا اشخاصی از گروه طبقه بندی شده و مذهبی باشد .

۴- دوران استقلال

مرحله چهارم دوران استقلال است که این آئین را با سایر ادیان الهی برابر و مساوی می دانند .

چهارمین مرحله از مراحل هفت گانه نشو و ارتقای آئین جهانی بهائی که قرار است بسیط غیرا را رشک بهشت برین نماید دوران استقلال است . این دوره که بعد از دوره انفصال و وابسته بودن به ادیان عتیقه رخ خواهد داد و به عنوان یک دین مستقل همانند سایر ادیان آسمانی صاحب کتاب شناخته خواهد شد از طرف مجامع رسمی ممالک مختلفه دارای همان حق و حقوقی می گردد که سایر ادیان دارند و دیگر تبعیضی در بین نخواهد بود و پیروان آن مورد اذیت و آزار قرار نخواهند گرفت و این دوره مقدمه ایست برای رسمیت یافتن .

۵- رسمیت

مرحله پنجم مرحله رسمیت است که دین الهی در مملکتی که نطفه اولیه آن منعقد گردیده به رسمیت شناخته خواهد شد .

نظیر این جریان در به رسمیت شناختن دیانت مسیحی در زمان قسطنطین کبیر امپراتور روم شرقی وقوع یافت که بعد از اینکه قریب ۳۰۰ سال مسیحیان مورد شکنجه و آزار قرار گرفته و آنها را که به عنوان گلاادیاتور معروف بودند با حیوانات درنده و وحشی روبه رو می ساختند و از تکه پاره شدن آنها به وسیله آن درندگان تفریح می نمودند وقتی قسطنطین کبیر دیانت حضرت مسیح را پذیرفت خود مسیحی شد . دین مسیح را به عنوان دین رسمی مملکتش اعلام نمود.

و یا در ایران وقتی بساط استبدادی دوران قاجاریه برچیده شد و مشروطیت اعلام گردید یکی از مواد اصول قانون اساسی این بود که دین رسمی مملکت اسلام و مذهب شیعه است . در بیشتر کشورها دیانت

بهائی به این مرحله رسیده است بیت العدل اعظم در پیام مورخ رضوان ۱۲۲ مژده زیر را به عالم بهائی ابلاغ فرمودند شش محفل روحانی ملی رسما به تسجیل حکومت رسیده و در کشور کامبوج که در ظل نقشه نه ساله دارای محفل ملی مستقلی گردید امر الهی به شناسائی حکومت در آمده است. و در پیام مورخ رضوان ۱۹۶۷ مرقوم داشته که در کشور ایسلند و کره و لیبریا و لوکزامبورک و رودزیا اکنون قباله ازدواج بهائی را به رسمیت می شناسند و ایام متبرکه بهائی در کشور های جمهوری دومنیکن و گویان و هاوایی و ایسلند و ایتالیا و کنیا و لوکزامبرک جز تعطیلات رسمی محسوب می گردد. در حقیقت مرحله رسمیت شناسائی به عنوان دین رسمی است که در اجرای مراسم دینی و داشتن معابد آزاد است و تحت حمایت اولیای امور است.

۶-سلطنت الهیه

ششمین مرحله مرحله سلطنت الهیه است که از جزئیات آن اطلاع چندانی نداریم و باید به کلام معجز شیم حضرت ولی امرالله بسنده کنیم که فرموده اند این مرحله مرحله ظهور سلطه شارع امر عظیم است . در این مرحله قوانین و ضوابط کشوری تحت تاثیر و نفوذ احکام الهی و نظم جهانی است و مقررات مملکتی با اوامر و احکام الهی تطابق دارد .

۷- حکومت جهانی

هفتمین و آخرین مرحله این سیر تکاملی نشو و ارتقا
آئین نازنین تشکیل حکومت جهانی است که به فرموده
مبارک جلوه سیطره ظاهری روحانی موسس آئین
بهائی است که با تشکیل محکمه کبری بین المللی و
بروز و اعلان صلح عمومی مقدمه وحدت عالم
انسانی که هدف غائی دیانت بهائی است تحقق خواهد
یافت . طی این مراحل هفت گانه در جوامع مختلف
بشری یکسان نخواهد بود زیرا طی مراحل اول تا
چهارم در بیشتر ممالک یا طی شده و یا اینکه اصلا
وجود نداشته و در بعضی ممالک استقلال و رسمیت
آئین بهائی پذیرفته شده و مسلما طی مراحل ششم و
هفتم زمان می طلبد و باید در محدوده زمانی دور
بهائی که حداقل یک هزار سال تحقق یابد . در این
مرحله صلح اعظم الهی تاسیس می گردد و آغاز
عصر ذهبی شروع می شود . در این مرحله که
مرحله سابع و اخیر رشد و ارتقای امر جمال اقدس
ابهی در دور بهائی است . " جلوه سیطره ظاهری و

روحانی موسس آئین بهائی و تشکیل محکمه کبری و
اعلان صلح عمومی " متحقق خواهد شد .
مراحل هفتگانه فوق ، کل مقدمات " ظهور و جلوه
مدنیت حقیقه الهیه و بلوغ عالم به رتبه کمال که اعلی
المراتب است " خواهد بود .
به طوریکه گفته شد مراحل اول تا پنجم ، از
مجهولیت تا رسمیت ، در اقالیم و ممالک مختلفه عالم
، یکسان و همزمان نخواهد بود و در هر جا ، به
اراده غالبه الهیه ، و با ارتباط به درجه همت و ایثار
مومنین در راه تبلیغ میقاتی معین خواهد داشت و از
مرحله ششم تا بعد ، ترقی و سیطره امر در سطح
جهانی متحقق خواهد گشت . تحقق مراحل سبعة فوق
، جریان حرکت جوهری و نشو و ارتقای امر
حضرت بهاءالله جل اسمه الاعلی را در طی دور
بهائی که امتداد آن لااقل هزار سال در علم الهی معین
شده ، در بر خواهد گرفت .

مراحل ده گانه ارتقاء امرالله

حضرت ایادی امرالله ابوالقاسم فیضی اعلی الله مقاله سیر نشو و نمای دیانت مقدس بهائی را که منتهی به ایجاد مدینه فاضله و عصر پیرانوار ذهبی خواهد گردید با استفاده از بیانات گهربار مولای توانا حضرت ولی امرالله که ارتفاع امر مبارک را طی ده مرحله بیان فرموده اند به شرح زیر در کتاب فاتح دلها صفحه ۲۱۱ معرفی نموده اند :

- ۱- کور آدم - ظهور حضرت آدم (ابوالبشر)
- ۲- عهد اعلی (ظهور حضرت باب)
- ۳- باروری شجره امر الهی با شهادت ۲۰ هزار شهید (دوران مقهوریت)
- ۴- نزول وحی در سیاه چال طهران بر حضرت بهاءالله (اظهار امر خفی)
- ۵- اظهار امر علنی در بغداد (ایام رضوان)
- ۶- اظهار امر عمومی (دوران ادرنه و عکا و نزول کتاب اقدس و الواح سلاطین)

۷- عهد میثاق (دوران پرافتخار حضرت

عبدالبهاء)

۸- عهد اول عصر تکوین

۹- ابلاغ نقشه دهساله از طرف حضرت ولی

امرالله به جهانیان

۱۰- تشکیل بیت العدل اعظم الهی

جناب صالح مولوی نژاد طی مقاله مفصل و مبسوطی که در مجله پیام بهائی شماره ۹۴ صفحه ۹ درج گردیده درباره مراحل مختلف سیر تکاملی گسترش نظم بدیع می نویسند :

حضرت عبدالبهاء ارواحنا فدا در مفاوضات مبارکه درباره دوره کلیه سیر و ترقی امر الهی می فرمایند " ... هر یک از مظاهر ظهور الهیه را دوریست . زمانیکه در آن دوره احکام و شریعتش جاری و ساریست . چون دور او به ظهور مظهر جدید منتهی شود دوره جدید ابتدا گردد . و بر این منوال دورها آید و منتهی گردد و تجدید یابد تا یک دوره کلیه در عالم

وجود به انتهی رسد... دوره کلی عالم وجود را کور
گوئیم آن عبارت است از مدتی مدیده و قرون و
اعصاری بی حد و شمار و در آن دوره مظاهر ظهور
جلوه به ساحت شهود نمایند تا ظهور کلی عظیمی
آفاق را مرکز اشراق نماید و ظهور او سبب بلوغ
عالم گردد . دوره او امتدادش بسیار است . مظاهری
در ظل او مبعوث گردند و به حسب اقتضای زمان
تجدید بعضی احکام که متعلق به جسمانیات و
معاملات است نمایند ولی در ظل او هستند .

ما در دوره ای هستیم که بدایتش آدم است و ظهور
کلیه اش جمال مبارک . تشریح مفصل این دوره کلی
الهی در آثار حضرت ولی امرالله آمده است . از جمله
در پیام ثانی خطاب به کنفرانس بین القارات آمریکا
مورخ چهارم می ۱۹۵۳ مراحل این دور کلی را که
از آن به " کور " نیز تعبیر فرموده اند ، بایبانی
استعاری ، به نحوی دلنشین مشخص و مجسم فرموده
اند . در این بیان امر الهی به شجر تشبیه شده است .
این تشبیه یا بهتر بگوئیم این استعاره در قرآن مجید
نازل شده و جمال اقدس ابهی جل ذکره الاعلی همین

تعبیر را در ایقان مبارک بکاربرده و در سایر آثار مبارکه امر بهائی مکرر شده است . و در قرآن کریم می فرماید : **الله نور السموات والارض ، مثل نوره كمشكوه فيها مصباح المصباح في زجاجة . الزجاجه كانه كوكب درى يوقدمن شجره مبارکه زيتونه لاشرقیه و لا غربیه ...**"

جناب ابوالفضائل گلپایگانی ، عالم بی مثل عهد ابهی و عهد و میثاق فرموده اند : " در این آیه مبارکه نور الهی را به مشکوه تشبیه فرموده ... و لفظ شجره مبارکه را از برای مظاهر امرالله که مشارق این نور هستند به استعاره آورده . "

در توجیه شجره لاشرقیه و لاغربیه ، دانشمند ارجمند و مولف گرانقدر ، مرحوم اشراق خاوری نوشته اند : "مقصود از لاشرقیه و لاغربیه آن است که آن تجلیات و آثار عظیمه که از شجره الهیه ظاهر می شود از حدود و ثغور عالم بشری خارج و متعلق به جهان نامحدود عالم غیب الهی است که به هیچوجه محدود به حدود شرق و غرب نیست . یعنی آن کمالات و انوار ساطعه از شجره مظهر امرالله مقتبس

از شئون عالم بشری و علوم جهان نامحدود انسانی
نیست بلکه مقتبس از عالم غیب غیر محدود و منتسب
به تجلیات غیبیه حضرت رب الجنود است . " برای
سیر نشو و نمای این شجره لاشرقیه و لاغربیه در
دوره حالیه که منتهی به ظهور اعلی ثمره آن در ظل
تعالیم جمال قدم و اسم اعظم خواهد شد ، یعنی استقرار
مدنیت الهیه بر بسیط ارض ، حضرت ولی امرالله
ارواحنا فدا ده مرحله را بیان فرموده اند .

مرحله اول

حضرت ولی عزیز امرالله درباره کور آدم و مرحله اول می فرمایند: ... شجره لاشرقیه و لاغربیه که در عهد آدم ید قدرت الهیه در ارض مشیت غرس نموده در ادوار سابقه در ارض میعاد در عهد حضرت خلیل و حضرت کلیم و حضرت روح و در جزیره العرب در عهد حضرت خاتم و در کشور ایران و هندوستان در عهد حضرت زردشت و حضرت بودا و سایر انبیای الوالعزم صلوات الله علیهم اجمعین در مدت شش هزار سال متدرجا نشو و نما نموده ... در مدینه طیبه شیراز بر اثر ظهور قائم موعود ... ثمره ازلیه قدسیه را که در هویتش مکنون و مخزون بوده پس از انقضای شش هزار سال آشکار نمود ..."

منظور از کور آدم پیدایش اولین بشر بر روی زمین و یا به قولی اولین پیغمبر می باشد ظهور این بشر اولیه یا اولین پیغمبر در بیشتر کتب آسمانی و دینی هم ذکر شده از جمله در قرآن و تورات و و بند هش و کتب بابلی ها در قرآن مجید در سوره های بقره و

اعراب و و حجر و طه و ص خلق و ایجاد حضرت آدم بیان شده و در سوره بنی اسرائیل و کهف نیز به آن اشاره گشته و از اینکه تمامی فرشتگان به آدم سجده کردند فقط شیطان به این بهانه که خلقت من از آتش است و خلقت او از خاک و من از او برترم از سجده کردن خودداری نمود که به همین دلیل مورد غضب الهی قرار گرفت و از بهشت اخراج شد که البته دارای معانی و تفاسیر دیگر است در آثار مبارکه شیطان همان نفس اماره است که باعث گمراهی انسان می گردد . این مرحله با ظهور حضرت آدم در شش هزار سال قبل آغاز می شود . حضرت آدم آغازگر یکی از ادوار کلیه ظهورات الهیه است که از آن به دوره آدم یا کور آدم تعبیر شده است با طلوع کور آدم ، شجره لاشرقیه و لاغربیه و به تعبیر دیگر " شریعه الله" در ارض اراده الله غرس می شود و از این شجر ، نور الهی به عالم خلق متجلی می شود . این شجره مبارکه در مراحل اولیه رشد و نمو خود ظهورات متوالیه مظاهر حق را در بر می گیرد و بسیر مطمئن و متین خود ادامه می دهد .

در طی این مرحله ظهورات حضرت موسی ،
حضرت زردشت ، حضرت بودا ، حضرت مسیح ،
حضرت محمد و سایر پیامبران واقع می شود و هر
یک به نوبه خود و به سهم خود عالم خلق را به
مرحله بروری شجره الهیه نزدیکتر می سازد . در
طی این ادوار ، شجره لاشرقیه و لاغربیه باخون
شهدای بیشمار آبیاری شده ، اصلش محکم و شاخ و
برگ آن گسترده شده ، شکوفه های آن ظاهر می شود
این بهار روحانی است .

شش هزار سال فاصله میان آدم و حضرت خاتم
ظاهرا ماخوذ از آیاتی مانند آیه ۵۴ از سوره اعراف
در قرآن مجید است که خلقت عالم را در طی شش
روز بیان می فرماید و مفسرین قرآن کریم با توجه به
اینکه به موجب آیه ۴۶ سوره حج و آیه ۴ سوره
سجده یوم رب معادل هزار سال ذکر شده است بر این
عقیده اند که شش روز خلقت عالم به معنای شش
هزار سال دوران شش تن از پیامبران اولی العزم
است که آخرین شان حضرت محمد می باشند که در
توقیع مبارک نیز به این معنی اشاره شده است .

شاعر و عارف شهیر شیخ عطار مضامین مزبور را
در ابیات زیر آورده است ،
به قرآن این چنین فرمود داور
تو تا دینش بیابی ای برادر
که عالم را به شش روز آفریدم
محمد را به عالم برگزیدم
بود شش روز عهد شش پیمبر
شود قائم مقام خلق ظاهر

هزار سال بودن روز دین که مورد اشاره شیخ عطار
قرار گرفته و هزار سال آخر آن را متعلق به شریعت
اسلام می داند که با انقضای آن قائم موعود ظاهر می
شود با مدت دور اول کور بهائی که طول آن در کتب
و آثار مبارکه لااقل هزار سال تعیین شده است نیز
تطبیق می کند .

استاد ارجمند و محقق دانشمند فریدالدین رادمهر در
مقاله مبسوطی تحت عنوان ذکر اوائل که در کتاب
نفیس نه مقاله درج شده توضیحات ارزشمندی درباره

ادوار کلیه و معانی دور و کور مرقوم داشته اند از جمله می نویسند : کور حضرت آدم به شش دور تقسیم می شود و این مساله در قرآن و تورات به ایما و الغاز مطرح و در نزد عرفا و حکمای مسلمین مورد مباحثه قرار گرفته ، در قرآن در هفت موضع موضوع خلقت آسمانها و زمین در شش روز مطرح شده مثلا در سوره الاعراف : "ان ربکم الله الذی خلق السموات و الارض فی سته ایام" (قرآن سوره ۷ آیه ۵۴)

اگر چه بسیاری از مفسرین معنی ظاهری این آیه را بی هیچگونه تاویلی قبول نموده اند و برخی نیز اگر ظاهر را نپذیرفته اند ولی تاویلش را بر عهده راسخون فی العلم گذاشته اند و عده ای هر روز را هزار سال دانسته اند یعنی شش هزار سال از جمله (کشف الاسرار و عده الابرار ج ۳ - ص ۶۲۸) ، اما بوده اند عارفانی که شش روز را رمز از شش پیامبر دانسته اند .

و فاضل مازندرانی در امر و خلق جلد ۳ صفحه

۴۲۸ می نویسد : مراد از خلق آسمانها و زمین در
شش روز آن روز الهی است و خلق روحانی و الا
قبل از این آسمان و زمین شب و روزی نبود .

مرحله دوم

عهد اعلی - منظور از دوران عهد اعلی اظهار امر حضرت رب اعلی در شب پنجم جمادی الاولی ۱۲۶۰ است که تقریباً می توان آن را با دوران مجهولیت برابر دانست و اظهار امر ایشان از طرفی موجب مخالفت و طغیان جهلای معروف به علم که بساط فرمانروائی خود را در خطر می دیدند گردید و از طرفی عده زیادی از علما و مردم عادی که منتظر ظهور بودند و علامات را مطابق با واقعیات می دانستند به حضرتش گرویده و به او مومن گشتند . این دوران گر چه به ظاهر مدت آن بسیار کوتاه بود ولی با دارا بودن اثرات بیشمار امتداد می یابد .

در این دوره ، شجره لاشرقیه و لاغربیه بارور شده ثمر آن ظاهر می شود کوتاهی دوره شریعت حضرت اعلی که به فرموده حضرت ولی امرالله " نباید به هیچ وجه میزان سنجش حقانیت و عظمت آن حضرت قرار گیرد ... " چه که " این رمزی است که احدی پی به آن نبرد " چنان عظیم و پر برکت است که خاتمه آن

خود مرحله ثالث این سیر و تکامل شریعه الله را در
بر می گیرد .

مرحله سوم

حضرت ولی امرالله درباره مرحله سوم می فرمایند :

" مرحله ثالث مقهوریت و معصوریت این ثمر جنی رطب لطیف در آسیاب محن و بلااست که شش سال بعد در مدینه تبریز دهن آن ظاهر گردید "

منظور از دوران باروری شجره الهی همان دوران مقهوریت و مظلومیت است که باعث شهادت حدود بیست هزار شهید و پراکنده شدن عده ای از مومنین اولیه و هجرت بسیاری به بغداد و سایر نقاط گردید .

باروری شجر ، منجر به ظهور ثمر می شود . میوه شجره امر الهی باید آثارش به مرور دهور و ادوار بسیار باقی بماند . ید قدرت الهی این ثمر را بدهن حکمت مبدل می سازد تا " سراج امر " را بدان روشن سازد . مرحله باروری شجره لاشرقیه و لاغربیه که با ظهور حضرت اعلی آغاز گشت و ثمر آن ظاهر شد ، در طی عهد اعلی تکامل یافته و بعد از شش سال ، با شهادت حضرت نقطه اولی در تبریز تبدیل به روغن روحانی شده مرحله سوم این ترقی و

تکامل را تشکیل می دهد .

مرحله سوم از مراحل دهگانه سیر تکاملی امر مبارک به عنوان باروری شجره امرالله نیز نامیده شده در عالم نبات هر درختی بارور شده شکوفه و بار و برگ به بار می آورد که بالمآل تبدیل به ثمر و میوه می گردد . شجر پر ثمر امر الهی نیز اثر و ثمرش به مرور ایام ظاهر می گردد و سالها باقی می ماند تا بندگان از آن منتفع گردند . دست قدرت الهی این ثمر را به روغن حکمت مبدل می سازد . چنانکه در مناجاتی که در ادعیه محبوب صفحه ۳۴۰ مذکور است می فرمایند **الهی الهی سراج امرت را به دهن حکمت برافروختی از اریاح مختلفه حفظش نما**

و به واسطه این روغن چراغ است که سراج امر الهی روشن و تابناک گشته و جهان را با انوار درخشان خود نورانی می سازد .

این مرحله با ظهور حضرت اعلی شروع گشته و بعد از طی بسیار کوتاه مدت مجهولیت که در تمامی ادوار ادیان آسمانی دوران کوتاهش بی سابقه است بعد از ۶ سال و با شهادت حضرت رب اعلی در تبریز

تبدیل به دهن یا روغنی گردید که برای فروزان نگه
داشتن سراج امرالله لازم و ضروری بود

مرحله چهارم (اظهار امر خفی حضرت بهاءالله)

مرحله چهارم نزول وحی در سیاه چال طهران است که به اظهار امر خفی معروف است یعنی در سنه تسع که منظور نهمین سال بعد از اظهار امر حضرت اعلی است زیرا در بیان فارسی به مومنین مژده آن را داده اند و می فرماید: **فی سنه التسع انتم بلقاءالله یرزقون**"

درباره اهمیت مرحله چهارم می فرمایند:

" **مرحله چهارم اشتعال این دهن لطیف است که به ید قدرت الهیه یکصد سال قبل در زندان اظلم انتن سیاه چال طهران افروخته شد** "

منظور این بیان مبارک نزول وحی به قلب ممرد جمال اقدس ابهی و اظهار امر خفی در سیاه چال طهرانست این مرحله چهارم شعله ور شدن این دهن مقدس به اراده الهی و مشیت پروردگاری در سجن سیاه چال طهران است چنانکه می دانیم در بروز حادثه رمی شاه حضرت بهاءالله را به مدت ۴ ماه در سیاه چال طهران که در آثار مبارکه به سجن اکبر

ملقب گشته مسجون نمودند و هنگامیکه بی گناهی ایشان بر اولیای امور واضح گردید به بغداد هجرت نمودند در این مدت لمعات درخشان وحی الهی که در پس پرده غیب مستور بود شروع به تابش کرده و عده معدودی از اصحاب که با حضرتش در بند بودند این سعادت را یافتند که به علت داشتن صفای قلب و ضمیر باطن پی به این ودیعه نهانی الهی ببرند و حضرتش را قبل از اظهار امر علنی به عنوان من یظهره الله بشناسند .

مرحله پنجم

درباره مرحله پنجم می فرمایند :

" مرحله پنجم اشراق آن لمعه نور در مدینه الله است که تازه به کشور عراق پرتو افکنده و پس از آنکه ده سال در حجاب غل و بغضا مکشوف و مقتوع بود در مصباح ظهور جلوه ای شدید بنمود "

منظور رضوان اظهار امر علنی حضرت بهاءالله در باغ نجیب پاشا معروف به باغ رضوان است . این مرحله با اظهار امر جمال مبارک در مدینه بغداد ، در سنه ۱۲۸۰ هجری قمری آغاز می شود . فروغی که قلب منور حضرت بهاءالله در ظلمتکده سیاه چال طهران درخشیده بود ، اکنون علاوه بر مهد امرالله ، آفاق کشور مجاور ، یعنی عراق را نیز با شعله ور شدن در مشکوه ظهور جمال قدم ، روشن می سازد . که طبق وعود حضرت رب اعلی در سنه ثمانین مژده ای که به اهل عالم درباره ظهور من یظهره الله به اهل عالم داده بودند تحقق پذیرفت و بزرگترین وعده الهی که شاید هر پانصد هزار سالی یکبار به وقوع

پیوندد انجام پذیرفت و ابواب رحمت بر خلق جهان
گشوده گشت و امر مبارکی که فقط در ایران گسترش
یافته و با خون بیست هزار شهید آبیاری شده بود افق
کشوری دیگر یعنی عراق را نیز منور ساخته بود و
اشعه تابناکی که در ظلمتکده سیاه چال درخشیده بود
اکنون می رفت که از مرز مهد امرالله عبور نموده و
کم کم انوار تابناکش جهانگیر گردد .

مرحله ششم

درباره مرحله ششم حضرت ولی امرالله می فرمایند :
" مرحله ششم اشتعال مصباح الهی در ادرنه در بلور
اخری است که به اشد اشراق از آن مدینه و سپس از
سجن عکا سیزده اقلیم از اقالیم آسیا و آفریقا را
روشن و منور گردانید"

این مرحله مربوط به اظهار امر عمومی در ادرنه و
عکا می باشد که با نزول الواح ملوک و ارسال آن به
سلاطین جهان امر الهی جنبه عام و جهانی گرفت .
منظور از اظهار امر عمومی دوران ادرنه و عکا و
نزول کتاب اقدس و الواح خطاب به سلاطین عالم
است زیرا به طوریکه می دانیم حضرت بهاءالله ۳
بار اظهار امر فرموده اند تا حجت به خلق تمام شود
۱- اظهار امر خفی به نزدیکان و هم بندان در سیاه
چال طهران

۲- اظهار امر علنی در بغداد در سنه ۱۲۷۹ هجری

قمری

۳- اظهار امر عمومی در ادرنه و عکا و اتمام حجت

به سلاطین و حکام آن دوره .

در این مرحله که از ادرنه آغاز گشت و تا دوران سجن اعظم عکا ادامه یافت تابش انوار الهی شدیدتر از قبل بر جهان و جهانیان است در حقیقت شمس ظهور به اعلی مدار خود رسیده و با انوار تابناک خود آفاق بیش از ده کشور و اقلیم را در آسیا و آفریقا فرا گرفته که عبارتند از ممالک مصر - سودان لبنان - ترکیه قفقاز - هندوستان - برمه - فلسطین و سوریه و ترکستان الواح مبارکه خطاب به شاهان و حکام آن زمان و پاپ اعظم رهبر مسیحیان بود از جمله ناپلئون سوم پادشاه فرانسه که البته نباید با ناپلئون معروف اشتباه شود ناپلئون سوم لویی بناپارت برادر زاده ناپلئون اول می باشد .

لوح دوم خطاب به سلطان عبدالعزیز پادشاه عثمانی و عالی پاشا صدر اعظم او می باشد
لوح سوم خطاب به ویلهلم اول پادشاه آلمان بود .
لوح چهارم خطاب به ناصرالدین شاه پادشاه ایران بود
که به لوح صیحه هم معروف است

لوح پنجم خطاب فرانسوا ژرژف پادشاه اطریش است .
لوح ششم خطاب به نیکلاویچ الکساندر دوم تزار
روسیه است .

لوح هفتم خطاب به یوحنا ماریا ستای فرتی رهبر
کاتولیک ها است .

لوح هشتم خطاب به ملکه ویکتوریا ملکه انگلستان
بود گذشته از این الواح مبارکه یک سوره مفصل هم
به نام سوره ملوک در ادرنه نازل فرمودند که با این
بیان مهیم آغاز می گردد (هذا کتاب من هذا العبد
الذی سمی بالحسین فی ملکوت الاسما الی ملوک
الارض کلهم اجمعین لعل ینظرون الیه بنظره الشفقه
و لطیعون بما فیہ من اسرار القضا و یکون من
العارفین)

این الواح مبارکه در کتابی به نام خطابات قلم اعلی
در شان نزول ملوک و سلاطین توسط ناشر نفحات الله
جناب محمد علی فیضی معرفی و مختصری از
عاقبت پروبال آنان که ندای حق را لبیک نگفته شرح
داده اند همچنین ضمن سوره هیکل مندرج در کتاب

آثار قلم اعلیٰ نیز آمده است .

مرحله سادس ، دوره تابش اشد از قبل و انتشار انوار این مصباح مقدس در زجاجه بلوری آن است . این مرحله در ادرنه آغاز و تا دوران سجن اعظم عکا ادامه می یابد . اکنون که شمس ظهور به اعلیٰ مدار خود رسیده ، با انوار خود ، آفاق سیزده کشور از ممالک آسیائی و آفریقائی را در بر می گیرد.

این دوره را که از دوران پر ابتلای ایام اقامت در ادرنه و در آثار ملقب به **سجن بعید** است و با نزول الواح مبارکه شروع شده و تا دوران عکا که در آثار مبارکه به **سجن اعظم** موسوم گشته ادامه داشت می توان دوران تابش شدید انوار قدس الهی نامید که باعث تابیدن این اشعه تابناک به بیش از ۱۳ کشور در قاره وسیع آسیا و آفریقا گردید .

مرحله هفتم

حضرت ولی امرالله درباره اهمیت مرحله هفتم می فرماید :

مرحله هفتم سطوع آن نور الهی در دوره مرکز عهد و میثاق از سجن اعظم به ماوراء بحار بود که تجلیاتش بیست کشور مستقل و اقالیم تابعه در قطعات امریکا و اروپا و استرالیا را نورانی ساخت . این مرحله که امر الهی به نحو چشم گیری گسترش یافت و نطاقش از دو قاره آسیا و آفریقا فراتر رفته به اروپا و امریکا کشیده شده مربوط به دوران حیات پر افتخار و پر ثمر حضرت عبدالبهاسن که به دوران میثاق معروف است . در این دوران با مسافرت حضرت عبدالبهاء به اروپا و امریکا و شرکت در مجامع و کنائس و ایراد خطابات مهیمنه و ملاقات با اشخاص سرشناس نطاق امرالله گسترش بی سابقه یافت و آوازه امر الهی به بیش از ۲۰ کشور رسید و فروغ امر الهی از سجن اعظم (عکا) از ماورای

اقیانوسها و قارات عالم گذشت و ۲۰ کشور مستقل و
اقالیم تابعه آن را فرا گرفت .

مرحله هشتم

درباره مرحله هشتم حضرت ولی امرالله می فرمایند: " مرحله هشتم انتشار آن نور الهی در عهد اول و سنین عهد ثانی عصر تکوین امرالله در نود و چهار کشور مستقل و اقالیم تابعه و جزائر کره ارض است که بر اثر اجرای نقشه های ملی از طرف یازده محفل روحانی ملی در سراسر جهان و استفاده از وسائل و وسائط نظم اداری جدید البنیان ملکوتی تحقق یافته و اکنون به جشن صدمین سال بعثت حضرت بهاءالله خاتمه می یابد. "

این دوران پر افتخار که با اختتام عصر رسولی و شروع عهد اول عصر تکوین که مقارن با جلوس هیکل مقدس ولی امرالله براریکه ولایت امری است شروع می گردد در نتیجه زحمات و ارشادات حضرتش جهشی غیر قابل تصور یافت و امرالهی که تا آن زمان فقط در ۲۰ کشور معرفی و شناخته شده بود ناگهان در بیش از ۹۴ کشور و اقالیم و جزایر تابعه نفوذ کرد و با صدور توقیعات مبارکه و

ارشادات حضرتش در تفهیم و ترویج نظم اداری و تشکیل محافل روحانی محلی و ۱۱ محفل روحانی ملی واسکان مهاجرین و فتح نقاط بکر امر الهی سطوعی حیرت انگیز یافت و اسفا که هیکل انورش که خود بانی و موجد این فتوحات عظیمه بودند تمام این انتصارات را مرهون جانفشانی احبا و مهاجرین و مبلغین دانسته و با شکسته نفسی کوچکترین نامی از خود نمی برند و درسی بزرگ به مومنین امر مبارک می دهند .

مرحله نهم

حضرت ولی امرالله درباره مرحله نهم چنین می فرمایند :

" مرحله نهم یعنی دوره ای که اکنون افتتاح می شود . مرحله اشاعه آن نور الهی در متجاوز از یکصد و سی و یک اقلیم و جزائر دیگر در شرق و غرب عالم است که بر اثر اجرای یک جهاد روحانی جهانی ده ساله انجام خواهد گرفت و ان شاءالله تعالی ختام این جهاد با جشن اعظم منوی اعلان امر علنی حضرت بهاءالله در بغداد مقارن خواهد بود"

این مرحله در سال ۱۹۵۳ با اعلام نقشه دهساله جهانی به عالم بهائی آغاز گردید و فتوحات بسیار در نتیجه ترسیم این نقشه الهی نصیب جامعه جهانی بهائی گردید ولی صد هزار افسوس که قافله سالار این جهاد روحانی و ترسیم کننده این نقشه عظیم الهی در اواسط این دوران یعنی در اکتبر ۱۹۵۷ محبان خود را که گوش به فرمایش بودند تنها گذاشت و بغتتا به عالم باقی شتافت و در حیات عنصری و عالم

ناسوتی شاهد پیروزیهای درخشان و اتمام فاتحانه
ایکه هیکل مبارکش ترسیم نموده بود نبودند گر چه
در عالم ملکوت و ارواح این موفقیت عظیم را شاهد
بودند که در راس اتمام نقشه یکی از بزرگترین
نوایای هیکل اقدسش که تشکیل بیت العدل اعظم بود
تحقق یافت و اراده الهی بر این قرار گرفت که اگر به
حکمت بالغه اش یکی از ارکان نظم بدیع به صورت
ظاهر منتزع گردید بلافاصله رکن دیگر به وجود آمد
تا عالم بشری از این عطیه الهی محروم نگردد .

در این دوران پر شکوه با امتثال امر مبارکش سیل
مهاجرین همت به فتح نقاط بکر گماشند و انوار پر
اشرق امر الهی به بیش از ۱۳۰ مملکت تابیدن گرفت
و با تشکیل جشنهای صدمین سال اظهار امر علنی
حضرت بهاءالله در مدینه الله بغداد و شرکت بیش از
دو هزار نفر از احبا در کنفرانس لندن تشکیل و
انتخاب اولین اعضای بیت العدل عمومی به عالم امر
اعلام گردید .

مرحله دهم

درباره این مرحله حضرت ولی امرالله می فرمایند:

" مرحله دهم که مرحله نهائی این سیر عظیم است سرایت و نفوذ آن نور الهی در طی جهادهای عدیده و در عهود متوالیه دو عصر تکوین و ذهبی به جمیع اقالیم باقیه کره رض است که باید به وسیله استقرار کامل نظم اداری حضرت بهاءالله در کلیه اقالیم شرق و غرب تحقق پذیرد و آن مرحله این است که انوار آئین مظفر و منصور الهی به کمال قدرت و عظمت بر جهانیان تابیده و کره ارض را احاطه خواهد نمود " در این مرحله که به سال ۱۹۶۳ با تاسیس بیت العدل اعظم و جشنهای صدمین سال اظهار امر علنی حضرت بهاءالله آغاز گردید تحت هدایات آن مرجع مصون از خطا سایر عهود عصر تکوین ترسیم و نقشه های بدیعه جدید تنظیم و تعالیم امر ارائه گردید و این روش مرضیه تا طلوع عصر ذهبی که استقرار سلطنت الهیه بر بسیط غیرا است ادامه خواهد یافت. بسط و توسعه مراحل باقیمانده و

تقسیم عهد آینده و ترسیم نقشه های متعدد و سیر تکاملی این روند رو به تزايد طی مراحل ۷ گانه ای که در آثار حضرت ولی امرالله مذکور است ادامه خواهد یافت. در طی این مرحله با اجرای نقشه های متوالی، فروغ امر الهی به کلیه اقالیم ارض گسترش یافته و تاسیسات و مشروعات بدیعه نظم اداری بهائی در شرق و غرب عالم استقرار خواهد یافت و منتهی به تاسیس مدنیت الهی در بسیط زمین خواهد گشت.

عصر رسولی

اولین مرحله از دور بهائی و اولین عصر ان بنام عصر رسولی با بطولی نامیده می شود. این عصر که با اظهار امر حضرت رب اعلی شروع گردیده و با صعود حضرت مولی الوری خاتمه پذیرفته دورانش ۷۷ سال بطول انجامید از سال ۱۸۴۴ تا ۱۹۲۱ میلادی مطابق سنه ۱۲۶۰ هجری قمری تا سال ۱۳۴۰ قمری تقریباً حدود هشتاد سال قمری که معادل هفتاد و هفت سال شمسی یا میلادی میشود.

در اهمیت این عصر حضرت ولی امرالله می فرمایند: در این اولین عصر مشعشع دور بهائی که از لحاظ موهبت و کیفیت روحانیه اشرف و امجد از اعصار و ادوار در جمیع شرایع و ادیان سابقه می باشد قوه فاعله دافعه منبعثه از دو ظهور متعاقب متواصل مستقل صمدانی و پیمان و میثاق غلیظ و فرید الهی که در تاریخ بشری بی نظیر و عدیل و مثیل است بر جهانیان فائض گردید.

همچنین می فرمایند : در تاریخ ۲۳ می ۱۸۴۴ میلادی نخستین مرحله عصر رسولی دور بهائی آغاز و با حلول این عصر مقدس مجلل ترین و درخشنده ترین حلقه از حلقات کور اعظم الهی که در تاریخ روحانی بی مثل و عدیل است افتتاح گردید. و در مقامی دیگر می فرمایند: عصر مبارکی که از لحاظ علو شان و سمو مقام و امتداد زمان و وفود ائمار و ائثار منیعه بدیعه اکبر و اعظم از جمیع اعصار و قرون ماضیه الهیه محسوب بزرگترین لحظات عصر رسولی دور بهائی از افق سیاه چال سطوع نمود. همچنین می فرمایند: این عصر نخستین دور بهائی که از لحاظ قوا و کمالات و افاضات روحانی با هیچ دوره ای ملازم با ماموریت هر یک از موسسان ادوار سابقه قابل قیاس نیست از آغاز تا پایان با قوای خلاقه الهیه که بواسطه ظهور و تجلی دو مظهریت مستقله ربانیه جاری و ساری گشت و نیز در مقام مقایسه با ازمنه روحانیه بشریه با تاسیس عهد و میثاقی فرید و یگانه بارور و حامله شد.

تقسیمات عصر رسولی

بطوریکه ملاحظه فرمودید عصر رسولی به سه عهد
تقسیم گردیده:

- ۱- عهد اعلی که مدت آن ۹ سال است از ۱۲۶۰
ظهور حضرت اعلی تا ۱۲۶۹ اظهار امر
خفی حضرت بهالله در سیاه چال تهران که
بسال میلادی مطابق ۱۸۴۴ تا ۱۸۵۲ است.
و می دانیم که تولد حضرت عبدالبهاء هم در
پنجم جمادی یعنی هم زمان با روز اظهار امر
و بعثت حضرت اعلی می باشد پس مدت
عصر رسولی طول حیات مبارک حضرت
عبدالبهاء یعنی ۷۷ سال است . عصر رسولی
شکوه و جلالش به حدی است که عظمت
فتوحات امرالله در مستقبل ایام در مقابل آن
جلوه و ظهوری نکند .
- ۲- عهد ابهی که مدت آن ۳۹ سال است و از سال
۱۲۶۹ که اظهار امر خفی حضرت بهالله بود

شروع و با صعود ان حضرت بسال ۱۳۰۹
پایان می یابد.

۳- عهد میثاق که دوران ان ۲۹ سال است ابتدایش

سال ۱۳۰۹ قمری و انتهایش سال ۱۳۴۰

قمری مطابق ۱۳۰۰ شمسی همزمان با صعود

حضرت عبدالبها می باشد.

عهد اول عصر رسولی

عهد اعلیٰ - عهد اعلیٰ با اظهار امر حضرت اعلیٰ شروع می شود مدت آن ۹ سال است از ۱۲۶۰ تا ۱۲۶۹ قمری بیان مبارک حضرت ولی امر الله در باره این عهد در کتاب گاد پاسزبای که به فارسی ترجمه شده و بنام قرن بدیع انتشار یافته در جلد اول صفحه ۲۹ نقل گردیده است. حضرتش در این باره می فرماید :

عهد اول یا عهد اعلیٰ منتسب بحضرت نقطه اولی مظهر عظمت و قدرت و خضوع و خشوع و مظلومیت و نورانیت الهیه است. ابتدایش اظهار امر ان سید امم در اقلیم فارس که به شهادت آن حضرت در مدینه تبریز منجر گردید و خاتمه اش حدوث مذبحه کبری و ملحمه عظمی کشتار مومنین و فدائیان آن نور مبین در عاصمه مملکت و بزوغ شمس حقیقت در سنه تسع در زندان مدینه منوره طهران است. همچنین می فرمایند : مرحله اول و عهد اعلیٰ که از جهت حدوث وقایع عظیمه شدیدترین و شگفت انگیزترین وقایع قرن اول بهائی را تشکیل میدهد بیش از نه سال بطول

نیانجامید طلوعش اظهار امر نقطه اولی و اختامش
سطوع اولین انوار ظهور اعظم امنع ابهی است.
که منظور از سطوع اولین انوار اظهار امر خفی
حضرت بهالله در سیاه چال طهران است.

در دوران عهد اول عصر رسولی که منتسب به
حضرت رب اعلی است امر مبارک فقط به در دو اقلیم
اشتهار یافت مملکت ایران و عراق .

عهد دوم یا عهد ابهی

عهد ابهی دومین عهد عصر رسولی است که ابتدایش سنه ۱۲۶۹ اظهار امر خفی جمال مبارک و انتهایش سنه ۱۳۰۹ سال صعود هیکل مبارک می باشد. مدت ان ۳۹ سال می باشد. وقایع مهم این عهد عبارت است از اظهار امر علنی هیکل مبارک در باغ رضوان بسال ۱۲۷۹ هجری قمری نزول الواح ملوک و اظهار امر عمومی تبعید هیکل مبارک از بغداد به اسلامبول و عکا و ادرنه و نزول کتاب اقدس حضرت ولی امرالله در معرفی این عهد چنین می فرماید :

عهد ثانی این عصر مبارک منتسب به هیکل مکرم افخم جمال قدم و اسم اعظم و طائف حول ان مظلوم عالم و موعود و مقصود کل ملل و امم و مستند بر شرع اشرف امجد اعز اقدس ان محیی رمم امتدادش سی و نه سال ابتدایش حلول سنه تسع و دعوت سری مظهر کلی الهی و تجلی روح اعظم بر قلب اصفای ممرد سلطان قدم در سجن مظلوم و انتهایش صعود ان منجی امم و افول ان کوکب دری مشرق بر افاق عالم

در مغرب سجن اعظم. همچنین می فرمایند: عهد ثانی
منتسب به هیکل اقدس جمال قدم است این عهد
مشعشع ابهی که اقدس و امنع و اشرف اعز از کل
قرون و اعصار محسوب و با اشراق روح اعظم بر
قلب سلطان قدم در سیاه چال تهران و تحقق و عود و
بشارات حضرت باب آغاز گردید با افول نیر حقیقت
در جوار سجن اعظم عکا خاتمه یافت این عهد اکرم
اقوم امتدادش سی و نه سال بود.

بطوریکه می دانیم حضرت بهالله سه بار امر خود را
به جهانیان اعلام و اظهار فرمودند .

بار اول سال ۱۲۶۹ در سیاه چال تهران هنگامیکه
در زندان مخوف ناصر الدین شاه در زیر غل و
زنجیر بودند به اطرافیان و هم زنجیران خود فرموده و
خود را همان من یظهره الله که حضرت اعلی بشارات
ظهورش را داده اند معرفی نمودند.

بار دوم سال ۱۲۷۹ در باغ رضوان بغداد مقام منیع
خود را اشکار فرمودند که به اظهار امر علنی مشهور
و معروف است و همین ایام عید رضوانی است که
همه ساله ان را جشن می گیریم که مدت ۱۲ روز

است و سه روز اول و نهم و دوازدهم ان تعطیل امری است و کار در ان سه روز حرام و ممنوع است و به نام ایام محرمه معروف است البته می دانید که ایام محرمه کلا ۹ روز است یعنی جمعا در دیانت بهائی ۹ روز تعطیل امری است که ۳ روز ان مربوط به حضرت اعلی است یعنی اول محرم تولد ان حضرت ۵ جمادی اظهار امر و بعثت و ۲۸ شعبان روز شهادت ان حضرت می باشد.

۵ روز از این ایام مربوط به حضرت بهالله است که عبارتند از دوم محرم روز تولد سه روز ایام رضوان ایام اظهار امر و هفتادم نوروز روز صعود هیکل مبارک و یک روز هم عید نوروز است که گذشته از اینکه روز ملی است عید فطر بهائیان نیز می باشد زیرا ایام صیام روزه داری پایان می پذیرد.

بار سوم اظهار امر مبارک اظهار امر عمومی است که در ادرنه با نزول الواح ملوک و خطابات عمومی به سلاطین عالم بود. در دوران این عهد ظهور کلی الهی طبق بشارات کتب مقدسه قبل تحقق یافته و دیانت جدیدی که احکام و تعالیمش مطابق مقتضای زمان بود

به عالم بشری اهدا گردید و اساس نظم بدیع ایجاد
گردید. در عهد دوم عصر رسولی دیانت مقدس بهائی
به ۱۰ مملکت دیگر هم سرایت نمود .

۱- برمه ۲- مصر ۳- لبنان ۴- سودان ۵- ترکیه
۶- قفقاز ۷- هندوستان ۸- فلسطین ۹- سوریه

۱۰- ترکستان

عهد سوم - عهد میثاق

عهد سوم دور بهائی که بنام عهد میثاق نامیده میشود مدتش ۲۹ سال است ابتدای آن از جلوس حضرت عبدالبها بر اریکه عهد و پیمان الهی یعنی سال ۱۳۰۹ قمری است که کتاب عهدی وصیت نامه حضرت بهالله مفتوح گردید و جانشینی حضرت عبدالبها مسلم گشت و انتهای آن سال ۱۳۴۰ قمری است که صعود هیکل مبارکش واقع گردید. از وقایع مهمه این عهد قیام ناقصین عهد و پیمان - استقرار عرش حضرت اعلی در کوه کرمل - پایه گذاری بنای مقام اعلی - ایجاد اولین مشرق الاذکار و مقدمات ساختمان دومین مشرق الاذکار - سقوط خلافت عثمانی و مسافرت هیکل مبارک حضرت عبدالبها به اروپا و امریکا و انتشار امر الهی در آن صفحات می باشد. و همچنین در معرفی این نظم نوین که کافل سعادت بشری است می فرمایند ای دوستان عزیز و ارجمند این نظم بدیع جهانی که تحققش در آیات نازله از قلم حضرت بهاءالله موعود بوده و اصول اساسیه اش در آثار مرکز میثاقش

مصرح گشته مقصدی جز ایجاد اتحاد کامل نوع انسان ندارد و این وحدت و اتحاد ایجاد نگردد مگر آنکه موافق و مطابق با اصول و هماهنگ با قوه محرکه و قوانین حاکمه بر موسساتی باشد که اینک اساس بنیاد نظم اداری بهائی را تشکیل می دهند .

حضرت ولی امرالله در ضمن یکی از توابع مبارکه پایان عصر رسولی را متقارن با ارتحال سليله البهاء اخت محبوب حضرت مولی الوری حضرت ورقه علیا در سنه ۱۹۳۲ ودیعه عصریکه مشحون از جلالت و شهامت و بسالت است معین و مصرح فرموده اند . در عهد سوم عصر رسولی یعنی در عهد میثاق امر الهی علاوه بر ۱۲ مملکت که در عهد اول و دوم نفوذ کرده بود در ۲۰ مملکت دیگر نیز مستقر و مشتهر گردید که عبارتند از :

- ۱- عربستان ۲- اطریش ۳- کانادا ۴- فرانسه ۵-
- انگلستان ۶- هلند ۷- ایتالیا ۸- روسیه ۹- سویس ۱۰-
- تونس ۱۱- استرالیا ۱۲- برزیل ۱۳- چین ۱۴- آلمان
- ۱۵- هاوانی ۱۶- لهستان ۱۷- ژاپن ۱۸- آفریقای
- جنوبی ۱۹- اردن ۲۰- آمریکا

افول کوکب میثاق که خاتمه این دور اعظم یعنی عصر
رسولی محسوب است.

عصر تکوین

عصر دوم از دور بهائی عصر تکوین می باشد که هم اکنون ما در آن می باشیم . شروع عصر تکوین با افتتاح الواح وصایا و جلوس حضرت ولی امرالله بر اریکه ولایت امر یعنی به سال ۱۹۲۱ میلادی یا ۱۳۴۰ قمری و ۱۳۰۰ شمسی است . عصر تکوین که به آن عصر انتقال هم گفته شده در حقیقت حلقه اتصال دو عصر رسولی و ذهبی است . به فرموده حضرت ولی امرالله انتهای این عصر استقرار نظم بدیع الهی در شرق و غرب و جلوه وحدت اصلیه در انجمن بنی آدم است که تاریخش در علم الهی مکتوم است . درباره مختصات خاص عصر تکوین حضرت ولی امرالله چنین می فرمایند " عصر تکوین دور بهائی به ارتفاع نظم اداری مخصص گشته و این نظم به مثابه صدفی برای حفظ و صیانت گوهر گرانبهای امرالله است و به مرور زمان واضح و مبرهن خواهد شد که این نظم عامل اصلیه ایست که این شرع انور را به مرحله نهائی وارد خواهد کرد . عصر تکوین

در مقام خود ممتاز و حامل رسالتی عظیم و بی نظیر در مدت امتداد خود بوده و در آن مقرر است که نظم اداری ارتقاء یافته و نظم بدیع جهان آرای الهی متولد شود و میراث گرانبهائی که از عصر رسولی با جانبازیها و فداکاریهای بیشمار اسلاف حاصل شده است در قالب تشکیلات و موسسات اداری به عصر ذهبی منتقل گردد .

تبلیغ و انتشار امر در این عصر جایگاهی خاص داشته و سرنوشت روحانی آتیه امر را تا حدود زیادی به خود مرتبط می سازد و بدیهی است که ما به عنوان وارثان امر الهی ، از این لحاظ در عصر تکوین حامل رسالتی عظیم می باشیم

جناب فاضل مازندرانی راجع به اهمیت این موضوع چنین ذکر می نماید : " هر یک از ادیان و نهضت‌های روحانیه دوره تبلیغاتشان کمال اهمیت را دارا بوده و هست زیرا که در آن دوره روح و عوامل معنویه باید تولد و تقرر یابد تا اساس مدنیت و کمالیت آن دیانت و نهضت را در دوره استقلال و استقرار خود به موقع

عمل گذاشته و منتشر سازد و به عبارت اخری تقدیرات آتیه هر دیانت و نهضت روحانیه مبتنی بر دوره تبلیغات و تمام حیثیات و شئون آن فروع و اغصان همان بذری است که در آن دوره افشانده شده و نمو نموده است حتی اگر بذری فاسد در دوره تبلیغات افشانده شود ثمره تلخش در دوره بعد دیده خواهد شد و به هر اندازه که در تبلیغات قصور وفتور واقع شود به همان درجه در عظمت انتشار آن دیانت آثار آن دیده خواهد شد و عظمت وسعت هر دیانتی به مقیاس وسعت و همتی است که در بنیان تبلیغات جلوه کرده و از این رو معلوم است که دیانت و نهضتی که به نام عمومی و جهانگیر ظهور نموده دوره تبلیغاتش بایستی تا چه اندازه ممتد و عظیم و عالی باشد و هر گاه در دوره تبلیغاتش به طوریکه لازم است از حیث فداکاری و علاقمندی و عمومیت فکر و نورانیت ضمیر اقدامات وافیه نشود ممکن است مطابق آمال و انتظارات اولیه سرعت واقع نشده و نتیجه منظور حاصل نگردد .

و حضرت ولی امرالله در تبیین این حقیقت که اهمیت این دوره کمتر از عصر رسولى نیست چنین مى فرمایند ، قوله الاحلى : " اگر چه موفقیتهاى عظیم و خدمات فراموش ناشدنى نصیب علمداران عصر رسولى امر در سرزمین ایران شده است ولی تاثیرى که بانیان شجاع اساس قویم نظم بدیع الهی ... در ایجاد تشکیلات حیاتی امر الهی داشته اند اینک به سوى تحقق نقشه ای در حال پیشرفت است که مبشر عصر ذهبی امرالله مى باشد و به هیچ وجه این دوره دشوار از تاریخ امر کم اهمیت تر از فداکاریهای گذشته نیست

نکته اساسی دیگر که از امتیازات عصر تکوین است تشکیل بیت العدل اعظم است یعنی استقرار انجمنی مصون از خطا بر بسط غیرا . این امر که به هدایت الهی و همت حضرات ایادی علیهم بهاءالله و مشارکت مستقیم تمام احبای جهان در ظل رایت نظم اداری صورت گرفته است و مى توان آن را شاهکار عالم خلق در عصر تکوین خواند در طول تاریخ ادیان گذشته کاملا بی مثل و بی نظیر است . این انجمن که

در یکصدمین سال اظهار امر علی جمال اقدس ابھی در عالم امکان تمکن یافت اکنون به عنوان یگانه ملجا بشریت در مانده آحاد بشر را به سوی قادر متعال فرا می خواند و نسل کنونی مفتخر است که در چنین عصری در جوار چنین رکن رکینی به ایفای وظایف مقدسه خویش قائم و موید است . حال قسمتی از بیانات مبارکه حضرت ولی امرالله را راجع به عصر تکوین نقل نموده و به توضیح مختصری درباره تقسیمات آن می پردازیم .

در توفیق ۱۹۳۲ می فرمایند : " با افول نیر میثاق عصر مبارک رسولی عصر جانبازان و باسلان این دوره اعظم که به علت انتسابش به طلعات قدسیه موسسین این امر ابداع افخم و وضع اساس و مبانی اولیه این بنیان اقوم و قیام و شهادت پیروان و رسولان این شرع اکرم اعلی و اشرف از جمیع اعصار و قرون محسوب و تجلیات و اشراقات فائق بر انتصارات و فتوحات گذشته و آینده است پایان پذیرفت و ماموریت و رسالت مرکز پیمان که حلقه ارتباط و حد فاصل بین این عصر مشعشع که در آن

بذور امر جدید الولاده افشانده شده و اعصار لاحقه که زمان بروز آثار و اثمار شجره طیبه رحمانیه است به انتهی رسید . قوه قدسیه الهیه که در سنه ستین در شیراز تولد یافت و در ارض (طا) نبعان جدید حاصل نمود و شعله اش در مدینه الله و ارض سر مرتفع گردید و نفحات مسکبه اش عالم غرب را معطر و اقطار شاسعه جهان را معنبر ساخت اکنون با طلوع عصر تکوین در مشروعات و موسسات بهیه این آئین نازنین که به منزله مجاری و قنوات جهت ایصال فیض نامتناهی الهی به جهان بشری است حلول نمود و بر قوت و اتقان بیفزود و در این عصر ثانی که عصر جدید امر یزدانی است موسسات محلی و ملی و بین المللی شریعت حضرت بهاءالله به تدریج تشکیل و روزبه روز وسعت و عظمت خواهد پذیرفت تا عصر ثالث و اخیر دور بهائی یعنی عصر ذهبی فرارسد و نظم جهان آرای حضرت رحمن در بسیط غربا جلوه محیر العقول نماید و ثمره نهائی امر جمال اقدس ابهی ظاهر و آشکار گردد و مدنیت

الهیة تاسیس شود و ملکوت الله چنانکه حضرت
مسیح له المجد و الثنا وعده فرمودند در بین بریه
استقرار یابد . عصر تکوین با افتتاح الواح وصایای
مبارکه حضرت عبدالبهاء و اعلان جانشینی حضرت
ولی امرالله آغاز گردید و شامل عهد های متفاوت و
گوناگونی با طول زمان های مختلف می باشد.

عهدهای عصر تکوین

۱- عهد اول

ابتدای اول عصر تکوین افتتاح الواح وصایا و جلوس حضرت ولی امرالله بر اریکه ولایت امر الهی است و مدت آن ۲۵ سال است که تحت رهبری و قیادت مرکز ولایت امر اساس نظم اداری امرالله مرتفع گردید حضرت ولی امرالله دوران عهد اول را ۲۵ سال تعیین فرمودند که به سال ۱۰۳ بدیع مطابق ۱۹۴۶ میلادی و ۱۳۲۵ شمسی پایان یافت . از مهمترین وقایع این عصر ارشادات و راهنماییهای هیکل مبارک حضرت ولی امرالله در تاسیس و تقویت محافل روحانیه ملیه و ایجاد موسسه ایادی امرالله و انتخاب حضرات ایادی امرالله از ۵ قاره عالم و بسط و گسترش دامنه امرالله به اکثر نقاط جهان و اتمام و اکمال ساختمان مقام اعلی و حدائق حول روضه مبارکه و امر به داشتن نقشه های متعدد و متنوع از جمله نقشه هفت ساله امریکا از تاریخ ۱۹۳۷ الی ۱۹۴۴ و نقشه ۴۵ ماهه مهاجرتی ایران که منجر به

فتح نقاط عربی همجوار و قیام بیش از چند صد نفر از مهاجرین به امر خطیر مهاجرت و همچنین ترسیم نقشه دهساله .

دیگر از اقداماتی که در طی عهد اول عصر تکوین انجام گردید می توان از تاسیس محافل روحانی ملی در آمریکا به سال ۱۹۲۵ در آلمان و انگلستان و هندوستان به سال ۱۹۲۳ در مصر به سال ۱۹۲۴ در عراق به سال ۱۹۳۱ و در ایران و استرالیا در سال ۱۹۳۴ اشاره نمود . البته اقدامات مشعشانه دیگری نیز در طی نقشه های ۷ ساله و دهساله انجام شد که به علت کثرت و تنوع آن امکان ذکر و معرفی آنها نیست .

از جمله انجام تزئینات و اتمام مشرق الاذکار شیکاگو از دیاد محافل روحانیه ملیه

فتح نقاطی که از دیانت بهائی بی خبر بودند توسط فاتحین و فارسان امر نشر و انتشار آثار امری به زبانهای مختلف

و هزاران اقدام کوچک و بزرگ دیگر

عهد دوم عصر تکوین

عهد دوم عصر تکوین مقارن با سنین اولیه شروع قرن دوم بهائی یعنی تقریباً به سال ۱۹۴۶ میلادی آغاز گردید و پایان آن مصادف بود با یکصدمین سال اظهار امر علنی حضرت بهاءالله در بغداد و در پایان همین عهد بود که به سال ۱۹۶۳ میلادی بیت العدل اعظم الهی تاسیس گردید دوران عهد دوم حدود ۱۷ سال طول کشید .

بیت العدل اعظم درباره عهد دوم در پیام مورخ شهرالبهاء ۱۴۳ بدیع می فرمایند : عهد ثانی یا مرحله ثانویه عصر تکوین مقارن با سنین اولیه قرن دوم بهائی آغاز گردید و تا تاسیس بیت العدل اعظم در سنه ۱۲۰ بدیع ادامه داشت . از اقدامات مهمی که در عهد دوم از عصر تکوین انجام شد می توان از دومین

نقشه ۷ ساله محفل روحانی ملی آمریکا

نقشه ۶ ساله در انگلستان و استرالیا

نقشه ۴/۵ ساله در هندوستان

نقشه ۳ ساله در نیوزیلند

نقشه ۵ ساله در عراق

و نقشه ۴۵ ماهه مهاجرتی در ایران

حضرت ولی امرالله درباره اهمیت نقشه ۴۵ ماهه ایران می فرمایند : نقشه ۴۵ ماهه از مشروعات مهمه پیروان جمال رحمن است هدف اعلایش اجابت آخرین ندای حضرت عبدالبها راجع به امر خطیر مهاجرت است و مقصد اسمایش استحکام اساس نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاءالله است "

۱- در این دوره مشرق الاذکار شیکاگو رسما طی مراسم و جشنهای مفصل افتتاح گردید .

۲- شورای بین المللی انتصابی به سال ۱۹۵۱ برای کمک به حضرت ولی امرالله در اجرای امور تشکیل شد .

۳- بنای مقام اعلی که در زمان حضرت عبدالبهاء پی ریزی شده بود به سال ۱۹۵۳ تکمیل گردید

۴- نقشه دهساله از ابتدای ۱۹۵۳ به نام جهاد کبیر اکبر به منظور توسعه و تقویت موسسات امریه در

ارض اقدس و تقویت و ازدیاد محافل ملیه و تشکیل
کنفرانسهای بین القارات و ساختمان مشرق الاذکار در
استرالیا و آفریقا و صدها برنامه ریزی بلند و کوتاه
مدت ترسیم گشت ولی متأسفانه در اواخر نقشه ده ساله
الهی یعنی ۳ سال مانده به پایان آن صعود حضرت
ولی امرالله واقع گردید و از آن به بعد حضرات ایادی
امرالله که حارسان امر الهی نامیده شده و در پیام
اکتبر ۱۹۵۷ وظیفه صیانت از امرالله نیز به عهده
آنان گذاشته شده بود فاتحانه این نقشه را به اتمام
رسانده از انشقاق و اختلاف که زائیده تشتت افکار
بعد از صعود هر مظهر ظهور یا جانشینش می باشد
جلوگیری نموده و بالاخره با تشکیل بیت العدل اعظم
این عهد درخشان پایان پذیرفته و عهد سوم عصر
تکوین شروع گردید .

عهد سوم عصر تکوین

عهد سوم عصر تکوین که از ۱۹۶۳ میلادی و با اختتام موفقیت آمیز نقشه ده ساله و تاسیس بیت العدل اعظم شروع گردید تا سال ۱۹۸۴ میلادی ادامه داشت و مدت آن قریب به ۲۳ سال بود .

بیت العدل اعظم در دستخط مورخ ۱۹۶۳ چنین می فرمایند "یاران محبوب امر الهی که از آغاز اشراق در کهف حفظ و کلانت و عون و مرحمت دو ظهور اعظم و مرکز عهد اقوم و آیت رب اکرم محفوظ و مصون مانده حال به مرحله جدیدی وافد و به عهد ثالث عصر تکوین و اصل و وارد گشته است"

در این دوره سه مشروع عظیم جهانی در ظل قیادت و هدایت بیت العدل اعظم شروع و به تکمیل اهداف محوله اقدام نمودند که عبارتند از نقشه نهساله از ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۳ نقشه پنجساله ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۹ و نقشه هفت ساله از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۶ که در این دوره بفرموده بیت العدل اعظم نقاب مجهولیت به یک سو افکنده گردید .

اقدامات مهم عهد سوم عصر تکوین

در این دوره بیت العدل اعظم با مشورت با حضرات ایادی امرالله که یادگارهای نفیس حضرت ولی امرالله بودند طرحی جامع برای توسعه و پیشرفت فعالیتهای امری در مواضع مختلفه صیانت و نشر معارف و تبلیغ طی نقشه ۹ ساله مطرح فرمودند که تعداد محافل روحانیه بالغ بر ۱۱۳ محفل گردید که ۵ محفل بیشتر از سهمیه متقبل شده بود . چند کنفرانس بین المللی در قارات مختلفه تشکیل شد مشرق الاذکار پاناما افتتاح و مقدمات تاسیس مشرق الاذکار فرانکفورت در المان فراهم گردید انتخاب دومین و سومین دوره اعضای بیت العدل اعظم انجام شد . دارالتبلیغ بین المللی به سال ۱۹۷۳ تاسیس گردید و هیئتهای مشاورین قاره ای تشکیل شد . نقشه ۵ ساله و ۷ ساله دیگر با اهداف متنوع از جمله شروع ساختمان دارالتشریح ، تهیه مقدمات مشرق الاذکار ساموا و هندوستان و افتتاح آنها ، تشکیل ۸ کنفرانس بین المللی طی نقشه ۵ ساله و ۵ کنفرانس طی نقشه ۷ ساله و توسعه دوائر جامعه

بهائی در سازمان ملل متحد و ازدیاد محافل روحانیه
ملی به ۱۶۸ محفل ، تاسیس دفتر اروپائی جامعه بین
الملل در ژنو که بالاخره این اقدامات و اعزام
مهاجرین به نقاط مختلفه و ازدیاد محافل روحانی
محلی باعث شد که امر الهی از مرحله مجهولیت
خارج شده و عهد ثالث پایان پذیرد .

در کتاب اسرار ربانی که قاموس لوح ۱۰۵ و از
تالیفات حضرت اشراق خاوری است در صفحه ۸۵ و
صفحه ۹۸ جلد دوم مرقوم رفته است که عصر تکوین
نیز به سه عهد منقسم است که البته اشتباه است . و
عهد عصر تکوین را معهد اعلی آن مقام مصون از
خطا معین می فرمایند و در هنگام تالیف این کتاب ما
در عهد پنجم از عصر تکوین می باشیم .

عهد چهارم عصر تکوین

عهد چهارم عصر تکوین از ژانویه ۱۹۸۶ شروع گردید و تا ژانویه ۲۰۰۱ به مدت تقریباً ۱۵ سال ادامه یافت. بیت العدل اعظم در پیام منیع مورخ دوم ژانویه ۱۹۸۶ می فرمایند " این نحوه اقدام ... بدایت مرحله تازه ای را در جلوه نظم اداری ظاهر و نمایان می سازد. حضرت ولی امرالله عهد های مختلفه متتابعه ای را در عصر تکوین پیش بینی فرموده بودند حال بیت العدل اعظم ظهور و بروز های مرحله تحول و تکاملی اخیر را در رشد بلوغ تشکیلات بهائی بدایت عهد رابع عصر تکوین تعیین و اعلام می فرمایند. و در همان پیام تاکید می فرمایند که حال عهد چهارم از عصر تکوین آغاز گردیده و مرحله جدیدی در حیات روحانی جامعه بهائی به وجود آمده است که خود طلیعه عهد های آینده این عصر نورانی خواهد بود. تا ظهور عصر ذهبی نظم بدیع جهان آرای الهی امتداد خواهد یافت. این عهد با رشد و بلوغ ذاتی که در نتیجه ارشادات و راهنماییها

ی معهد مصون از خطای الهی یعنی بیت العدل اعظم
ایجاد شده بود برای تکامل موسسات امریه و توسعه و
تقویت محافل روحانی ملی سال ۱۹۸۶ طی پیام منیع
بیت العدل آغاز گردید . در طی این عهد نقشه ۶
ساله که ابتدایش سال ۱۹۶۸ و انتهایش سال ۱۹۹۲
بود تنظیم و به عالم بهائی ابلاغ گردید . اهداف عالی
این نقشه منیعه فهرست وار عبارت بود از
افتتاح مشرق الاذکار هند

توزیع بیانیه صلح به بزرگان و روسای جهان
پی ریزی شالوده مرکز مطالعه نصوص
شروع بناهای ضمیمه دارالاثار بین المللی مانند
دارالتحقیق که همان مرکز مطالعه نصوص است
دارالتشریح ساختمان مقر بیت العدل اعظم - در التبلیغ
بین المللی و کتابخانه بین المللی

تاسیس دفتر محیط زیست در جامعه بین المللی
مشارکت جوانان در نقشه با طرح یکسال خدمت
انتشار کتاب اقدس به زبان انگلیسی

و همچنین سعی هر چه بیشتر جامعه بهائی در حیات جامعه بشری - طبع و نشر آثار امری توسعه دامنه تعلیم و تربیت که منجر به تشکیل موسسه معارف بهائی و دانشگاه مجازی امری گردید .

طی این عهد امر مبارک که از مرحله مجهولیت در آمده بود بیشتر و بهتر به دنیا شناسائی گردید صفحه مخصوص جامعه بهائی در اینترنت تاسیس شد و تعداد محافل روحانیه ملی به ۱۸۱ عدد بالغ گردید . بیانیه آینده را چه کسی رقم می زند از طرف دارالانشاء معهد اعلی انتشار یافت و سمینارها و کنفرانسهای بسیار جهت تقویت بنیه روحانی جوانان و بانوان توسط دفتر خدمات توسعه اجتماعی و اقتصادی تشکیل گردید .

عهد پنجم عصر تکوین

عهد پنجم عصر تکوین که هم اکنون ما در آن هستیم از ژانویه ۲۰۰۱ میلادی شروع گردید و انتهای آن نامعلوم است و توسط بیت العدل اعظم به جامعه جهانی امر ابلاغ خواهد گردید. در پیام فوق بیت العدل اعظم با اشاره به اهمیت موسسه مشاورین و اینکه به مرحله جدیدی از بلوغ فائز شده اند می فرمایند با وجد و سرور حاصل از این ملاحظات به عالم بهائی اعلام می داریم که اکنون امر حضرت بهاءالله وارد پنجمین عهد عصر تکوین شده است. با توجه به اهداف نقشه یکساله که رئوس هدفهای آن عبارت بود از

۱- استقرار دارالتبلیغ بین المللی در مقر دائمی

خود

۲- اتمام و اکمال طرح های کوه کرمل و افتتاح

آن در ماه می ۲۰۰۱

۳- تشکیل مجدد محفل روحانی ملی اندونزی

۴- اهداف آموزشی متنوع در توجه به پرورش روحانی اطفال - آموزش مربیان کلاسهای دروس اخلاقی - تشکیل جلسه بحث و مذاکره قاره ای در هند - شرکت نمایندگان بهائی در جلسات و کنفرانسهای متعدد - طرح نقشه ۵ ساله از ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ نقشه جهان شمولی که ما را برای ۲۰ سال آینده آماده می کند - نقشه چهار ساله که به عنوان نقطه عطفی که عظمت یک عهد را دارد - نقشه یک ساله به فرموده بیت العدل با این نقشه ۱۲ ماهه از پیل خواهیم گذشت که هرگز به آن باز نخواهیم گشت .

عصر ذهبی یا دوران طلایی

عصر ذهبی غایت قصوا و هدف اصلی دیانت بهائی است گر چه از نظر رعایت سلسله مطالب طلایی این قسمت باید بخش پایانی کتاب باشد ولی از آنجا که این عصر مشعشع نورانی هنوز میقات وقوعش نرسیده و از رموز و عهود آینده آن بی اطلاعیم به عهده آیندگان می گذاریم .

به طور کلی باید دانست که در مورد نقش عصر ذهبی و کیفیت رشد و نمایش در جهان و شکل تکامل یافته اش در آینده در حال حاضر هیچکس چیزی نمی داند و هر چه بیان شود ابراز عقیده شخصی و خصوصی است که ارزش امری ندارد . بدیهی است که مراحل تکامل موسسات نظم بدیع الهی تحت قیادت مصون از خطای بیت العدل اعظم الهی طی خواهد شد . عصر ذهبی که به فرموده حضرت ولی امرالله غایت قصوی و مقصد اعلائی این دور مقدس است بعد از اختتام عصر تکوین فرا می رسد عصری که عصر اتحاد ملل و اتفاق نحل و طوائف عالم است .

حضرت ولی امرالله در اهمیت عصر ذهبی می فرمایند : عصر ذهبی فرا رسد و نظم جهان آرای الهی در بسیط غربا جلوه نماید مدنیت الهیه تاسیس شود و ملکوت الله چنانکه حضرت مسیح وعده فرموده در بین بریه استقرار یابد .

دور نمای دل انگیز عصر ذهبی در متون مختلفه آثار و توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله به خوبی ترسیم و مشخص گشته و در آثار شارع امر اعظم بنام استقرار ملکوت الهی بر بسیط غربا معرفی گردیده برای درک لذت بیشتر ترجمه بیان مبارک حضرت ولی امرالله را زینت بخش این اوراق می نمایم . حضرت ولی امرالله در توقیع منیع جهان آینده در ظل تعالیم دیانت بهائی که سال ۱۹۳۶ نازل شده است این عصر پر انوار را چنین تشریح می فرمایند : وحدت نوع انسان که مورد نظر حضرت بهاءالله است عبارت از تاسیس جهانی متحد است که در آن همه ملت ها و نژادها و مذاهب و طبقات کاملا و دائما متحد گردند و در آن استقلال ممالک و اعضا

و آزادی شخصی و حق پیشنهاد و وضع قانون از جانب همه کسانی که این ممالک را تشکیل می دهند کاملاً محفوظ ماند . این جهان متحد تا آنجا که ما می توانیم تصور کنیم باید مرکب از یک هیات قانونگذاری جهانی باشد که اعضای قانونگذار آن به عنوان امنای همه عالم بشری ، کلیه منابع طبیعی ملل متشکل را تحت نظارت نهائی خود قرار داده قوانینی وضع نماید که حیات بشر را تحت انضباط آورد ، نیازهای انسان را برآورد و روابط همه ملل و اقوام را تعدیل نماید . یک هیات اجرایی جهانی مستظهر به نیروئی بین المللی ، تصمیمات متخذه هیات قانونگذاری را اجرا و قوانین موضوعه آن را تنفیذ و وحدت همه جهان متحد را حفظ خواهد نمود .

محکمه ای جهانی در جمیع مناقشاتی که ممکن است بین عناصر مختلفه مرکبه این نظام بین المللی رخ دهد قضاوت نموده حکم لازم الاجرا و نهائی خود را صادر خواهد کرد . دستگاه ارتباط جهانی ابداع خواهد شد که تمامی کره زمین را در بر خواهد گرفت و آزاد از موانع و قیود ملی با سرعتی شگفت آور و

نظمی کامل به کار خواهد افتاد . پایتختی دنیائی به منزله مرکز اعصاب تمدنی جهانی پدید خواهد آمد که قوای وحدت بخش حیات به سوی آن معطوف و از آنجا اثرات نیرو بخش آن صادر خواهد گردید . زبانی جهانی ابداع یا از بین السنه موجوده انتخاب و در مدارس همه ملل به عنوان زبانی کمکی علاوه بر زبان مادری تدریس خواهد شد . خطی عمومی ، ادبیاتی جهانی ، یک مقیاس پول ، وزن اندازه گیری متحدالشکل و عمومی ، ارتباط و تفاهم بین ملل و اقوام دنیا را تسهیل خواهد نمود . در چنین جامعه جهانی علم و دین یعنی دو قویترین نیروی حیات انسانی با هم سازش و تشریک مساعی می نمایند و با هماهنگی ، رشد و پیشرفت می کنند . در ظل چنین نظمی مطبوعات ، در حالی که میدان را از برای ابراز نظرات و عقاید مختلف ابنا بشر باز خواهد گذاشت دیگر آلت دست مصالح و اغراض شخصی قرار نخواهد گرفت و از اعمال نفوذ دول و ملل متخاصم رهائی خواهد یافت . منابع اقتصادی دنیا تحت نظم خواهد آمد . مواد خام آن استخراج و مورد

بهره برداری کامل قرار خواهد گرفت . بازارهای جهان تنظیم و توسعه خواهد یافت و فرآورده ها به طور منصفانه بین ملل توزیع خواهد شد . رقابت ها ، خصومت ها و دسیسه های ناشی از تعصب ملی پایان خواهد یافت . دشمنی و تعصب نژادی به دوستی و حسن تفاهم و همکاری بین نژاد ها بدل خواهد شد . علل نزاع و جدال مذهبی برای همیشه از میان خواهد رفت . موانع و قیود اقتصادی کاملاً مرتفع خواهد شد . امتیاز مفرط بین طبقات از میان خواهد رفت . فقر از یک سو و تجمع بی اندازه ثروت از سوی دیگر ناپدید خواهد گشت . نیروهای عظیمی که در راه جنگ اقتصادی یا سیاسی به هدر می رود وقف مقاصد می گردد که باعث توسعه دامنه اختراعات و پیشرفتهای تکنولوژی ، ازدیاد فرآورده های انسانی ، از بین بردن بیماری ، توسعه تحقیقات علمی ، بالا بردن سطح بهداشت عمومی تهذیب و تشحیذ فکر آدمی ، استخراج منابع متروک و ناشناخته کره زمین ، تزئین حیات انسان و پیشرفت هر عامل دیگری که بتواند حیات عقلانی ، اخلاقی و

روحانی جمیع ابنا بشر را تقویت کند . نظمی جهانی بر کره ارض استیلا خواهد یافت که سلطه ای کامل بر منابع فوق العاده دنیا خواهد داشت . آمال شرق و غرب را در خود ممزوج و مجسم خواهد نمود . از شر جنگ و مصائب آن رهائی خواهد یافت و توجهش را معطوف به استخراج جمیع منابع نیروی موجود در سطح زمین خواهد نمود . نظمی که در آن قدرت ، خادم عدالت است و حیات آن متکی به شناسائی عمومی یک خدا و ایمان به ظهوری واحد خواهد بود . این است هدفی که عالم بشریت تحت تاثیر قوای وحدت بخش حیات ، به سوی آن در حرکت است . حضرت ولی امرالله در توقیع منیع مبارک هدف نظم بدیع دور نمای عصر ذهبی را ترسیم نموده و می فرمایند :

یک نوع حکومت عالیه جهانی باید رشد و تکامل یابد که همه ملل جهان با طیب خاطر هر نوع ادعای مربوط به جنگ و برخی از حقوق مربوط به وضع مالیات و کلیه حقوق مربوط به نگهداری قوای نظامی و آلات و ادوات حرب به جز به منظور حفظ

نظم داخلی ممالک خود را بدان واگذار نمایند . یک چنین حکومت در نطاق خود دارای قوه مجریه بین المللی است که صلاحیت کافی دارد تا هر عضو طاغی اتحادیه جمیع ممالک عالم را در برابر مرجعیت و قدرت عالیه و قاطع خود به اطاعت وادارد و نیز پارلمانی جهانی که اعضای آن از طرف مردم ممالک مختلف انتخاب می شوند و مورد تائید دولتهای خود قرار می گیرند ، و محکمه کبرای بین المللی که رای صادره از آن حتی در مواردی که طرفین مایل با احاله دعوا بدین هیئت کبری نباشند حکمی لازم الاجرا به شمار می رود . جامعه ای جهانی که در آن همه موانع اقتصادی برای همیشه مرتفع گردد و ارتباط و اتکال کار و سرمایه به نحو قاطع شناخته شود ، و در آن عربده و هیاهوی تعصبات و مجادلات مذهبی برای ابد تسکین یابد ، و در آن نار مخاصمات نژادی سرانجام خاموش شود و در آن مجموعه واحدی از قوانین بین المللی که محصول داوریهای نمایندگان همه ممالک دنیا در این اتحادیه عالم است تدوین گردد و مداخله مبرم و

اجباری نیروهای متحد اعضای حکومت متحده
ضامن اجرایی آن به شمار رود و بالاخره جامعه ای
جهانی که در آن خشم ملیت پرستی متلون و جنگاور
نبوعی آگاهی و جهان دوستی بدل شود . این است
روش کلی و برجسته نظمی که حضرت بهاءالله پیش
بینی فرموده اند . نظمی که در آینده به منزله ابهی
ثمره عصری رو به تکامل شناخته خواهد شد .

و در همان توقیع مبارک می فرمایند :

طلوع دوره عزت و سعادت عالم بشریت که شاعران
در طی قرون و اعصار در وصف آن به نظم سرود و
اشعار پرداخته اند و انبیا زمانی دراز آن را در رویا
دیده اند منوط به اتمام و اکمال این طرح عظیم و
شکوهمند اتحاد دنیا است . اتحادی که جمیع منابع
سیاست رومیان از عهده تحقق آن عاجز ماند و
مساعی مایوسانه ناپلئون با شکست روبرو شد . و
نیز تحقق نبوات انبیای سلف که روزی شمشیرها به
گاو آهن تبدیل خواهد شد و شیر و بره در کنار هم
خواهند خسبید مربوط به تحقق اتحاد عالم است و
تنها آن می تواند منادی ملکوت اب سماوی باشد که

دیانت عیسی مسیح بدان بشارت داده است تنها همین اتحاد عالم می تواند شالوده نظم بدیع جهانی را که حضرت بهاءالله تصویر فرموده اند پی ریزی نماید چنان نظمی که در حد استعداد عالم خاک این بسیط غبرا را آئینه تجلیات ملکوت ابهی خواهد کرد .

بیت العدل اعظم الهی می فرمایند :

عصر ذهبی خود فی حد ذاته منقسم به اقسام و عهود متابعه خواهد بود که متناوبا متسلسلا در عالم امکان لائح و عیان خواهند گشت و منجر به استقرار صلح اعظم در بسیط زمین جلوه سلطنت عالمیه و غلبه ظاهره شریعت سماویه خواهد و مدنیت لاشرقیه و لاغربیه الهیه در اقطار جهانی برقرار خواهد گشت. حضرت ولی امرالله سال ۱۹۶۴ در توقیعی چنین مرقوم فرموده اند :

چنین مقدر است که قرن دوم بهائی شاهد انتشار وسیع و استحکام بارز قوای فعاله در توسعه و پیشرفت جهانگیر نظم مزبور و نیز ناظر جنبش های اولیه نظم جهانی باشد ، نظمی که تشکیلات اداری موجود طلیده و هسته مرکزی و نمونه ای از

آن است ، نظمی که چون شکل گیرد و درخشش و لمعان تاثیرات لطیفه اش کره ارض را در برگیرد ، بلوغ کلیه نوع بشر و تکامل امر الهی را که به وجود آورنده نظم مزبور است ، اعلام خواهد داشت." حضرت ولی امرالله دور نمای عصر پر انوار ذہبی را در یکی از توقیعات مبارکه چنین ترسیم می نمایند : سلطنت جهانی و جلوه سیطره محیطه ظاهری و روحانی موسس آئین بهائی و تشکیل محکمه کبری و اعلان صلح عمومی مرحله سابع و اخیر است . و بعد اضافه می فرمایند : در این مرحله اخیر به نفسه مقدسه ظهور و جلوه مدنیت حقیقیه الهیه و بلوغ عالم به رتبه کمال که اعلی المراتب است و تبدیل ارض به قطعه از فردوس اعظم تحقق یابد .

جناب نخجوانی در نطقی که ایراد فرموده اند و خلاصه آن در پیام بهائی شماره ۱۵۱ صفحه ۲۴ مندرج است می فرمایند :

بعد از این عهد و اختتام عصر تکوین که عصر دوم

بود وارد می شویم به عصر ذهبی که باز مشتمل بر عهد متعدد است . این صریح بیان حضرت ولی امرالله است یعنی وقتی که عصر ذهبی شروع شود مشتمل خواهد بود بر عهد متعدد یعنی این عهد بلا انقطاع با ما خواهد بود و این عصر ذهبی شاهد ظهور و جلوه اعلی و ابهی ثمره نظم جهانی بهائی در عالم خواهد شد . این قسمت آخر نقل از یکی از توقیعات حضرت ولی امرالله به فارسی است که می فرمایند این عصر شاهد ظهور و جلوه اعلی و ابهی ثمره نظم جهانی است یعنی نظم جهانی بهائی یک ثمره ای خواهد داشت و این ثمره در عصر ذهبی مشاهده خواهد شد . الان هنوز ظاهر نشده .

ما در قرنی زندگی می کنیم که اگر بخواهیم به طور صریح آن را توصیف کنیم قرنی است که در آن دو سانحه ی عظیم دیده می شود . سانحه ی اول سكرات موت نظمی را نشان می دهد که فرسوده و غافل از خدا شده و با لجاجت تمام با وجود علائم و اشارات یک ظهور صد ساله نخواستہ است وضعیت خود را

با دستورات و مبادی آن دیانت آسمانی وفق دهد .
سانحه دوم درد زده نظم جدیدی را اعلام می دارد که
ملکوتی و متضمن نجاح و فلاح عالم است و به طور
قطع جایگزین نظم اول و در تشکیلات اداری آن نطفه
ی مدنیته بی مثل و عالمگیر نمایان است که به طور
مرئی در حال رشد و بلوغ است .

اولی منزوی و در ظلم و خونریزی و ویرانی
مضمهل می گردد و دیگری منظره عدالت و وحدت و
صلح و معارفی به روی ما می گشاید که در هیچ
عصری نظیر آن دیده نشده است . اولی قوای خود را
به مصرف رسانیده و سقیم و عقیم بودن خود را ثابت
نموده و فرصت خود را به نحوی غیر قابل جبران از
دست داده و با سرعت تمام به طرف زوال و ویرانی
می گراید و دومی نیرومند و شکست ناپذیر
زنجرهای خود را گسسته و محقق می سازد که یگانه
پناهگاهی است که عالم انسانیت رنج کشیده هر گاه از
آلودگیهای خود پاک شود می تواند به وسیله آن به
مقامی که برای آن مقدر است نائل گردد .

از حضرت ایادی عزیز امرالله جناب ابوالقاسم فیضی

مطلبی را درباره عصر ذهبی می پرسند ایشان می
فرمایند: و اما عصر ذهبی یعنی تمدن بهائی که به
وجود خواهد آمد این عصر ذهبی اواخر دوره
حضرت بهاءالله خواهد بود یعنی بعد از پانصد
ششصد سال خیلی مدت زمان زیادی است اما زمان
ما خیلی بهتر است چون در حال شروع کردن آن
عصر هستیم آیا می خواهید آن عصر ذهبی را ببینید .

منابع مطالعه

برای اطلاع بیشتر درباره نظم بدیع و نظم اداری به
منابع زیر مراجعه فرمایید

نظر اجمالی در دیانت بهائی ص ۵۳

اسرار ربانی جلد اول ص ۲۷۰

مآذنه آسمانی جلد ششم ص ۸۶۵

سالنامه جوانان سنه ۱۰۴ ص ۱۶۴

آهنگ بدیع سال ۴ شماره ۱۷ ص ۲۱

آهنگ بدیع سال ۱ شماره ۱۹ ص ۳

نشریه محفل روحانی طهران سال ۲ شماره ۱۵ ص

۱۰۰

نشریه محفل روحانی طهران سال ۲ شماره ۲۵ ص

۱۷۶

ضمیمه نشریه محفل روحانی طهران سال ۲ شماره

۳۹ ص ۱

مرآه الحقيقه ص ۱۷۲

ضميمه نشریه محفل روحانی طهران سال ۱ شماره

۱۵ ص ۶۵

انوار هدايت صفحه ۲

عندليب سال ۲۰ شماره ۷۸ ص ۱۰

رحيق مختوم جلد ۲ ص ۵۸۳

اركان نظم بديع

پيام بديع سال ۵ شماره ۵۸ ص ۶

پيام بديع سال ۷ شماره ۷۹ ص ۵

پيام بهائی شماره ۲۵۹ ص ۹

سایر تألیفات مولف

- ۱- آیا میدانید (دانستنیهای امری)
- ۲- منابع مطالعه غیر امری (نایاب)
- ۳- فن فراگیری انشا و نامه‌نویسی غیر امری (چاپ سوم)
- ۴- الواح مزاح آمیز
- ۵- بهائی را به صفت شناسند
- ۶- از عجایب روزگار
- ۷- آل الله
- ۸- نامه‌های تاریخی
- ۹- امتیاز تقویم بدیع بر سایر تقاویم
- ۱۰- خواندنیهای امری
- ۱۱- منابع مطالعه امری جلد اول موضوعات
- ۱۲- منابع مطالعه امری جلد دوم اشخاص
- ۱۳- منابع مطالعه امری جلد سوم آثار امری
- ۱۴- معرفی آثار مبارکه جلد اول آثار حضرت اعلی
- ۱۵- معرفی آثار مبارکه جلد دوم آثار حضرت بهالله
- ۱۶- معرفی آثار مبارکه جلد سوم آثار حضرت عبدالبها
- ۱۷- سیر تکاملی اخبار امری
- ۱۸- سیر تکاملی تقویم (غیر امری)
- ۱۹- چگونه بهائی شدم در شرح حال مصدقین جلد ۱
- ۲۰- چگونه بهائی شدم در شرح حال مصدقین جلد ۲
- ۲۱- چگونه بهائی شدم در شرح حال مصدقین جلد ۳
- ۲۲- چگونه بهائی شدم در شرح حال مصدقین جلد ۴
- ۲۳- تاریخ امری نیریز جلد اول شرح وقایع اولیه در نیریز

- ۲۴- تاریخ امری نیریز جلد دوم نیریز در آثار دیگران
- ۲۵- تاریخ امری نیریز جلد سوم شعرای بهائی نی- ریز
- ۲۶- خاطرات سفر به کانادا و آمریکا
- ۲۷- زیارت و سیاحت خاطرات سفر به ترکیه
- ۲۸- تور روحانی
- ۲۹- تاریخچه مختصر امر در جنوب
- ۳۰- اغصان سدره مبارکه
- ۳۱- معرفی آثار امری جلد ۱ کتب تاریخی
- ۳۲- تدوین و معرفی اشعار طاهره قره العین
- ۳۳- تدوین خاطرات امراله رفاهی
- ۳۴- تدوین خاطرات رحمت اله اعلانی
- ۳۵- خاطرات زائرین ارض اقدس جلد ۱
- ۳۶- از طبیعت بیاموزیم غیر امری
- ۳۷- زنان برتر از مردان غیر امری
- ۳۸- شهید بزرگوار شرح حال و شهادت رحمن کلینی
- ۳۹- مقام امام حسین (ع) از نظر بهائیان
- ۴۰- نیلوفر آبی خاطرات سفر به هنر
- ۴۱- شرح حال و خاطرات نظام الممالک
- ۴۲- شرح حال و خاطرات شهید اوجی
- ۴۳- شرح حال و خاطرات جلال میثاقی
- ۴۴- شرح حال و خاطرات فرنوش حسامی
- ۴۵- اسامی متشابه جلد اول اشخاص
- ۴۶- اسامی متشابه جلد دوم الواح
- ۴۷- ماجرای يك بوسه

۴۸- معرفي لوح احمد و شرح حال مخاطبش
-۴۹

شرح نگین اسم اعظم

۵۰- مقالات و مقولات مجموعه سخنرانیها

۵۱- شجره نامه فامیل

۵۲- راهنمای حل جدول

آثار در دست تألیف

خاطرات زائرین ارض اقدس جلد ۲

چگونه بهائی شدم جلد ۵

معرفی آثار امری جلد ۲ کتب استدلالی

معرفی آثار امری جلد ۳ قاموس‌های امری

شرح حال ماری ملکه رومانیا

تاریخ امری نیریز جلد ۴ قدمای نیریز

تاریخ امری نیریز جلد ۵ شهدای نیریز

تقویم تاریخ

بهائی ستیزی در ۳ رژیم استبداد - مشروطه -

جمهوری

نظم اداری

مولفین بهائی

فهرست

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
	تعریف نظم اداری		مقدمه
	سیر تکاملی دیانت بهائی		پیشگفتار
	تقسیمات نظم بدیع		تعریف نظم بدیع
	مجهولیت		مبادی و احکام
	مقهوریت		مبادی روحانی مبادی اداری
	انفصال		نطق جناب علی نخجوانی
	استقلال		تقسیمات نظم بدیع
	رسمیت		کور
	حکومت بهائی		دور
	سلطنت جهانی		عصر
	مراحل ده گانه		عهد
	مرحله اول کور حضرت آدم		کور دیانت بهائی
	مرحله دوم عهد اعلی		اهمیت کور بهائی
	مرحله سوم دوران مقهوریت		معرفی الواح وصایا

	عهد سوم عصر رسولی عهد میثاق		مرحله چهارم اظهار امر خفی
	عصر تکوین		مرحله پنجم اظهار امر علنی در بغداد
	عهد اول		مرحله ششم دوران ادرنه و عکا
	عهد دوم		مرحله هفتم دوران مرکز میثاق
	عهد سوم		مرحله هشتم عهد اول عصر تکوین
	عهد چهارم		مرحله نهم اعلام نقشه دهساله
	عهد پنجم		مرحله دهم تشکیل بیت العدل اعظم
	عصر ذهبی		عصر رسولی
	ماخذ و منابع		تقسیمات عصر رسولی
	سایر تالیفات مولف		عهد اول عصر رسولی عهد اعلی
	کتاب در دست تالیف		عهد دوم عصر رسولی عهد ابهی